

سفارهرندی در مراسم تقدیر از دست اندرکاران جشنواره‌های فرهنگی عنوان کرد

۸۷؛ بهار فعالیت‌های فرهنگی انقلاب

♦ سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌تواند نشانه‌ای باشد تا دریچه‌های جدیدی را به دنیای بزرگتری بگشاییم

۳



کتابخانه

شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۷
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۲۹، ۵ آوریل ۲۰۰۸
شماره ۱۲۵، پیاپی ۷۷۶
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

ایران در کتابخانه‌های ملی جهان

دویست عنوان کتاب از سوی سفارت اوکراین به کتابخانه ملی ایران اهدا شد. در مراسم اهدای مجموعه‌ای از کتاب‌های اوکراینی به کتابخانه ملی علی‌اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اشاره به تلاش کتابخانه ملی برای برقراری ارتباط با کتابخانه ملی سایر کشورها، گفت: «این ارتباط ثمرات زیادی برای طرفین دربر خواهد داشت که دسترسی به دانش دو کشور یکی از محرزترین این فواید است.»

اشعری همچنین از ایجاد اتاق فرهنگی ایران در کتابخانه ملی اوکراین خبر داد و گفت: «این اتاق با هدف اغنای علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ ایران در کتابخانه ملی اوکراین راه‌اندازی شده است.»

۵

کارشناسان از چشم انداز ادبیات داستانی در سال نوآوری و شکوفایی می‌گویند

شکوفایی داستان انقلاب

رضا رهگذر می‌شناسد، یکی از داستان‌نویس‌های موفق سال‌های پس از انقلاب بوده است. این داستان‌نویس و پژوهشگر با آثار خود توانسته است مخاطبان فراوانی در میان نخبگان و عامه مردم پیدا کند. وی نوآوری و رسیدن به ابتکارات را یکی از مسائل اصلی ادبیات و هنر معرفی می‌کند و می‌گوید: «هنر و به‌ویژه ادبیات همواره زندگی و حضور خود را در نوآوری و ابتکار می‌بیند.» این نویسنده که سابقه قصه‌گویی در برنامه مشهور قصه‌ظهر جمعه رادیو را نیز در کارنامه‌اش دارد، سپس با اشاره به جمله «آفت هنر، تکرار و تقلید است»، می‌افزاید: «اگر اثری فاقد ابتکار و نوآوری باشد، دیگر نمی‌توان آن را یک اثر هنری نامید.» وی سپس با اشاره به فرمایش‌های مقام معظم رهبری، بر نوآوری بیشتر در سال و دهه پیش رو تأکید و خاطر نشان می‌کند: «کسانی که ادبیات را با این منظر نگاه می‌کرده‌اند، به این سخنان التفات بیشتری خواهند داشت و به‌طور حتم به آن رویکردی ویژه خواهند داشت.»

سرشار سپس به مقاله‌ای که چندی پیش از او در نشریه کتاب هفته منتشر شد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این مقاله و چند یادداشت دیگری که در برخی از نشریات از جمله «ادبیات داستانی» منتشر کردم، ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی را برشمردم و تکرار آنها را در این زمان ضروری نمی‌بینم.» وی می‌افزاید: «کارهای زیادی را می‌توان در سال جاری و دهه چهارم انقلاب اسلامی انجام داد که پیش‌پاافتاده‌ترین آنها می‌تواند جمع‌آوری داستان‌های موفق حوزه انقلاب اسلامی در سه دهه پیش باشد.» این نویسنده و پژوهشگر هنر و ادبیات، پیش از این و در شش مجلد داستان‌های انقلاب اسلامی در حوزه کودکان و نوجوانان را جمع‌آوری کرده است. به گفته وی تجدید چاپ این مجموعه و افزودن آثاری به آن، از جمله مسائلی است که می‌تواند در سال جدید انجام شود.

۶

انقلابی که پیروزی و تداوم خود را همواره در پیروی از اندیشه‌های برتر و نوگرا جست‌وجو کرده است، به‌طور حتم در چهارمین دهه پیروزی خود، دستاوردهای تازه‌ای از نوگرایی و شکوفایی را سرلوحه کار خویش قرار خواهد داد. تقارن این سال به عنوان سرآغاز چهارمین دهه پیروزی انقلاب و سخنان رهبر معظم انقلاب که سال ۸۷ را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند، دلیلی است بر توجه بیشتر به کتاب و کتابخوانی که می‌تواند سرچشمه شکوفایی و نوآوری باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بارها در فرمایشات خود به اهمیت ادبیات اشاره کرده‌اند و بهبود وضعیت آن را در کنار دیگر دستاوردهای معرفتی خواستار شده‌اند. ایشان به تأکید گفته‌اند که هرگز نقش ادبیات را نباید نادیده گرفت، چراکه توجه صرف به مسائل فنی، برای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی، کفایت نخواهد کرد.

نگاهی به دستاوردهای ادبیات، به‌ویژه فعالیت‌هایی که در حوزه ادبیات داستانی صورت گرفته به خوبی نشان می‌دهد که در سه دهه گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی در این حوزه صورت گرفته است، آنچنان که جهان نتوانسته دیده‌بر آن بریندد. ترجمه چند اثر به زبان‌های پر مخاطب دنیا از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسه، برتری نویسندگان ایرانی در جشنواره‌های ادبی جهان و مسائلی از این دست به خوبی حکایت از این برتری دارند و طرفه آن که بیشتر این آثار درباره پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده‌اند. با این همه، ادبیاتی که ما تحت عنوان ادبیات انقلاب اسلامی می‌شناسیم، برای رسیدن به قله‌های رفیع، افق‌های گسترده‌ای را پیش روی خود می‌بیند و پیشرفت‌های حاصله هنوز در حد نام بزرگ انقلاب مردمی و اسلامی ایران نیستند.

محمد رضا سرشار که بسیاری او را بانام مستعار داستانی‌اش،

سیاوش میرشههانی از تازه‌ترین آثار خود می‌گوید

زندگی به روایت اعداد

سیاوش میرشههانی متولد ۱۳۲۱ تهران، دارای مدرک دکترای در رشته ریاضیات است و تاکنون آثار مختلفی در حوزه ریاضیات تالیف و یا ترجمه کرده که چاپ و منتشر شده‌اند. «حساب دیفرانسیل و انتگرال» جدیدترین کتاب او اخیراً از سوی انتشارات فاطمی چاپ و منتشر شده است. این کتاب حاصل سال‌ها تدریس و تحقیق او در فضای دانشگاهی است. علاوه بر کتاب مذکور، آثار دیگری از این استاد دانشگاه صنعتی شریف به بازار آمده که «توپولوژی از دیدگاه حساب دیفرانسیل»، «نظریه اعداد» با همکاری دکتر ممقانی و «ریاضیات مکعب روبیک» از آن جمله است. شهشهانی درباره کارنامه تالیف و ترجمه خود به کتاب هفته می‌گوید: من کتاب‌های زیادی تالیف نکرده‌ام. کتاب «حساب دیفرانسیل و انتگرال» من هم که چندی پیش از سوی انتشارات فاطمی منتشر شده محصول سالیان سال تدریس من است. البته غیر از این کتاب دو سه ترجمه و یک تالیف دیگر هم دارم که در واقع این کتاب‌ها جزو کارهای مهم نبوده‌اند. این کتاب‌ها معمولاً برای تشویق دوستان دیگر بوده که خیلی تصادفی به تالیف یا ترجمه آنها پرداختم.

آن زمان که تب مکعب روبیک در جامعه پیدا شد، کتابی به نام «ریاضیات مکعب روبیک» تالیف کردم. کتاب‌هایی که من در این مدت منتشر کرده‌ام همین‌ها بود. در زمینه علوم پایه و رشته‌های مهندسی، علی‌الاصول کتاب به آن صورت نوشته نمی‌شود.

۱۳

شما بیابید با جمع کوچکی از آدم هایی که با قصه سروکار داشته باشند و رمان خوانده باشند و درجه بندی رمان های خوب را حقیقتاً بدانند، در این زمینه حرکت کنید. آنها واقعاً همتشان در خواندن قصه و کارهایی که در دنیا صورت گرفته، همت بلند و عالی باشد. شما دو، سه نفری جلسه بگذارید و از کسانی که استعداد قصه نویسی دارند و قصه را با معارف اسلامی خواهند نوشت، یک فهرست تهیه کنید و سراغ آنها بروید، آنها را وادار و تشویق به نوشتن یک اثر کنید از لحاظ معارف انقلاب، اینها را تغذیه کنید؛ که «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مدیرعامل و مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۶/۵/۱۸

نمایشگاه کتاب

در کنار یادمان شهدای هویزه

بزرگ ترین نمایشگاه محصولات فرهنگی راهیان نور با عنوان «خاکریز» و با ۱۲۰۰ عنوان کتاب در کنار یادمان شهدای هویزه برگزار شد. عبدالحسین بدرلو، یکی از فعالان نمایشگاه خاکریز گفت: «در این نمایشگاه غرفه هایی برای فروش لوح های فشرده راهیان نور، کتاب های دفاع مقدس و شعر، رمان، داستان، کودک و نوجوان و مذهبی در نظر گرفته شده است و نشرانی مانند سوره مهر، سازمان تبلیغات اسلامی، نشر معارف و محراب قلم آثار خود را برای فروش در اختیار این نمایشگاه گذاشته اند.»

وی افزود: «استقبال مردم از برپایی این نمایشگاه چشمگیر بود و با این که استقبال کنندگان نمایشگاه شامل گروه سنی خاصی نمی شوند، اما جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال بیشترین بازدید را از نمایشگاه داشته اند.» بدرلو درباره میزان فروش کتاب در نمایشگاه خاکریز گفت: «در این نمایشگاه حدود ۱۲۰۰ عنوان کتاب عرضه شده است و روزانه ۲۰۰۰ نسخه کتاب به فروش می رسد.»

یادمان شهدای هویزه در محل شهادت جمعی از شهیدان عملیات نصر در ۲۵ کیلومتری شرق شهر هویزه و ۳۵ کیلومتری جنوب شهر سوسنگرد احداث شده است.

به گزارش اینااین یادمان توسط جهادسازندگی در سال ۱۳۶۲ و در کنار قبور شهدا بنا شد و در سال ۱۳۶۵ افتتاح و مورد بهره برداری قرار گرفت.

اجرای طرح «کتاب دانشجو» از سال جدید

رئیس سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی از اجرای طرح کتاب دانشجو - که دربرگیرنده اطلاعاتی جامع و کامل در موضوعات عمومی مورد نیاز دانشجویان است - در نیمه اول سال جاری خبر داد.

محمد سلگی افزود: «ویژگی این کتاب ها خلاصه بودن، سادگی و عمومی بودن موضوعات آنهاست.»

وی ادامه داد: «کتاب دانشجو در موضوعات مختلف ادبی، سیاسی، دینی، فلسفی، تاریخ و جغرافیا توسط مولفان اصلی کتاب های دانشگاهی با توجه به مهم ترین و آخرین مطالب مهم هر حوزه به صورت چکیده منتشر می شود.»

سلگی با بیان این که کتاب دانشجو با قیمتی بسیار ارزان به فروش می رسد، افزود: «کتاب هایی در این طرح قرار می گیرند که دانشجویان تقاضای زیادی برای خریداری آنها دارند، اما معمولاً حجیم یا گران قیمت هستند.»

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت آغاز سال ۸۷:

فضای نوآوری، کشور را فرا بگیرد



حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۷، امسال را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند و تصریح کردند: امسال باید فضای نوآوری، کشور را فرا بگیرد و همه مسئولان خود را موظف بدانند با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی، کارهای نو و ابتکاری و راه های میان بر را در سایه مدیریت صحیح، تدبیر درست و حکمت در فعالیت کشور وارد کنند تا کام مردم از ثمره این تلاش ها شیرین شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به عید سه گانه در طلیعه بهار امسال، میلاد نبی مکرم اسلام (ص) و حضرت امام صادق (ع) و عید نوروز را به آحاد ملت ایران و همه ملت هایی که عید نوروز را گرامی می دارند، تبریک گفتند و با اشاره به چشم اندازها و امیدهای بسیار روشن در سال ۱۳۸۷، افزودند: امسال نظام مقدس جمهوری اسلامی سی سالگی خود را که در راه دفاع از استقلال و عزت ملی و حرکت به سمت اعتلای علمی و عملی گذشت، پشت سر می گذارد که همه این تلاش ها در تاریخ ملت ایران برجسته و ماندگار خواهد ماند.

ایشان با اشاره به آغاز فعالیت مجلسی تازه نفس در سال جاری و همچنین فعالیت دولتی خدمتگزار، پرتلاش و خستگی ناپذیر، همکاری و برنامه ریزی این دو قوه را زمینه ساز انجام کارهای بزرگ دانستند و تأکید کردند: ما نمی توانیم آرام و معمولی حرکت کنیم، بلکه باید با تلاشی مضاعف، جدی تر و با نهایت شتاب اما حساب شده، منظم و منضبط به جلو برویم و در عرصه داخلی و همچنین عرصه پیچیده بین المللی از تمام ظرفیت ها برای دست یابی به پیشرفت های بزرگ استفاده کنیم.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه برنامه ریزی مدبرانه، شجاعانه و عزت مدارانه در عرصه سیاست خارجی و موفقیت در این عرصه در توفیقات داخل کشور نیز تأثیر گذار است خاطر نشان کردند: علاج ملت ایران در کسب اقتدار است و امروز خوشبختانه مسئولان کشور عزت ملی را کاملاً در نظر دارند و در مقابل زورگویی و زورگیری دشمن ایستاده اند.

ایشان همکاری کامل دولت و ملت و اتکاء به

پر شکوه و با عظمت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی، بار دیگر چهره پرصلابت و همراه با اقتدار ملت ایران و عزم جدی آنان برای درست اداره کردن کشور را نشان داد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، کارهای با ارزش مسئولان اعم از دولت، مجلس و بخش های گوناگون و همچنین کارهای بزرگ آحاد ملت به ویژه فعالیت های علمی مجموعه های دانشجویی و کوشگر را از دیگر نقاط مثبت در سال ۸۶ زمینه ساز پیشرفت کشور برشمردند و افزودند: در کنار این پیشرفت ها، ضایعات، فقدان ها و ناکامی هایی هم وجود داشت که آخرین آن حادثه تأسّف بار فقدان عزیزان دانشجو در یک سانحه دلخراش بود اما به هر حال زندگی آمیخته از شادی ها و غم ها، شیرینی ها و تلخی هاست و مهم این است که یک ملت بتواند در میانه این حوادث گوناگون هدف خود را در نظر داشته باشد و به سوی آن هدف گام های بلند بردارد.

حضرت آیت الله خامنه ای در پایان اظهار امیدواری کردند: ملت سرافراز ایران، سال جدید را با بهره گیری از نوآوری ها و شکوفایی ها، به بهترین وجه با عزت، موفقیت، کامیابی، شادابی و با توان بیشتر به پایان برساند.

خداوند را زمینه ساز پیشروی در عرصه قدرت یابی ملت ایران و اقتدار روزافزون کشور به ویژه اقتدار معنوی و روحی برشمردند و تصریح کردند: یکی از دو انتظار من در سال ۱۳۸۷، نوآوری در بخش های مختلف و دستگاه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و خدماتی کشور از جمله در دیپلماسی، حرکت به سمت علم و تحقیق، گسترش فرهنگ مطلوب در ارائه خدمات به همه قشرها به خصوص قشرهای محروم و در حال آبادانی کشور است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی افزودند: انتظار دوم در سال جاری این است که فعالیت هایی که در سال های گذشته انجام شده و کارهایی که دولت در سال های اخیر انجام داده، به نتیجه و شکوفایی برسند و کام مردم از نتیجه این فعالیت ها و تلاش ها شیرین شود بنابراین امسال را سال نوآوری و شکوفایی می نامم. حضرت آیت الله خامنه ای در بخش دیگری از سخنان خود، سال ۸۶ را سالی مهم، پر حادثه و عزت آفرین برای ملت ایران دانستند و خاطر نشان کردند: در آغاز سال ۸۶، ماجرای دستگیری ملوان های متجاوز بیگانه و سپس عفو و آزادی آنان، چهره ای مقتدر و در عین حال بردبار و پرگذشت از ملت ایران به جهانیان ارائه کرد و در پایان این سال نیز حضور

رئیس جمهوری در پیامی به مناسبت آغاز سال ۸۷ ایرانیان به مسیر نورانی خود ادامه می دهند

از معصوم (ع) نقل شده است که فرمود، نوروز روزی است که خدای متعال از انسان بر بندگی خودش و یکتاپرستی و تبعیت از ولی خدا بیعت گرفت. روز تجدید عهد است. روز آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر گرامی اسلام است. روز آغاز امامت امیرالمومنین (ع) است. روز آغاز حکومت آخرین است.

به فضل الهی ملت ایران در طول تاریخ همواره موحد بوده است. این ملت همواره از اندیشه الهی و ادیان به ویژه از کامل ترین آنها، اسلام ناب هم تبعیت کرده است و هم با همه وجود و صداقانه از آن صیانت کرده است.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: امروز نوروز ما زیباتر است. خوشبختانه با همت سازمان میراث فرهنگی طی یک مراسم باشکوه این پدیده معنوی به نام ملت بزرگ ایران به صورت رسمی به ثبت رسید.

من مجدداً همه این اعیاد و نوروز را به همه ایرانیان عزیز، رهبری گرانقدر و بزرگوار انقلاب اسلامی، نوروز دوستان، حق طلبان، موحدان و پاک جویان عالم تبریک و تهنیت عرض می کنم.

سال ۱۳۸۶ سالی سرشار از نعم الهی و تلاش و نشاط برای ملت بزرگ ایران بود. سالی همراه با پیروزی های بی دریغی، افتخار آفرین، امیدبخش و پیشرفت های خیره کننده در سیاست، اقتصاد، علم و فرهنگ بود.

در طول یک سال بیش از دو برابر سال های مشابه کار، سازندگی و پیشرفت انجام شد. پروژه های بزرگ صنعتی، عمرانی، علمی، پژوهشی، اقتصادی و فرهنگی و اشتغالزایا به اجرا درآمد.

در ادامه این پیام آمده است: امروز چهره نورانی ملت بزرگ ایران به عنوان پیشگام نور و روشنائی، اعتماد به نفس و ایستادگی در جهان می درخشد و ملت ایران با سرعت، صلابت و عزم ملی و انگیزه های الهی و بشر دوستانه این مسیر نورانی را ادامه خواهد داد.



دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۸۷ صادر کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر وجعلنا من خیر انصاره و اعوانه و المستشهدين بین یدیه یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال

نوروز عزیز را به همه ایرانیان به همه کسانی که نوروز را می شناسند و آن را جشن می گیرند و به همه بشریت تبریک و تهنیت عرض می کنم.

نوروز از پدیده ها و الطاف ویژه الهی است، نوروز یعنی نو شدن، پاک شدن، تولد مکرر و استقبال از همه خوبی ها و زیبایی هاست. در نوروز یک حقیقتی وجود دارد که آن حقیقت رمز ماندگاری نوروز است.

۸۷؛ بهار فعالیت های فرهنگی انقلاب

مراسم تقدیر از دست اندرکاران جشنواره های فرهنگی کشور ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۶ با حضور محمدحسین صفارهرندی، دکتر محسن پرویز و علی شجاعی صائین در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

به گزارش کتاب هفته در ابتدای این مراسم دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «فعالیت هایی که سال ۸۶ در حوزه فرهنگ و معاونت فرهنگی انجام گرفت نسبت به سال ۸۵ چه از لحاظ کمی و چه کیفی افزایش چشمگیری داشته است که این توفیقات نسبی مدیون همکاری اهل فرهنگ در حوزه های مختلف دولتی و خصوصی است.»

در ادامه مراسم محمدحسین صفارهرندی با اشاره به این که سال ۱۳۸۷ که مصادف با سی امین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی است، باید بهار فعالیت های فرهنگی با محوریت انقلاب باشد، گفت: «با گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی مشاهده می کنیم که انقلاب خواهی به سبک جمهوری اسلامی در دنیا گسترش یافته است. از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که بی اعتنائی نسبت به فرهنگ باعث تحقق نیافتن آرمان های انقلاب می شود.»

وزیر ارشاد تصریح کرد: «اهالی فرهنگ بنیه و ظرفیتی که از کنار هم بودن به دست می آورند را نباید دست کم بگیرند. جمع اهالی فرهنگ به ما قوت قلب می دهد که می توانیم کارهای بسیار بزرگتری انجام دهیم.»

وی افزود: «سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می تواند یک نشانه باشد که به واسطه آن کارهایمان را با نگرانی کنیم و موارد خوب و پسندیده را تکثیر کنیم و موارد مانده را به اتمام برسانیم تا دریچه های جدیدی را به یک دنیای بزرگتر بگشاییم.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: «باید برنامه های سال ۸۷ را طوری رقم بزنیم که سال برقراری آشتی میان نسل حاضر با آرمان ها و ایده های فراموش شده در خلال این سالیان باشد. منظوم از آشتی بعد مقابل خصومت نیست بلکه بعد مقابل ناآگاهی و بی معرفتی است. همواره توجه داشته



باشیم که رسانه ای که می تواند این ارتباط را برقرار کند، فرهنگ و هنر است.»

صفارهرندی با اشاره به اینکه انقلاب پربرکت اسلامی ایران در این سی سال زایش های بسیاری داشته است گفت: «شاهدیم که امروزه فیلم های ضدایرانی و ضد انقلاب اسلامی توسط کشورهای غربی ساخته می شود. آیا این جز هویدا کننده ارزش انقلاب ماست که سرمایه های هالیوود برای خنثی کردن آن به کار می رود؟ اما از این سو آیا ما کاری درخور و شایسته برای اعتلای انقلاب انجام داده ایم؟ ما شاهد درخشش مقطعی آذرخش هایی در این سپهر بوده ایم اما این درخشش ها انتظار مقام معظم رهبری و مردم را برآورده نکرده است.»

وی با اشاره به اینکه بهترین محل برای بیان این حرف ها جمع حاضر است، تصریح کرد: «این جمع از آن جهت مناسب است که افراد حاضر در آن هم تولیدکننده فرهنگ هستند و هم در کارهای ستادی و پشتیبانی فعالیت می کنند.»

در ادامه این مراسم محمدحسین صفارهرندی، دبیر ستاد برگزاری پنزدهمین دوره هفته کتاب در گزارشی به تشکیل جلسات هماهنگی شانزدهمین دوره هفته کتاب اشاره کرد و گفت: «بیش از یکصد عنوان فعالیت اصلی و ۸۰۰ عنوان فعالیت فرعی در پانزدهمین

دوره هفته کتاب در تمامی شهرستان ها با همکاری نهادهای مختلف انجام شد.»

علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب و مسئول برگزاری بیست و پنجمین دوره کتاب سال نیز در این مراسم گفت: «در ماه های پیش رو آیین نامه کتاب سال با حضور داوران و صاحب نظران مورد بازبینی قرار می گیرد.»

دکتر محمدرضا وصفی، مسئول برگزاری پانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال نیز در این مراسم با اشاره به برگزاری پانزده دوره این جایزه گفت: «در این پانزده دوره فقط در حوزه مطالعات ایرانی و اسلامی کتاب رصد می شد، اگر بتوانیم سرفصلی درباره کتاب ها در تمام حوزه ها باز کنیم در چشم انداز ایجاد شده، افق روشن تری نمود پیدا خواهد کرد.»

همچنین محمود سالاری، دبیر اجرایی دومین جشنواره شعر فجر با اشاره به جمع آوری آثار جوانان شاعر برای انتشار به مناسبت سی امین سال پیروزی انقلاب اظهار داشت: «آثاری از شاعران برجسته کشور در مرحله اصلاح است که به زودی منتشر می شود.»

در پایان این مراسم حاضران از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی لوح تقدیر دریافت کردند.

رئیس نمایشگاه بین المللی کتاب خبر داد

ساعات کتابخانه ملی

در سال جدید

ایام و ساعات فعالیت تالارهای مطالعه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۷ اعلام شد.

بر اساس این اطلاعیه تالارهای مطالعه کتابخانه ملی در ایام تعطیلات نوروز ۱۳۸۷ از روز سوم فروردین ماه تا پایان تعطیلات (۱۳ فروردین) از ساعت ۸ الی ۱۸ به خدمت رسانی پرداخته اند، همچنین در شش ماهه اول سال ۱۳۸۷ تالارهای مطالعه کتابخانه ملی از ساعت ۸ تا ۲۲ به ارائه خدمات مورد نیاز مراجعان خواهد پرداخت.

در شش ماهه دوم سال ۱۳۸۷ نیز تالارهای فوق الذکر از ساعت ۸ تا ۲۱ فعال خواهند بود.

در سال ۱۳۸۷ نیز تالارهای مطالعه کتابخانه ملی در کلیه روزهای سال (از جمله روزهای پنجشنبه و جمعه) به استثنای روزهای ۲۱ ماه مبارک رمضان (اول مهرماه ۱۳۸۷) و دهم ماه محرم (۱۸ دی ۱۳۸۷) آماده استفاده اعضا خواهد بود.

ساعات فعالیت کتابخانه ملی در ایام ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۷ نیز متعاقباً اعلام خواهد شد.

فراخوان سرای اهل قلم برای نمایشگاه بیست و یکم

سرای اهل قلم بیست و یکمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب در فراخوانی از همه پژوهشگران، صاحب نظران، مؤلفان، مترجمان، پدیدآورندگان، مؤسسات پژوهشی و ناشران دعوت کرد تا پایان فروردین ماه سال ۱۳۸۷ برنامه های خود را برای برگزاری نشست های این سرا اعلام کنند.

بر اساس این فراخوان علاقه مندان به برگزاری نشست های تخصصی، جلسات نقد و بررسی و رونمایی کتاب، کارگاه های آموزشی ویزرگداشت اهل قلم در روزهای برگزاری بیست و یکمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب می توانند شرح برنامه های خود را با اولویت انقلاب اسلامی و رودکی پژوهی و غزالی پژوهی از طریق نمابر به روابط عمومی سرای اهل قلم به شماره ۰۲۱-۶۶۴۰۵۲۵۶ ارسال کنند تا هماهنگی های لازم برای زمان بندی برنامه ها صورت گیرد.

همکاری گسترده تشکل های تخصصی نشر در نمایشگاه بیست و یکم

در عین حال برنامه ریزی برای مشارکت همکاری سازمان ها و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی برای برگزاری بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از نیمه دوم سال ۱۳۸۶ با برگزاری جلسات هماهنگی آغاز شده است.

بیش از ۱۵ نهاد و سازمان اعم از شرکت حمل و نقل شهری (مترو)، تاکسیرانی، اتوبوسرانی، آتش نشانی، اورژانس، شهرداری، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی، اداره کل بهداشت، اداره پست، شورای شهر، تعاونی ناشران، اتحادیه ناشران، پیک بادپا، ستاد مدیریت پیشگیری از بحران و ... در برگزاری نمایشگاه بیست و یکم مشارکت دارند.

بنابراین گزارش در جلسات هماهنگی که از نیمه دوم سال ۱۳۸۶ با حضور نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مسئولان اجرایی نمایشگاه و مصلی برگزار شده است، راهکارها، پیشنهادها و نحوه فعالیت تمامی نهادها و سازمان های مشارکت کننده مورد بررسی قرار گرفته است.

بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از ۱۲ تا ۲۲ اردیبهشت ماه سال جاری در مصلاهی امام خمینی (ره) برگزار می شود.



رونق اقتصاد نشر کشور خاطر نشان کرد: «حضور گسترده علاقه مندان به کتاب در نمایشگاه موجب پویا شدن چرخه نشر کشور می شود، بنابراین ناشران باید با ارائه کتاب های مناسب از این فرصت فرهنگی به منظور ارتباط با مخاطبان خود بهره لازم را ببرند.»

جلسات منظم و مداوم به بررسی نقاط قوت و ضعف نمایشگاه گذشته پرداخت و برنامه ریزی هایی را برای افزایش کیفیت برگزاری نمایشگاه بیست و یکم پیش بینی کرد، به طوری که در نمایشگاه بیست و یکم مراجعان به نمایشگاه با افزایش کیفیت در اطلاع رسانی و خدمات عمومی روبه رو خواهند بود.»

وی افزود: «همچنین باتوجه به تجربه موفق سال گذشته، امسال هم شاهد همکاری گسترده تشکل های تخصصی نشر در برگزاری نمایشگاه هستیم که در اصل، خود آنها صاحبان اصلی آن به شمار می روند. هم اینک ثبت نام از ناشران به صورت تخصصی و توسط تشکل های مربوطه صورت می پذیرد و حوزه اجرایی نمایشگاه هم بالغ بر چهار ماه است که از طریق رایزنی های مؤثر با نهادهای مختلف شهری درصددافزایش میزان خدمات رسانی به مردم است.»

وی همچنین اظهار امیدواری کرد امسال هم اصحاب رسانه در هرچه با شکوه تر برگزار شدن این جشن بزرگ فرهنگی همکاری کنند.

رئیس بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با اشاره به اهمیت برگزاری نمایشگاه در افزایش

رئیس بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از تمهیدات لازم برای برگزاری هرچه پربرتر این نمایشگاه در مصلاهی بزرگ امام خمینی (ره) خبر داد و گفت: «ارائه بن کتاب با تخفیف به نهادهای متقاضی و نصب کارتخوان در غرفه های نمایشگاه برای سهولت خرید کتاب با تخفیف از جمله تمهیدات پیش بینی شده است.»

دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در گفت و گو با ستاد خبری این نمایشگاه با بیان این مطلب گفت: «با توجه به همیاری و مشارکت بسیاری از نهادها و سازمان های دولتی و غیردولتی در برگزاری نمایشگاه کتاب سال گذشته - که الگوی خوبی برای نمایشگاه بیست و یکم است و همچنین تصمیمات مناسب اتخاذ شده برای رفع نقاط ضعف سال گذشته - امیدواریم نمایشگاهی در شأن مردم شریف کشورمان برگزار کنیم.»

وی افزود: «بلافاصله بعد از اتمام نمایشگاه بیستیم، با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اعضای شورای سیاست گذاری تعیین شدند و این شورا با تشکیل

اهدای بزرگ ترین قرآن طوماری به آستان قدس

بزرگ ترین قرآن طوماری جهان به طول ۱۴۵۰ متر که توسط یک شهروند تبریزی به رشته تحریر درآمده است به گنجینه مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا شد.

فاضل هاشمی، رئیس اداره مخطوطات این سازمان گفت: «این قرآن که به طول ۱۴۵۰ متر و عرض ۶ سانتی متر توسط اسماعیل حامد غازانی تهیه شده، از نظر طول در نوع خود بی نظیر است.» سیدمحمدرضافاضل هاشمی، خاطر نشان کرد: «برای تحریر این اثر از کاغذ سفید معمولی استفاده شده که در مجموع دارای ۱۸ کیلوگرم وزن است.» غازانی، هدف خود از خلق این اثر را نمایش عشق و ارادت مسلمانان به کلام الهی عنوان کرد و گفت: «با به تحریر درآوردن این قرآن که به مدت ۲۵۰۰ ساعت روی آن کار شده، می خواستم به جهانیان بفهمانم که قرآن در میان مسلمانان از عزت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.» گفتنی است کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به واسطه قداست معنوی و انتساب آن به بارگاه حضرت رضاع(ع) در طول تاریخ پذیرای آثار فرهنگی فراوانی بوده و هم اکنون دارای بیش از پانزده هزار نسخه قرآن، جزوه قرآنی و دست نوشته های قرآن خطی است.

تفسیر موضوعی قرآن در ۴۰ جلد



تفسیر موضوعی قرآن که تفسیری جامع براساس موضوعات مطرح شده در قرآن کریم است در چهل جلد منتشر می شود.

مجلدهای شانزدهم و هفدهم بزرگ ترین فرهنگ موضوعی و معنایی قرآن کریم با عنوان «فرهنگ قرآن کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم» از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن منتشر شد.

جلدهای شانزدهم و هفدهم فرهنگ قرآن کریم که از آثار برجسته و گرانسنگ مرکز فرهنگ و معارف قرآن است، مشتمل بر مدخل ها و موضوع های اصلی و فرعی بسیاری است و در مجلد شانزدهم این فرهنگ قرآنی بیش از هفتاد موضوع اصلی و صدها موضوع فرعی آمده است. ستاره، ستون، سجده، سحر، سخاوت، سختی، سخن، سخن چینی، سد ذوالقرنین، سدر، سلطه، شب، شجاعت، شجره ممنوعه، شرح صدر و شر، عنوان مهم ترین عناوین و مدخل های مجلد شانزدهم فرهنگ موضوعی قرآن است.

جلد شانزدهم «فرهنگ موضوعی قرآن کریم» در ۶۵۵ صفحه و قیمت ۹۰۰۰۰ ریال منتشر شده است. همچنین جلد هفدهم از این فرهنگ قرآنی شامل مدخل هایی با عناوین شرکت تاشنوی است و به صورت الفبایی و موضوعی تنظیم شده است. این جلد در بردارنده بیش از ده ها موضوع اصلی و فرعی و صدها موضوع و مدخل فرعی است. مهم ترین مدخل های این مجلد عبارتند از شعر، شعری، شعور، شعیب، شنا، شفاعت، شفق، شوق القمر، شقاوت، شک، شکر، شکست، شکم، شکنجه، شکوفه، شکوه، شناخت و شنوایی است. جلد هفدهم این اثر در ۵۱۹ صفحه و ۷۵۰۰۰ ریال از سوی انتشارات بوستان کتاب قم منتشر شده است.

نهمین همایش کتاب سال حوزه، برگزیدگان خود را شناخت

درخشش برگ های معرفت

در رشته کتاب شناسی و کلیات از هشت اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، یک اثر با عنوان «نظریه حق الطاعه» از رضا اسلامی، در رشته حدیث و ترجمه از پنج اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری یک اثر با عنوان «صحیحین کا ایک مطالعہ (به زبان اردو)» از محمد منیرخان لکھیم پوری، در رشته حدیث، تصحیح و تحقیق از ۲۶ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، یک اثر با عنوان «تمام نهج البلاغه» از سید محمدصادق موسوی فر و در رشته اقتصاد از دو اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، دو اثر با عنوان «نظریه پرداز اقتصاد اسلامی» از حسن آقانظری و «ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن» از سید محمد کاظم رجایی به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در رشته اخلاق و عرفان و رشته تکنولوژی آموزشی نیز هیات داوران هیچ یک از آثار رسیده را به عنوان اثر برگزیده نداشتند. لازم به ذکر است از میان ۱۱۷۵ اثر رسیده به دبیرخانه همایش کتاب سال حوزه ۱۱۴۳ اثر مربوط به آقایان و ۳۲ اثر مربوط به بانوان بوده است. در این همایش، پایان نامه سید عباس موسویان با عنوان «احکام فقهی اوراق بهادار»، پایان نامه هادی فنایی با عنوان «نیاز بشر به دین» و پایان نامه علی اصغر هادی نیا با عنوان «مبانی خداشناسی و انسان شناسی اقتصاد اسلامی» مورد تقدیر قرار گرفتند. از میان آثار رسیده به دبیرخانه همایش ۸۲۷ اثر فارسی، ۲۷۶ اثر عربی، ۱۰ اثر اردو، هفت اثر ترکی، سه اثر تاجیکی، یک اثر انگلیسی و یک اثر هم به زبان بنگالی نوشته شده است.



تحلیل تاریخی نشانه های ظهور از مصطفی صادقی و در رشته ادبیات و هنر از ۳۷ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، دو اثر شامل جلد اول و دوم «اصحاب امام علی(ع) از اصغر ناظم زاده و خدازیباست از احمد شهدادی (امید آرام)» به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

در رشته تاریخ و سیره از ۳۱ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری یک اثر با عنوان «شیخ فضل الله نوری و مکتب تاریخ نگاری شیعه از علی ابوالحسنی، در رشته دانش سیاسی از ۲۴ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری یک اثر با عنوان «ولایت فقیه در اندیشه فقیهان از دکتر یعقوب علی برجی و در رشته علوم تربیتی و اجتماعی از ۱۵ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری یک اثر با عنوان «درآمدی بر روانشناسی دین، علوم تربیتی و اجتماعی از مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی اصل» به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

نهمین همایش کتاب سال حوزه با حضور آیت الله العظمی مکارم شیرازی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و استادان حوزه علمیه قم برگزار شد.

در این مراسم در رشته قرآن و حدیث از ۲۲ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، سه اثر با عناوین «سبک شناسی دانش رجال الحدیث» از محمد حسن ربیانی، «اسباب اختلاف الحدیث» از محمد احسانی فرلنگرودی و «قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه» از محمد فاکر میبیدی و در رشته فقه و حقوق و اصول از ۳۱ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری، هشت اثر شامل «المکاسب المحرمه» از مرحوم آیت

الله العظمی فاضل لنکرانی، «فقه القسامه و موقفها فی حجج القضا» از آیت الله محمد علی رازی زاده، جلد ششم «موسوعه الفقه الاسلامی» از دایرة المعارف فقه اسلامی، جلد اول و دوم شرح المهدب قاضی ابن البراج از علی اکبر زمانی نژاد، «مبانی مسئولیت مدنی قراردادی» از سید حسن وحدتی شبیری، «موسوعه الفقهیه المسیره» از محمد علی انصاری، «تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا» از قدرت الله انصاری، محمد جواد انصاری، ابراهیم بهشتی و سید علی اکبر طباطبایی و «مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی» از جلال الدین قیاسی به عنوان آثار برگزیده معرفی شدند.

همچنین در رشته فلسفه و تاریخ و کلام از ۲۵۵ اثر راه یافته به مرحله نهایی داوری سه اثر با عناوین «بنیان مرصوص؛ فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک» از حسین مظفری، جلد اول «درآمدی به نظام حکمت صدرایی» از عبد الرسول عبودیت و

تا پایان سال ۸۸ کتاب های کتابخانه های عمومی تهران سه برابر می شود

کتابخانه عمومی در استان با شش میلیارد ریال هزینه، در اولویت برنامه میان مدت پیشنهادی از سوی اداره کل امور کتابخانه های عمومی استان تهران قرار دارد. «اداره کل امور کتابخانه ها با همکاری شهرداری ها، مجتمع های پرجمعیت استان را که بیش از صد واحد مسکونی دارند، صاحب کتابخانه کوچک می کند. همچنین در دو کتابخانه عمومی (یک باب در کرج و یک باب در شهر تهران) بخش ویژه نابینایان و در دو کتابخانه عمومی واقع در کرج و تهران بخش خاص ناشنوایان دایر می شود.» این مقام مسئول با بیان این مطلب که ۶۰ درصد تجهیزات کتابخانه های استان فرسوده است، گفت: «تامین تجهیزات کتابخانه های موجود به ۹ میلیارد و ۹۲۰ میلیون ریال اعتبار نیاز دارد. ضمن این که با تامین اعتبار هشت میلیارد و ۷۶۰ میلیون ریالی، منابع مورد نیاز برای ۱۲۴ کتابخانه استان فراهم می شود.» مبتکر تاکید کرد: «تا پایان برنامه چهارم توسعه باید ۲۰ درصد کتابخانه های استان صاحب بخش دیداری و شنیداری شوند. همچنین در این فاصله زمانی پیش بینی شده که تعداد رایانه ها با جذب سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال اعتبار، از ۳۳۰ به ۸۰۰ دستگاه افزایش یابد.» مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان تهران اضافه کرد: «تا پایان سال ۱۳۸۸، تعداد کتاب های موجود بارشده ۳۰۰ درصدی، از یک میلیون و ۱۰۰ هزار نسخه به چهار میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه می رسد. همچنین تعداد اعضای فعال کتابخانه ها با ۲۳۰ درصد رشد از ۱۵۰ هزار نفر به ۵۰۰ هزار نفر ارتقا خواهد یافت.»

۱۷۰ باب افزایش یابد.» وی با اشاره به برنامه میان مدت کتابخانه های عمومی استان تهران، خاطر نشان کرد: «احداث ۱۰۰ کتابخانه روستایی، ساخت کتابخانه مرکزی در شهرستان های کرج و شهریار (با اعتبار ۱۱ میلیارد ریال)، بازسازی کتابخانه های عمومی امام خمینی (ره) ری، آیت الله طالقانی و رسالت تهران، شهید باهنر شمیرانات و شهید مطهری اسلام شهر با اعتبار شش میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال و تعمیر بیست باب

به گفته مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان تهران تا پایان برنامه چهارم توسعه، زیربنای کتابخانه های استان تهران با ۶۴ درصد رشد، به ۱۱۸ هزار متر مربع می رسد. اسفندیار مبتکر سربانی در این باره می افزاید: «در حال حاضر ۱۲۴ کتابخانه عمومی استان تهران در مجموع ۷۲ هزار متر مربع زیربنا دارند. همچنین با برنامه ریزی صورت گرفته باید تعداد کتابخانه های عمومی استان با ۳۷ درصد رشد به

راه اندازی ۵۰ کتابخانه در روستاهای کردستان

با تامین ۱۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار، طرح های عمرانی و تجهیزاتی کتابخانه های استانی تا پایان سال ۱۳۸۸ به بار می نشیند. سیدحسن غیثیان، مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان کردستان با اعلام این خبر تاکید کرد: «احداث کتابخانه مرکزی کردستان در شهر سنندج که اصلی ترین طرح فرهنگی استان است حداقل به ۴۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.» وی افزود: «با توجه به این که برخی از شهرستان های پرجمعیت استان از جمله سقز و قروه فقط یک کتابخانه عمومی دارند، لازم است تا پایان سال ۱۳۸۸، برای احداث کتابخانه های مجهز در این دو شهر اقدام شود.» غیثیان با بیان این مطلب که هنوز شهرهای پرجمعیت شوشه در نزدیکی سنندج و زرینه در نزدیکی دیواندره کتابخانه ندارند، گفت: «ساخت کتابخانه شوشه، ۲۵۰ میلیون ریال و زرینه دیواندره ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار می خواهد.» این مقام مسئول اضافه کرد: «همچنین با جذب بیش از ۳۲۵ میلیون ریال اعتبار، اداره کل امور کتابخانه های کردستان در تخریب و بازسازی ساختمان قدیمی کتابخانه های شماره یک بانه، شماره یک بیجار، شماره یک کامیاران، شماره یک میروان، حسن آباد بیجار و بابارشانی بیجار اقدام می کند.» مدیرکل امور کتابخانه های عمومی کردستان، ادامه داد: «این اداره کل برای راه اندازی ۵۰ کتابخانه در روستاهای بالای ۱۵۰ خانوار به ۲۰۰ میلیون اعتبار نیاز دارد، همچنین برای استفاده ساکنان مناطق دورافتاده در استان، ۱۰ کتابخانه سیار در استان راه اندازی می شود.» به گفته غیثیان، تا پایان برنامه چهارم توسعه، در صورت تامین دو هزار میلیون ریال اعتبار، کتابخانه دیجیتال استان نیز راه اندازی می شود.

راه اندازی بخش ایران در کتابخانه های ملی جهان

دویست عنوان کتاب از سوی سفارت اوکراین به کتابخانه ملی ایران اهدا شد.

در مراسم اهدای مجموعه ای از کتاب های اوکراینی به کتابخانه ملی علی اکبر اشعری، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی با اشاره به تلاش کتابخانه ملی برای برقراری ارتباط با کتابخانه ملی سایر کشورها، گفت: «این ارتباط ثمرات زیادی برای طرفین دربر خواهد داشت که دسترسی به دانش دو کشور یکی از محرزترین این فواید است.»

اشعری همچنین از ایجاد اتاق فرهنگی ایران در کتابخانه ملی اوکراین خبر داد و گفت: «این اتاق با هدف اغنای علاقه مندان به فرهنگ و تاریخ ایران در کتابخانه ملی اوکراین راه اندازی شده است.»

وی همچنین به راه اندازی اتاق قزاقستان در کتابخانه ملی ایران اشاره کرد و گفت: «سال آینده فضای مجزایی در کتابخانه ملی برای راه اندازی اتاق های فرهنگی اختصاص می یابد.»

وی آغاز فعالیت های اینجینی را مبارک دانست و افزود: «هر قدر روابطمان با کشورهای دیگر افزایش دهد امکان جهانی شدن در سطح ملی فراهم می شود.» در ادامه این مراسم الکساندر لیساک، رایزن فرهنگی سفارت اوکراین اهدای مجموعه ای از کتاب های اوکراینی به کتابخانه ملی را مقدمه ای برای روابط بیشتر دانست و افزود: «در حال حاضر نیز ایران و اوکراین روابط علمی و فرهنگی محکمی با هم دارند.»

لیساک با اشاره به تعداد زیاد دانشجویان ایرانی در اوکراین گفت: «این افراد پل ارتباطی فرهنگی ایران و اوکراین هستند.»

معرفی کتابخانه های آفریقایی در کتابخانه ملی

در عین حال نشست معرفی مرکز کتابخانه و آرشیو اتحادیه کشورهای آفریقا با حضور مسئولان این



اتحادیه و مسئولان و کارشناسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در مرکز همایش های کتابخانه ملی برگزار شد.

در این نشست هاسیکا فریو رئیس مرکز کتابخانه و آرشیو اتحادیه کشورهای آفریقا توضیحاتی درباره ویژگی های جمعیتی و جغرافیایی قاره آفریقا و چگونگی تشکیل اتحادیه آن ارائه داد و افزود: «این اتحادیه به منظور اشتراک منابع کشورهای این قاره برای پیشرفت تشکیل شده است.»

فریو از کتابخانه و آرشیو این اتحادیه به عنوان مرکزی برای پاسخگویی به نیازهای علمی کارشناسان و پژوهشگران در مورد آفریقا نام برد و افزود: «هدف ما از آمدن به ایران، آشنایی با روش های مدیریت

مشترک کتابخانه و آرشیو در یک مرکز است.» مسئولان مرکز کتابخانه و آرشیو اتحادیه کشورهای آفریقا به غیر از ایران به کانادا و انگلستان نیز سفر کرده اند.

همچنین چدزا مولف کارشناس کتابداری آفریقایی در این مراسم دیجیتال کردن منابع اسنادی این اتحادیه را برای استفاده آسان تر محققان یکی از مهم ترین اهداف این سفر دانست و خواستار استفاده از تجارب کارشناسان کشورمان در این زمینه شد.

در پایان این نشست نیز که با حضور مسئولان و کارشناسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار شد، رئیس و کارشناس آرشیو مرکز کتابخانه و آرشیو اتحادیه آفریقا به سوالات حاضران پاسخ گفتند.

چهار نمایشگاه کتاب در ساحل زاینده رود



چهار نمایشگاه کتاب از بیستم اسفندماه سال گذشته تا بیستم فروردین ماه جاری از سوی شرکت تعاونی ناشران اصفهان در مناطق مختلف این شهر برپا شده است. مجتبی فیاض، مدیر مرکز تخصصی نشر و پخش کتاب ناشران اصفهان با اعلام این خبر گفت: «در این نمایشگاه ها بیش از ۸ هزار عنوان کتاب با موضوعات ادبیات، دین، فلسفه، کلیات، کودک و نوجوان، هنر، تاریخ و جغرافیا، علوم عملی و علوم اجتماعی عرضه شده است.»

فیاض افزود: «کتاب های این نمایشگاه ها با تخفیف ۱۰ درصدی به فروش می رسند و تاکنون روزانه بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون ریال کتاب فروخته شده است.»

مدیر مرکز تخصصی نشر و پخش کتاب ناشران اصفهان با اشاره به اینکه در شرکت تعاونی ناشران اصفهان حدود ۸ هزار عنوان کتاب موجود است، تصریح کرد: «ارزش ریالی این کتاب حدود ۸۰۰ میلیون ریال است که تمامی کتاب ها در این نمایشگاه ها توزیع شده است.»

وی اظهار داشت: «تاکنون استقبال از این نمایشگاه ها بسیار چشمگیر بوده و نشان از آن دارد که در صورت دسترسی آسان مردم به کتاب و محصولات فرهنگی، ایرانیان بسیار کتاب دوست و کتاب خوان هستند.» به گفته فیاض این نمایشگاه ها در میدان نقش جهان، هنرستان هنرهای زیبا، مجتمع فرهنگی فرشچیان و کتابخانه ابن مسکویه برپا شده اند و در هر مکان حدود دو تا سه هزار کتاب به نمایش گذاشته شده است.

توزیع ۷۰ هزار جلد کتاب رایگان در ایلام

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام از توزیع بیش از ۷۰ هزار جلد کتاب رایگان در طول سال گذشته در این استان خبر داد. حجت الاسلام حسین ملکی افزود: «این کتاب ها با موضوع های مختلف فرهنگی، اجتماعی، تربیتی، ادبیات، تاریخ، آموزشی، کودک و نوجوان و داستانی هستند.»

وی گفت: «این تعداد کتاب بین مساجد، مدارس، مراکز عام المنفعه، کتابخانه های عمومی و روستاهای سطح استان توزیع شده است.» وی هدف از توزیع این کتاب ها را ارتقاء فرهنگ مطالعه مردم و کمک به ترویج فرهنگ کتابخوانی در استان عنوان کرد.

مدیراداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام ابراز امیدواری کرد در سال جاری تعداد کتاب های رایگان توزیع شده در استان افزایش یابد.

شش کتاب داستانی

در مرحله دوم کتاب فصل

شش کتاب داستانی به مرحله نهایی داوری چهارمین دوره فصل راه یافتند.

«نزدیکتر از ماه شب چهارده» و «گرمی نور در سایه های کیود» نوشته حسین چقوش، «بطالت» نوشته احسان نوروزی، «ستاره هایی که خیلی دور نیستند» نوشته سید علی شجاعی، «قاعده بازی» نوشته فیروز زنوزی جلالی و «آوازه های ممنوع» نوشته قاسمعلی فراست عناوین کتاب هایی است که امتیاز لازم را برای ورود به مرحله دوم داوری به دست آوردند.

این کتاب ها به ترتیب از سوی انتشارات مینا، چشمه، نیستان، علمی و قدیانی به بازار نشر عرضه شده اند.

چهارمین دوره جایزه کتاب فصل، اردیبهشت ماه امسال همزمان با بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران برگزار می شود.

۳ هزار عضو فعال

در کتابخانه های بروجرد

دبیر انجمن کتابخانه های عمومی شهرستان بروجرد گفت: «سال گذشته ۸۰ هزار و ۵۷۰ جلد کتاب در این شهرستان امانت داده شده است.»

فرزاد درخشان یگانه افزود: «این کتاب ها که در زمینه های مختلف از جمله تاریخی، مذهبی، داستان، آموزشی و کتب کودکان هستند از طریق چهار کتابخانه عمومی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.»

وی اظهار داشت: «همچنین در همین مدت ۲۵۰ هزار و ۹۹۱ نفر برای استفاده از سالن های مطالعه، عضویت و امانت کتاب به این کتابخانه ها مراجعه کرده اند.»

وی تعداد اعضای فعال کتابخانه های عمومی شهرستان بروجرد را حدود سه هزار نفر عنوان کرد و گفت: «سال گذشته دو هزار و ۵۳۲ نفر از شهروندان بروجردی عضو کتابخانه های عمومی این شهرستان شده اند.»

به گزارش ایرنا هم اکنون چهار کتابخانه عمومی آیت الله بروجردی (ره)، علامه بحر العلوم، شهید باهنر و شهید محمود صرمی با موجودی ۶۱ هزار و ۶۴۶ جلد کتاب در شهرستان بروجرد فعالیت می کنند.

آغاز ساخت ۱۰ کتابخانه

در فارس

با اهدای ۱۰ هزار متر مربع زمین، ساخت ۱۰ کتابخانه جدید در شهر هاوروستاهای فاقد کتابخانه فارس در دستور کار قرار گرفت.

مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان فارس با اعلام این خبر اظهار داشت: «سرانه فضای کتابخانه ای در سال ۸۶ در این استان نسبت به سال ۱۳۸۵ تغییری نداشته است.»

صغری بابایی، همچنین خاطر نشان کرد: «از آنجا که نحوه توزیع و ارسال منابع مکتوب از نظر تعداد و محتوا با نیاز واقعی مراجعان مطابقت نداشت، همچنین به دلیل تعطیلی ناخواسته (۲۰ تا ۳۰ روز) در چندین کتابخانه استان، تعداد اعضای فعال، کتاب های به امانت گرفته شده و نیز مراجعان کتابخانه های استان فارس در سال ۸۶ فقط ۱۰ درصد افزایش یافت.»

به گفته بابایی، از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان بهمن ماه، از میان ۷۰ شهر استان و ۶۲ شهرداری در مجموع مبلغ دو میلیارد و ۸۳ میلیون و ۷۷۳ هزار و ۸۲۲ ریال بابت بدهی نیم درصد درآمد خود به حساب انجمن کتابخانه های عمومی واریز کرده اند.»

«کتاب قطار» از سمنان

حرکت کرد

طرح «ترویج فرهنگ کتابخوانی در قطار» با همکاری ستاد اقامه نماز استان سمنان، اداره کل راه آهن شمال شرق و اداره کل امور بانوان و استانداری سمنان اجرایی شده است.

استاندار سمنان در این باره گفت: «یکی از موارد توسعه فرهنگ و سطح آگاهی مردم در جامعه، ترویج فرهنگ کتابخوانی است.»

علی عبداللهی علی آبادی با اشاره به اینکه برای مقابله با خرده فرهنگ های نامناسب در جامعه و توسعه فرهنگ اصیل دینی و ملی، ارائه طرح عملی و جدی در این باره لازم است، از دست اندرکاران امور فرهنگی خواست تا طرح های خود را ارائه دهند.

وی اظهار امیدواری کرد: «اجرای این طرح قدمی برای توسعه کارهای ابتکاری در توسعه فرهنگ جامعه ایفا کند.»

منصور عرب یارمحمدی، مدیرکل راه آهن شمال شرق کشور نیز با اشاره به اینکه طرح ترویج فرهنگ کتابخوانی در قطار برای نخستین بار در کشور اجرا می شود، گفت: «این طرح در حال حاضر در قطار محلی سمنان به مشهد به مرحله اجرایی آید و در آینده ای نزدیک به همه مسیرهای قطار گسترش خواهد یافت.»

محسن فاطمی نیا، مسئول ستاد اقامه نماز سمنان با اشاره به وجود بستر فرهنگی مناسب و کتاب های اسلامی و روایت های ناب و باارزش، این طرح را برای عمومیت بخشیدن به این موضوع ها مهم دانست و افزود: «در این طرح به سه مقطع کودکان، جوانان و دیگر اقشار مردم کتاب ارائه خواهد شد.»



بایسته های ادبیات داستانی انقلاب

به سوی رمان نو

آنچه ما در طول سالیان گذشته به عنوان رمان - چه در عرصه رمان انقلاب و چه در عرصه ادبیات دفاع مقدس - شناخته ایم، ظرفیت آن را ندارد که به طور کامل این وقایع بزرگ را به نمایش بگذارد. از همین روست که باید دست به نوعی تغییر در نوع و ساختار رمان بدهیم و معتقدم این نوع رمان ظرفیت های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را بازتاب می دهد، اما از سویی دیگر بر این باورم که برای نمایش بهتر و منسجم تر ادبیات انقلاب اسلامی، رجوع به ادبیات کلاسیک و کهن فارسی می تواند بسیار رهگشا باشد. اما وقتی ما می توانیم با استفاده از این گنجینه ادبی از همان چیزی که آن را با عنوان رمان - خاطره می شناسیم، بهره بگیریم دلیلی ندارد که خود را محدود به رمان به سبک غربی کنیم.

از دیگر سو، ادبیات داستانی کشورهایی که انقلاب مردمی را تجربه کرده اند نیز می تواند دستاوردهایی را برای ما داشته باشد. هرچند که نیازی به این تجربه ها نداریم. چراکه روایت انقلاب ما با بهره گیری از سنت کهن داستان نویسی در ایران می تواند الگوی مناسبی برای دیگر کشورها باشد. ما آثاری همچون شاهنامه را داریم که حدود هزار سال از خلقشان می گذرد. این اثر یکی از بزرگ ترین آثار ادبیات داستانی ماست، هرچند به زبان و لحن منظوم نوشته شده است. لایه های داستانی، شخصیت پردازی و فراز و فرود داستانی در آن به خوبی رعایت شده و از این حیث نمونه خوبی است تا ما جایگاه ادبیات داستانی خود را از رمان غربی به رمانی به سبک و سیاق ایرانی نزدیک کنیم. از این گذشته نمونه های فراوانی از ادبیات شفاهی وجود دارند که با ساختار رمان - خاطره می توانند ظرفیت های ادبیات داستانی را پیش روی ما بگشایند. این حکایات ها که اغلب نیز ریشه در واقعیت دارند، به زبان داستانی بسیاری از مسائل تاریخی را بیان کرده اند و از این رو، بهره گیری از شیوه آنها می تواند راهی باشد برای رسیدن به واقعیت های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

رمانی که می خواهد مهر و امضای انقلاب اسلامی را بر خود داشته باشد، علاوه بر داشتن محتوای انقلابی و همه آن چیزهایی که آرمان های مقدس ما در این انقلاب بوده اند، باید این نگاه ساختارگرایانه را نیز مد نظر داشته باشد و طبعاً رمانی که وقایع و حقیقت های انقلاب ما را تحریف کند، در این مقال نمی گنجد. به گمان من داستان انقلاب علاوه بر جذابیت های دراماتیک باید دارای اندیشه های بنیادین باشد. یعنی نویسنده علاوه بر آن که بیان اندیشه و آرمان های انقلاب را در نظر دارد، باید به خواننده نیز توجه داشته باشد و او را در داستان با خود همراه کند. من چندان خود را پایبند قواعد داستانی مندرج در کتاب ها نمی بینم. به نظر من داستان نویس هرچند می تواند از این قواعد بهره بگیرد، اما ملزم نیست که خود را به آنها محدود کند. به این شیوه است که ما می توانیم با بهره گیری از آرمان ها و اندیشه های انقلاب اسلامی داستانی در خور این واقعه مهم تاریخ معاصر خلق کنیم. اگر نویسنده ای واقعیت انقلاب اسلامی را در قالب رمانی جذاب و پرکشش قرار بدهد، به طور حتم مورد توجه مخاطبان نیز قرار خواهد گرفت. من این اثر را یک رمان می دانم. چنین اثری ممکن است با شاخصه های تئوری رمان غربی - که می خواهند با زور آن را به ادبیات ما تزریق کنند - همخوان نیست، اما می تواند مخاطبان بسیاری داشته باشد، چراکه علاوه بر داشتن محتوایی غنی، از ساختاری ایرانی و ملی نیز برخوردار است.



کارشناسان از چشم انداز ادبیات داستانی در سال نوآوری و شکوفایی می گویند

شکوفایی داستان انقلاب

باشد که در این سال روی می دهد. سرشار در پایان تشکیل کمیته جشن های سی امین سال پیروزی انقلاب اسلامی در وزارت ارشاد و نقش موثر معاونت فرهنگی را در این زمینه نیز گامی ارزنده در این مسیر ارزیابی می کند و آن را یکی از برنامه های موفق در سال آینده پیش بینی می کند.

فیروز نوزی جلالی، پژوهشگر و منتقد نیز معتقد است که داستان هایی که تاکنون نوشته شده اند، با وجود آن که دارای ارزش های بالایی در عرصه ادبیات داستانی بوده اند اما هنوز در حد و اندازه های این انقلاب نیستند. وی با اظهار امیدواری که در سال نوآوری و شکوفایی، به این حد و اندازه ها نزدیک شویم، می افزاید: «ما تاکنون آنچه را که نوشته ایم، سایه کم رنگی از عظمت و شکوهمندی انقلاب است. یعنی روشنائی و درخشانی رخدادهای بزرگ انقلاب اسلامی را هنوز نتوانسته ایم به خوبی نشان دهیم.» وی یکی از دلایل این موضوع را نزدیکی انقلاب اسلامی به جنگ تحمیلی عنوان می کند و می گوید: «اما موضوع انقلاب هیچ وقت غبار کهنگی به خود نمی گیرد. در دنیا نیز مسائلی از این دست وجود دارد. ما نباید تصور کنیم که پس از سه دهه انقلاب اسلامی را می توان به فراموشی سپرد. اما مسئله این است که چه نویسنده ای و با چه بضاعتی آستین همت را بالا بزند. قلم هایی که تاکنون برای انقلاب اسلامی زده شده اند، نشان می دهند که می توان این شاخص ادبی را گسترش داد. البته باید کمی قلم را پخته تر به کار انداخت.»

نویسنده رمان «مخلوق» با اظهار این که ادبیات داستانی در مسیری رو به جلو حرکت می کند، می افزاید: «ادبیات دنیا را نمی توان به شکل از هم گسیخته و جدا مورد بررسی قرار داد. از این رو ادبیات جهان نیز می تواند در ادبیات ما تاثیر گذار باشد.»

وی از سویی ادبیات کلاسیک را زمینه ساز و بستر ساز مناسبی برای ساختار ادبیات انقلاب اسلامی عنوان و خاطر نشان می کند: «ادبیات کلاسیک و کهن ما می تواند به عنوان زیرساخت مورد استفاده داستان نویسان معاصر قرار گیرد.»

حسین فتحی، نویسنده و منتقد نیز به سال نوآوری و شکوفایی به عنوان بستر مناسبی برای بهبود وضعیت ادبیات اشاره می کند. او معتقد است که ادبیات انقلاب اسلامی، متاثر از فضایی است که آرمان های مقدس پدید آورنده آن ایجاد کرده اند. وی بر این باور است که ادبیات انقلاب اسلامی، تاکنون کمتر به فرم و ساختار داستان نویسی توجه داشته است و از سویی با بهره گیری از فرم های ادبیات کلاسیک و کهن، می توان به دستاوردهای تازه ای در این زمینه رسید. وی می افزاید: «هرگز نمی توان به این اعتبار که سه دهه از انقلاب اسلامی گذشته است، آن را مسئله ای مربوط به گذشته عنوان کرد؛ چراکه آرمان های این انقلاب هرگز رنگ کهنگی به خود نمی گیرند.»

در کنار نویسندگانی که آرای آنها در گزارش بالا ذکر شد، نویسندگان و منتقدان فراوانی در طول چند روز گذشته از سال جدید، به اظهار نظر در این مورد پرداختند. ماحصل کلام آنها را می توان به توجه ویژه به ادبیات به عنوان محور فرهنگی کشور دانست و همچنین توجه ویژه نویسندگان به نوآوری بیشتر قلمداد کرد؛ مسئله ای که همواره به عنوان نکته ای عمده به عنوان چشم انداز دهه چهارم انقلاب اسلامی مورد نظر است.



حضور خود را در نوآوری و ابتکار می بیند. این نویسنده که سابقه قصه گوئی در برنامه مشهور قصه ظهر جمعه رادیو را نیز در کارنامه اش دارد، سپس با اشاره به جمله «آفت هنر، تکرار و تقلید است»، می افزاید: «اگر اثری فاقد ابتکار و نوآوری باشد، دیگر نمی توان آن را یک اثر هنری نامید.» وی سپس با اشاره به فرمایش های مقام معظم رهبری، بر نوآوری بیشتر در سال و دهه پیش رو تاکید و خاطر نشان می کند: «کسانی که ادبیات را با این منظر نگاه می کرده اند، به این سخنان التفات بیشتری خواهند داشت و به طور حتم به آن رویکردی ویژه خواهند داشت.»

سرشار سپس به مقاله ای که چندین پیش از او در نشریه کتاب هفته منتشر شد اشاره می کند و می گوید: «در این مقاله و چند یادداشت دیگری که در برخی از نشریات از جمله «ادبیات داستانی» منتشر کردم، ویژگی های ادبیات انقلاب اسلامی را برشمردم و تکرار آنها را در این زمان ضروری نمی بینم.» وی می افزاید: «کارهای زیادی را می توان در سال جاری و دهه چهارم انقلاب اسلامی انجام داد که پیش پا افتاده ترین آنها می تواند جمع آوری داستان های موفق حوزه انقلاب اسلامی در سه دهه پیش باشد.» این نویسنده و پژوهشگر هنر و ادبیات، پیش از این و در شش مجلد داستان های انقلاب اسلامی در حوزه کودکان و نوجوانان را جمع آوری کرده است. تجدید چاپ این مجموعه و افزودن آثاری به آن، از جمله مسائلی است که می تواند در سال جدید انجام شود: «البته باید این کار با تحقیق و پژوهش انجام شود و در کنار دیگر کارهای بزرگی

هرگز نمی توان به این

اعتبار که سه دهه از انقلاب

اسلامی گذشته است، آن را

مسئله ای مربوط به گذشته

عنوان کرد؛ چراکه آرمان های

این انقلاب هرگز رنگ کهنگی

به خود نمی گیرند

انقلابی که پیروزی و تداوم خود را همواره در پیروی از اندیشه های برتر و نوگرا جست و جو کرده است، به طور حتم در چهارمین دهه پیروزی خود، دستاوردهای تازه ای از نوگرایی و شکوفایی را سرلوحه کار خویش قرار خواهد داد. تقارن این سال به عنوان سرآغاز چهارمین دهه پیروزی انقلاب و سخنان رهبر معظم انقلاب که سال ۸۷ را سال نوآوری و شکوفایی نامیدند، دلیلی است بر توجه بیشتر به کتاب و کتابخوانی که می تواند سرچشمه شکوفایی و نوآوری باشد. حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بارها در فرمایشات خود به اهمیت ادبیات اشاره کرده اند و بهبود وضعیت آن را در کنار دیگر دستاوردهای معرفتی خواستار شده اند. ایشان به تاکید گفته اند که هرگز نقش ادبیات را نباید نادیده گرفت، چراکه توجه صرف به مسائل فنی، برای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی، کفایت نخواهد کرد.

نگاهی به دستاوردهای ادبیات، به ویژه فعالیت هایی که در حوزه ادبیات داستانی صورت گرفته به خوبی نشان می دهد که در سه دهه گذشته پیشرفت های قابل توجهی در این حوزه صورت گرفته است، آنچنان که جهان نتوانسته دیده بر آن برزند.

ترجمه چند اثر به زبان های پر مخاطب دنیا از جمله انگلیسی، آلمانی و فرانسه، برتری نویسندگان ایرانی در جشنواره های ادبی جهان و مسائلی از این دست به خوبی حکایت از این برتری دارند و طرفه آن که بیشتر این آثار درباره پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده اند. با این همه، ادبیاتی که ما تحت عنوان ادبیات انقلاب اسلامی می شناسیم، برای رسیدن به قله های رفیع، افق های گسترده ای را پیش روی خود می بیند و پیشرفت های حاصله هنوز در حد نام بزرگ انقلاب مردمی و اسلامی ایران نیستند.

محمدرضا سرشار که بسیاری او را با نام مستعار داستانی اش، رضا رهگذر می شناسند، یکی از داستان نویس های موفق سال های پس از انقلاب بوده است. این داستان نویس و پژوهشگر با آثار خود توانسته است مخاطبان فراوانی در میان نخبگان و عامه مردم پیدا کند. وی نوآوری و رسیدن به ابتکارات را یکی از مسائل اصلی ادبیات و هنر معرفی می کند و می گوید: «هنر و به ویژه ادبیات همواره زندگی و



شعر انقلاب در جست و جوی تعریفی کامل

سهم شعر از نوآوری

با نام گذاری سال ۸۷ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، کارشناسان به تبیین نقش «نوآوری و شکوفایی» در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند. شاعران و منتقدان نیز در این میان در گفت و گو با کتاب هفته به نقش نوآوری در شکوفایی شعر انقلاب اشاره کرده‌اند.

عباسعلی براتی پور با تاکید بر این که در دهه‌های آغازین انقلاب، شعر متعهد اصولاً حول و حوش مسائل مبتلا به جامعه شکل می گرفت، گفت: «نکته دیگری که نباید فراموش کرد این است که از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه درکی جدید از نهضت عاشورا شکل گرفته بود، در زمینه شعر عاشورایی نیز ما شاهد تحولی چشمگیر بودیم.»

وی ادامه داد: «در دهه‌های دوم و سوم انقلاب هم تقریباً همین روند ادامه یافت، با این تفاوت که جنگ و مسائل مربوط به آن، دیگر نقشی را که در دهه نخست داشت، در شعر ما ایفا نمی کرد. از نظر دور نکنیم که در همین دودمه، مضامین دیگری چون امام خمینی (ره) نیز به محورهای اصلی شعر انقلاب افزوده شدند.»

براتی پور یادآور شد: «امروز ترانه‌ها تغییر کرده و وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلویزیون و روزنامه‌ها در تغییر الگوی پسند مخاطبان نقش عمده داشته‌اند. در حالی که این نقش الگوسازی، نقشی است که باید پیش از همه بر عهده شاعر و نویسنده باشد.»

این شاعر یکی از مسائل مبتلا به جامعه ادبی امروز را گرایش برخی شاعران جوان به مضامین شعرهای پیش از انقلاب دانست و خاطر نشان کرد: «در بین این جوانان، افرادی به چشم می خورند که گرایش‌های مذهبی نیرومندی هم دارند. علاقه مندی این جوانان به جریان‌های ناسالم شعر پیش از انقلاب، مسئله‌ای است که باید مورد توجه و آسیب شناسی عمیق قرار گیرد.»

وی با بیان این که هدایت جامعه امری است که در وهله نخست بر عهده شاعران و نویسندگان است، اضافه کرد: «شاعران و نویسندگان متعهد باید با تولیدات ارزشمند خود، اجازه کم رنگ شدن ارزش‌ها را به جامعه ندهند که در این صورت، گرفتار فاجعه‌ای بزرگ خواهیم شد.»

براتی پور شاعران بزرگ تاریخ زبان فارسی را شاعرانی دانست که به بیان و پررنگ کردن ارزش‌های اسلامی می پرداختند. او با مثال زدن سنایی، مولانا، سعدی و حافظ ادامه داد: «با توجه به آن چه در این سه دهه گذشته، می توان چشم انداز خوبی برای شعر انقلاب در دهه چهارم پیش بینی کرد. به شرط آن که به تفاوت دیدگاه‌ها، تغییر برخی نگرش‌ها و در عین حال، به اصیل بودن ارزش‌های انقلاب توجه داشته باشیم.»

این شاعر در بخش دیگر این گفت و گو، با تاکید بر تغییر فضای شعر کشور از فردی به جمعی در نتیجه انقلاب اسلامی، یادآور شد: «پیش از انقلاب، شاعران عموماً در پی بیان دلمشغولی‌ها و دل‌تنگی‌های خود در قالب شعر بودند. آنها بیشتر در جلسات و محفل‌های محدود به بیان چنین مسائلی مشغول بودند و کمتر به جامعه می پرداختند. البته شاید هم سوژه پیدانمی کردند. ترانه‌های آن زمان نیز بیشتر زبان حال خود شاعر بود.»

وی افزود: «پس از انقلاب تحول مهمی ایجاد شد. مسئله شهادت و پایداری مسائل کمی نبود. در این زمان شعر یا از زبان رزمنده، آزاده، جانباز و شهید گفته می شد و یا خطاب به آنان. شاعر و رزمنده و جانباز و

شهید نیز همه از میان خود مردم برخاسته بودند. در این شرایط، مشخص بود که شعر، خصوصیتی بسیار مردمی تر و جمعی تر پیدا می کرد.»

براتی پور با اشاره به این که با گذشت سه دهه از انقلاب، امروز می توان به تعریف مشخصی از شعر انقلاب دست یافت، گفت: «از راه نگاه به دایره واژگان و گستره مضامین شعر انقلاب طی سه دهه گذشته و ورود مضامینی چون شهادت، ایثار و پایداری به شعر انقلاب و با توجه به اهمیتی که حماسه عاشورا در روند شکل گیری انقلاب و شعر انقلاب دارد، می توان شعر انقلاب را شعری خواند که مهم ترین ویژگی‌های آن، حرکت بر محورهایی چون پایداری، ایثار، شهادت و مبارزه با استکبار است.»

وی به نام گذاری سال جاری به نام سال نوآوری و شکوفایی از سوی مقام معظم رهبری اشاره کرد و افزود: «اتفاقاً نوآوری، یک واژه ادبیاتی و از حوزه واژگانی ادبیات است که از جانب مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته است. امیدوارم این واژه و قلمرو معنایی آن، از حوزه ادبیات به جامعه و حوزه‌های دیگر نیز رسوخ یابد.»

براتی پور در پایان یادآور شد: «نوآوری در اصل به معنای تکرار نشدن مضامین گذشته است. حرف جدید و نوزدن -چه در قلمرو هنر و فرهنگ و چه در صنعت- تکلیف سخنی است که البته قابل اجراست.»

مصطفی محدثی خراسانی نیز نخست با بیان این که در بخش‌هایی از جریان انقلاب، کماکان نیازمند همان شور و هیجان روزهای آغازین انقلاب هستیم، گفت: «برای مثال، در بخش‌هایی چون سیاست خارجی و برخورد انقلاب با استکبار جهانی، هنوز نیازمند همان رجزخوانی‌ها و شور و هیجان‌ها هستیم.»

وی ادامه داد: «اولی در حوزه‌ای چون مسائل داخلی کشور، همان طور که رزمندگان ما امروز سنگرهای خود را عوض کرده‌اند، شعر و شاعران انقلاب نیز سنگرها را تغییر داده‌اند. البته این تغییر سنگر، ابتدا به معنی تغییر مواضع نیست. شعر انقلاب، همچنان در پی ترویج ارزش‌های روزهای آغاز انقلاب است. ولی لزومی ندارد که همان شور و هیجان و بیان حماسی ادامه پیدا کند.»

محدثی خراسانی افزود: «امروز ممکن است با شعری ظاهراً عاشقانه یا عارفانه روبه‌رو باشیم، ولی باطن آن شعر، همچنان همان ارزش‌های مورد قبول همه ما باشد.»

وی با اشاره به این که امروز و در آستانه دهه چهارم انقلاب، می توان به تعریف مشخصی از شعر انقلاب رسید، خاطر نشان کرد: «شعری که مروج و مدافع ارزش‌های آغاز انقلاب باشد، شعر انقلاب است. حال ممکن است وجه غالب چنین شعری، وجه عارفانه، عاشقانه یا حماسی باشد.»

محدثی با مثال زدن یک رباعی از خود یادآور شد: «برای مثال در این رباعی: من با تو به شعر ناب تبدیل شدم/ ابری شدم و به آب تبدیل شدم/ مهر تو به آسمان کشیدم از خاک/ تا این که به آفتاب تبدیل شدم، ظاهر شعر عاشقانه است، ولی ریشه عشقی که در آن است و آینه‌خورهای آن عشق، همان فرهنگ شهادت و ایثار و نگاه عرفانی و عاشقانه به انقلاب است.»

وی با تاکید بر این که مضامین عرفانی چون شهادت و وحدت به بهترین شکل در شعر انقلاب متبلور شده‌اند، اضافه کرد: «همه مضامین ارزشمند تاریخ شعر فارسی در شعر انقلاب با نگاه و خونی تازه تبلور یافته‌اند. در گذشته شعر عرفانی یا اجتماعی داشتیم، ولی



شعر حماسی با نگاه عرفانی و اجتماعی برای نخستین بار در شعر انقلاب متبلور شد. بهترین نمونه‌های چنین شعرهایی نیز، شعرهای شکوهمند دوران دفاع مقدس بود. تمام نقطه‌های اوج پیشینه شعر فارسی را می توان به شکلی تازه و نو و تکامل یافته در شعر انقلاب مشاهده کرد.»

سردبیر نشریه شعر نامگذاری سال جاری را از سوی مقام معظم رهبری به نام سال نوآوری و شکوفایی به فال نیک گرفت و یادآور شد: «به گمان من، بهترین نوآوری در شعر کشور این است که در این سال از تظاهر به نوآوری دست برداریم. به ویژه نوآوری‌های ظاهری که در دهه ۷۰ مد شده بود و استعداد‌های بسیاری از جوانان ما را نابود کرد.»

وی ادامه داد: «تصور می کنم با افزایش حضور نخبگان شعر و مشخص کردن جریان‌های اصیل شعر برای جوانان، می توان به راه رستگاری - که همان دست برداشتن از نوآوری‌های ظاهری است - دست یافت. راه رستگاری این است که با پرہیز از مدهای شعری، به حرکت در مدار تعادل که مدار مقدر شعر فارسی است، برسیم. اگر به نوآوری‌های ظاهری سال‌های اخیر توجه کنیم، درخواستیم یافت که پرہیز از آنها، خود نوآوری بزرگی محسوب می شود.»

وی با تایید این که شعر پیش از انقلاب شعری فردگرا بود، خاطر نشان کرد: «این شعر، اگر هم به گونه شعر اجتماعی عرضه می شد، تنها ژست و تقلیدی از شعر اجتماعی بود. شعر اجتماعی آن زمان نیز، بیشتر شعری حزبی بود، نه مردمی. ولی شعر پس از انقلاب ارتباط گسترده‌ای با توده‌ها برقرار کرد و اقبال جوانان به آن هم، به راستی حیرت انگیز بود. واقعا معتقدم که ما پس از انقلاب، با گونه‌ای از شعر مردمی مواجه بوده ایم که از نظر اقبال جوانان و گستردگی آن در میان مردم، بی سابقه بوده است.»

این شاعر در پایان، دو بیت را که به مناسبت نامگذاری سال ۸۷ به نام سال نوآوری و شکوفایی سروده است، برای انتشار در اختیار خبرنگار کتاب هفته قرار داد: «سال دل‌ها، تمام دریایی/ سال سرها، تمام سودایی/ چار فصلش بهار خواهد بود/ سال نوآوری، شکوفایی.» در عین حال پرویز بیگی حبیب آبادی نیز با بیان این

که سومین دهه شعر انقلاب هنوز به پایان نرسیده و بنابراین نمی توان در مورد چهارمین دهه نظر مشخصی ابراز کرد، یادآور شد: «طبق تحقیق من، تولد شعر انقلاب را باید همزمان با تولد شعر دفاع مقدس در نظر گرفت. حوزه هنری در سال ۵۹ تاسیس شد و مطبوعات هم رویکرد تازه خود را در سال ۵۹ آغاز کردند. طی دو سال اول، یعنی سال‌های ۵۸ و ۵۹، نه شب شعری وجود داشته و نه حرکت خاصی در حوزه شعر صورت گرفته است.»

بیگی حبیب آبادی به همین مناسبت، تقسیم بندی مناسب را برای دوره‌های شعر انقلاب، همان تقسیم به سه دهه ۶۰، ۷۰ و ۸۰ دانست و افزود: «می بینیم که با این حساب، هنوز دهه سوم به پایان نرسیده است و در نتیجه نمی توان نظر مشخصی درباره چشم اندازهای شعر دهه چهارم ارائه داد.»

وی خاطر نشان کرد: «شعر همواره منطبق با زمان خود پیش می رود. زمانی شعر ما، شعر دفاع بوده و مبتنی بر شعار و بر محور حس حماسی شکل گرفته است. در ادامه به شعر بی قراری و سپس به شعر اعتراض رسیده. بنابراین نمی توان چیزی از قبیل حس و شور و هیجان را به شعر تزریق کرد.»

بیگی حبیب آبادی یادآور شد: «شعر بر اساس حرکت جامعه و به موازات آن پیش می رود و شاعر سعی می کند آنچه را می بیند بیان کند. مصالح شعر شاعر، اتفاقات جامعه هستند. اگر جامعه بالندگی داشته باشد، شعر بالنده می شود و اگر جامعه دستخوش فضای بی تفاوتی باشد، شعر نیز تحت تاثیر همین فضا قرار می گیرد.»

وی ادامه داد: «به گمان من، شعر این سه دهه، تا بدین جا، آینه تمام نمای این سه دهه بوده و اگر از تاریخ بگذریم که ممکن است طبق سلیقه تاریخ‌نگار نوشته شود، اگر کسی بخواهد بداند در این سه دهه چه بر این کشور گذشته، می تواند به عنوان یک سند معتبر به شعر آن مراجعه کند. چرا که محورهای انقلاب، اعتراض، عشق، ایثار، شهادت، بی قراری، نگاه نوستالژیک و پایداری است و تمام اینها مشخصه‌های مهم شعر انقلاب نیز محسوب می شوند. اینها، همه، اتفاقاتی هستند که در این سه دهه رخ داده‌اند.»



کلاس های آموزشی محفل دوستانه؟!

داستان نوشته می شود که خوانده شود. داستان بی خواننده اصلا داستان نیست. تربیت داستان نویس هم - اگر امری شدنی باشد - باید با هدف خواننده شدن آثار او انجام پذیرد و گر نه امری بیهوده خواهد بود.

در مورد دوره های آموزش داستان نویسی دو نکته مهم و اساسی وجود دارد؛ اول این که آیا اصولا داستان نویسی آموختنی و داستان نویس تربیت شدنی است یا نه؟ مسئله دوم بازار کار و عرصه عرضه تولیدات داستان نویسان است.

داستان نویسی پیش از آن که قابل آموختن در کلاس های درس باشد، قابلیت یادگیری به شکل تجربی و ناخودآگاه را دارد. کسی که از کودکی اهل داستان خواندن بوده باشد و به خصوص اگر داستان ها و رمان های خوبی بخواند، ناخواسته عناصر داستانی را فرا می گیرد؛ حتی اگر نام آنها را نداند، اگر روزی بخواهد داستان بنویسد، همان عناصر را به کار می گیرد. فی المثل با عملکرد زاویه دید آشنا می شود و به احتمال زیاد بسیار بهتر از کسی که داستان نخوانده است؛ ولی دوره های آموزشی را گذرانده آن را در داستانش پیاده می کند.

مسئله مهم دیگر تجربه زندگی و نوع نگاه انسان به تجربه های زندگی است که باعث می شود کسی نویسنده بشود یا نشود. طبیعتا شناخت افراد و برخورد با انسان های مختلف و دقت در احوال آنها در شخصیت پردازی داستانی موثر است و نیز حوادث و ماجراهای متعدد زندگی باعث غنی شدن آثار نویسنده از این جهت می شود. دوره های آموزشی تنها یک عنصر تکمیلی در نویسنده شدن فردی است که استعداد و توانایی این را داشته، در طول زندگی بسیار مطالعه کرده، زندگی اش به لحاظ تجربه غنی بوده و در نهایت نگاه موشکافانه ای به پیرامون خود داشته است. بدون حضور این عوامل کاری از کلاس های داستان نویسی بر نمی آید.



حال به مسئله دوم می پردازیم، فرض که دوره ها به خوبی برگزار و نویسندگان مستعدی تربیت شدند. در شرایطی که نویسندگان حرفه ای برای چاپ کتاب هایشان ناشر پیدا نمی کنند و مطبوعات علاقه ای به چاپ داستان ندارند و صداوسیما هممتی آنچنان که بایسته و شایسته است برای ترویج کتابخوانی نمی کند، واقعا این خیل تازه از راه رسیده به چه دلخوش و امیدوار باشند؟

به نظر می رسد برخی پاتوق های داستان نویسی به محافلی برای مرید پروری و یا حداقل مجالسی دوستانه برای دید و بازدیدهای دوره ای تبدیل شده و از اهداف اصلی خود که پرورش نویسنده مستقل برای خلق آثار ماندگار و ارائه به جامعه مشتاق است دور افتاده اند.

گویا که دیگر چشمی منتظر تولد قلم به دستان توانمند نیست و قلبی در اشتیاق خواندن داستان های تازه نمی تپد.



کلاس های داستان نویسی چقدر در نویسنده شدن افراد مؤثرند؟

قصه نویسی پای تخته سیاه



جانب بخش خصوصی - را امری مفید تلقی می کند و معتقد است: اکثر داستان نویسان معاصر یا داستان نویسانی که یک یا دو کتاب از آنها وارد بازار کتاب شده است، از طریق کلاس های داستان نویسی وارد عرصه ادبیات شده اند.

این داستان نویس تاثیر عمده این کلاس ها را علاوه بر پرداختن به نقاط ضعف یا قوت اثر، مکانی برای پرداختن به کار گروهی می داند. او اعتقاد دارد: جمع گرایی حاکم بر این کلاس ها باعث انگیزه در نوقلمان خواهد شد و هر جا که گروه ها تشکیل شده اند، موفقیت بیشتری وجود داشته است. نویسندگان نسل اول به دلیل این که با هم گروهی کار می کردند و دور هم جمع شده و آثارشان را برای هم می خواندند در امر داستان نویسی موفق بوده اند؛ بنابراین کلاس هایی موفق هستند که به گروه گرایی توجه داشته و از یکدیگر حمایت کنند. وی در عین حال داشتن یکسری اطلاعات داستان نویسی را برای برگزاری این گونه کلاس ها کافی نمی داند چرا که اعتقاد دارد این اطلاعات در کتاب ها وجود دارد و اگر قرار است کسی آنها را بخواند از کتاب های مرتبط با داستان نویسی استفاده خواهد کرد.

پارسی نژاد همچنین بر تجربه و سابقه تدریس داستان نویسی تاکید می کند و می گوید: تجربه و سابقه کسی که این کلاس ها را برگزار می کند تاثیر بسیاری در هدایت نویسنده نو قلم خواهد داشت. این تجربه در نوع بینش نویسنده و نگرش او به جهان هستی و حرکت به سوی مسائل مختلف تاثیر فراوان دارد.

او داستان نویسی را صرف نوشتن نمی داند و نوع نگرش به مبانی هستی را لازمه کار داستان نویسی ذکر می کند.

پارسی نژاد نیز مانند سایر کارشناسان مدرس داستان نویسی را از عوامل مهم و تعیین کننده در خط و منش های داستان نویس نو قلم ذکر می کند و اعتقاد دارد کسی که داستان نویسی درس می دهد، کلید های اصلی را به دست نو قلم می دهد، بنابراین بسیار اهمیت دارد که کلید درست را به او ارائه کند.

کلاس های داستان نویسی نیست. شناخت عناصر داستان، آشنایی با ادبیات داستانی و بسیاری از مسائل دیگر از اصولی است یک مدرس داستان نویسی باید خود با آنها آشنایی داشته باشد تا نو قلمانی که پا به این عرصه می گذارند با شناخت فنون داستان نویسی به پرورش استعداد خود بپردازند.

فیروز نوزی جلالی که خود کلاس داستان نویسی دارد، نویسنده را دارای دو وجه اکتسابی و ذاتی می داند و تاکید می کند: اصولا نه در ایران و نه در هیچ جای دنیا از دل کلاس های داستان نویسی داستان نویس حرفه ای و مطرحی بیرون نمی آید؛ اما این به معنای این نیست که این کلاس ها بی فایده است. او با اشاره به وجه اکتسابی داستان نویسی وجود این کلاس ها را با اهمیت می داند و می گوید: کسانی که به نویسندگی علاقه دارند می توانند بخش آموختنی را در این کلاس ها فرا گیرند. اما در هر حال این بخشی از نویسندگی است و موفقیت در نویسندگی به استعداد افراد هم بستگی دارد.

این داستان نویس همچنین می افزاید: در حقیقت کسانی که برای اولین بار وارد کلاس های داستان نویسی می شوند، می توانند وجه اکتسابی آن را فرا بگیرند که شامل عناصر داستان نویسی، نقد، فرم داستان و... دیگری می شود.

نوزی جلالی تاثیر این کلاس ها را در این حد می داند که راه را برای داستان نویسان علاقه مند نوشتن هموار می کند.

زنده باد تجربه!

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد، تجربه در امر داستان نویسی و تدریس اهمیت زیادی دارد و اگر مدرس داستان نویسی از تجربه کافی برخوردار باشد می تواند در هدایت درست یک نو قلم سهم عمده ای داشته باشد، در هر صورت اگر بخشی در داستان آموختنی است، عده ای که به این کلاس ها مراجعه می کنند باید با اصول صحیح آشنا شوند تا بخش دیگر که به استعداد و ذوق ارتباط دارد، به خوبی پرورش یابد.

کامران پارسی نژاد برگزاری کلاس های داستان نویسی - چه از طرف نهادهای دولتی و چه از

نوشتن داستان یک استعداد ذاتی می خواهد. این جمله ای است که بارها از دهان بسیاری از داستان نویسان بزرگ در طول این سال ها شنیده ایم. این امری مسلم است که داستان نویسی ذوق و استعداد ذاتی می خواهد که آن هم آموختنی نیست؛ اما باید پذیرفت که در طول این سال ها از دل کلاس های داستان نویسی، داستان نویسانی خوب به عرصه داستان نویسی ما پا گذاشته اند.

راضیه تجار که خود یک کارگاه داستان نویسی دارد با صحنه گذاشتن بر ذوق و استعداد، آموزش را نیز پرورش دهنده این استعداد می داند.

او معتقد است: در درجه اول فرد باید ذوق داشته باشد، بعد تعلیم در این زمینه می تواند استعداد را پرورش داده تا به منصف ظهور برسد. تجربه نشان داده کسانی که استعدادی در داستان نویسی دارند، در این عرصه قرار می گیرند و معمولا خروجی خوبی دارند. وی شور جمعی و شنیدن اثر یک نفر را در کلاس های داستان نویسی از عوامل تشویق کننده و تاثیر گذار بر نویسنده می داند.

تجار همچنین بازگو کردن ایرادها و نقاط قوت یک اثر را از دیگر مزایای این کلاس ها ذکر می کند و می گوید: این که دوستانی اثر نویسنده ای نو پا را گوش کنند، خطاها، نقاط قوت و ضعف اثر را بگویند در تولید اثر بسیار موثر است.

او همچنین به تجربه کسانی که این کلاس ها را برگزار می کنند تاکید دارد و معتقد است: این کلاس ها استادی می خواهد که ذهن کسانی که در آغاز راه داستان نویسی هستند را آماده نگه دارد. آنها در این صورت آموزش نتیجه بخش خواهد بود.

به اعتقاد این نویسنده کسی که افراد را به سمت داستان نوشتن رهبری می کند؛ خود باید فنون داستان نویسی را بداند و در واقع یک معلم نویسنده باشد.

او عشق به معلمی و درس را هم البته مهم می داند و تاکید می کند: این کارها عشق می خواهد زیرا کسی که برای فرا گرفتن اصول داستان نویسی به این کلاس ها می آید، به این کار علاقه دارد. ممکن است ۱۸ یا ۶۰ ساله باشد و یک مدرس توانا باید بداند که بین آنها تفاوت است. باید پله پله آنها را جلو برد و نباید اثر یک نو آموز هجده ساله را با یک نویسنده جهانی مقایسه کرد. این مسئله باعث سرخوردگی او خواهد شد و همه چیز را رها خواهد کرد.

تجار در ادامه به کمبود کلاس های داستان نویسی در کشور و غفلت از این امر اشاره دارد و می گوید: کلاس های داستان نویسی در کشور ما زیاد نیست. کلاس های داستان نویسی در شهرستان ها هم اگر باشد بسیار کم است.

او البته اعتقاد دارد: با توجه به علاقه جوانان به داستان نویسی در دهه جدید کارگاه های داستان نویسی رونق خواهد گرفت.

تجار دلیل رویکرد زیاد به داستان نویسی را تقریبا سهل دانستن آن می داند و می گوید: داستان نوشتن هزینه زیادی نمی خواهد و یک قلم و کاغذ کافی است و همین دلیل رویکرد جدی به این مسئله خواهد بود. او در پایان تاکید دارد: به نسبت جمعیت، پتانسیل و استعداد ادبی؛ جماعتی که می توانند داستان نویسی را آموزش دهند، بسیار کم است. در این زمینه غفلت زیادی شده است و توصیه می کنم که در آینده سرمایه گذاری بیشتری در این عرصه صورت گیرد.

نویسنده بدون استعداد؟!

تنها دستی بر قلم داشتن دلیلی موجه بر دایر کردن



با ضیاءالدین ترابی درباره دوریس لسینگ و «چال مورچه»

افشای استعمار



تا چند ماه پیش دوریس لسینگ نامی ناآشنا به نظر می‌رسید. اما از روزی که خبرنگاران به خانه این نویسنده کهنسال رفتند و به او خبر دادند که برنده جایزه نوبل ادبیات شده، او ناگهان بدل به چهره‌ای آشنا شد. این روزها هر اظهار نظر ساده خانم لسینگ، خبری مهم تلقی می‌شود. او که نتوانست به علت بیماری در مراسم اهدای جایزه نوبل حضور یابد، هشتاد و اندی سال قبل در ایران به دنیا آمده بود. لسینگ هرگز خاطره‌ای از ایران به یاد نیاورده، چون وقتی که او چند ماه داشت، خانواده‌اش کشور ما را ترک کردند. هرچند او را باید بیش از خبرها، در مان‌ها و داستان‌هایش جست. کتاب «چال مورچه» که به گفته مترجمش، یکی از مهم‌ترین آثار نویسنده‌اش است را باید یکی از اولین گام‌های شناخت لسینگ در ایران دانست؛ گامی که خیلی زود برداشته شد. ضیاءالدین ترابی، مترجم «چال مورچه» می‌پرسد که آیا موفقیت لسینگ در نوبل سبب شده تا او رمانش را ترجمه کند و یا از قبل برنامه‌هایی در این زمینه داشته است. او به ترجمه‌اش از این رمان اشاره می‌کند که به سال‌ها قبل برمی‌گردد. به گفته این مترجم، وی از چهل سال پیش با این نویسنده بریتانیایی آشنا بوده و از سبک کارش خوشش می‌آمده است. وی در توضیح بیشتر می‌گوید: «البته بیشتر از موضوعاتی که لسینگ برای کارش انتخاب می‌کرد خوشم می‌آمد. او در بیشتر آثارش به مسئله تبعیض نژادی می‌پردازد.»

ترابی در مورد نحوه آشنایی‌اش با لسینگ می‌افزاید: «چال مورچه در مجموعه‌ای و در کنار آثار داستان‌نویسان بزرگ انگلیسی به چاپ رسیده بود. این سبب شد تا من این داستان را با دقت بخوانم. داستان را خواندم و از آن خوشم آمد و ترجمه‌اش کردم. ترجمه اول کار شاید به پانزده یا شانزده سال قبل برگردد. این ترجمه به دلیل کارهای دیگر مدتی کنار مانده بود تا این که چند سال قبل آن را مورد بازنگری قرار دادم و به ناشر ارائه کردم.» این مترجم که آثاری همچون مجموعه دو جلدی «سفر دور دنیا» و «هوای قطبی» را در دست چاپ دارد، سپس به چاپ نشدن رمان اشاره می‌کند و می‌گوید که قرار بوده همزمان با نمایشگاه



بین‌المللی کتاب تهران در سال گذشته منتشر شود، اما به دلایلی این کار صورت نگرفته تا انتشار آن مقارن شود با برنده شدن خانم لسینگ در نوبل: «بعد از آن لسینگ برنده نوبل شد، من هم به ناشر محترم زنگ زدم و خواستم که اگر تا زمان حاضر مشکلاتی سبب شده تا انتشار کتاب

به عقب بیفتد، موفقیت نویسنده در جایزه نوبل بهترین فرصت برای انتشار کتاب است.» ضیاءالدین ترابی معتقد است که ترجمه سریع معمولاً کار را خراب می‌کند و از این رو او هرگز به ترجمه سریع اعتقاد نداشته است. وی می‌افزاید: «هرچند نوبل برای من اهمیت دارد، اما موفقیت یک نویسنده در این جایزه و جایزه‌های دیگر هرگز سبب نمی‌شود تا من سراغ کارش بروم. من البته چند سال پیش یک داستان با عنوان «طلوع غلغزار» هم از ایشان ترجمه کرده بودم.»

ترابی پیش‌تر «یک صد شعر از یک صد شاعر معاصر جهان»، «باغ گیلان» شعر معاصر چین و

یادداشت

یوسف نگاریان



غرب، غرب انسان ستیز

چال مورچه دوریس لسینگ اثر ترجمه ضیاءالدین ترابی انتشارات سوره مهر، چاپ ۱۳۸۶. رمان کوتاه «چال مورچه» را باید روایتی از استعمار غرب دانست؛ روایتی که به خوبی نشان می‌دهد کشورهای غربی چگونه با نابودی کشورهای آفریقایی به ثروتی سرشار دست یافتند. از دیگر سو نویسنده در این رمان نشان می‌دهد که لبه‌های تیغ این ظلم و استعمار چنان تیز و بی‌رحم بوده که دامن خود استعمارگران را نیز گرفته است، چنان که خود ایشان نیز در گرداب پول و ثروت بیشتر، زندگی و مهر خویش را از دست دادند.

«چال مورچه» قصه نوجوانی است که به واسطه کار پدر و مادر خویش کمی پس از به دنیا آمدن به یک کشور آفریقایی می‌رود. پسر که «تامی» نام دارد، همان جا و در کنار دیگر بچه‌ها که همگی شان سیاه پوست هستند، رشد می‌کند. پدر او مهندس معدنی است که به وسیله سفیدپوستی طماع به نام «مکین تاش» اداره می‌شود. پدر و مادر حاضر می‌شوند که در کنار هزاران بیماری خطرناکی که ممکن است جان فرزندان را تهدید کند در معدن کار کنند تا پول بیشتری به دست بیاورند. همان طور که زن خانواده می‌گوید پولی که شوهر مهندس به عنوان حقوق دریافت می‌کند، بسیار بیش از آنی است که در جاهای دیگر ممکن است نصیبش شود. به جز این خانواده سه نفره سفیدپوست، آقای مکین تاش، مدیر معدن، تنها سفیدپوستی است که در رمان حضور دارد. هم او است که با شیوه‌های مخصوص خود، پس از سال‌ها در منطقه به طلا می‌رسد. زندگی مکین تاش آمیزه‌ای است از جهل، نادانی، ستم، ثروت اندوزی و شقاوت. او دو فرزند دارد که از مادری سیاه پوست به دنیا آمده‌اند. این پسر و دختر که دورگه هستند، از زندگی چندان خوبی برخوردار نیستند، چرا که معدن‌دار آنها را به عنوان فرزند قبول ندارد. حتی کسی نیز نمی‌تواند این نکته را بازگو کند، چرا که بعد از بیان موضوع توسط مکین تاش اخراج خواهد شد. این مالک پولدار در کنار ظلمی که به فرزندان خود می‌کند برای کارگزارانش هم چندان ارزش قائل نیست. او هیچ‌گونه تادیبی به خرج نمی‌دهد تا از مرگ کارگران سیاه معدنش جلوگیری کند. هر بار و در اثر ریزش معدن ممکن است صدها کارگر سیاه پوست زیر آوار بمیرند، اما برای مرد سفیدپوست چه اهمیتی دارد چرا که فردا به سرعت چندین نفر را جایگزین در گذشتگان می‌کند. او برای جان آدمیزاد چندان ارزشی قائل نیست و اتفاقاً نامی را که لسینگ برای کتابش برگزیده استعاره‌ای است به این موضوع. عنوان «چال مورچه» نشان می‌دهد که کارگران سیاه پوست در خانه خودشان بدل به کارگرهایی مورچه‌وار شده‌اند و در هم می‌لولند و کار می‌کنند تا پول آن به جیب یک فرد خارجی برود. نویسنده به خوبی نشان می‌دهد که مکین تاش هم نمی‌تواند بهره‌ای از پول‌هایی که درمی‌آورد، ببرد. او کمتر به تعطیلات می‌رود و هر روزه لباس کتیف و پاره می‌پوشد و در بین کارگران به کار مشغول است. پولی که به درد خرج کردن نخورد، چه منفعتی برای صاحبش دارد؟ از این روست که می‌توان گفت او حتی خود را نیز استعمار می‌کند.

«چال مورچه» را باید رمانی استعاری دانست؛ استعاره‌ای از انسان تسخیر شده و تسخیرکننده؛ انسانی که روح و روان خود را به بهای اندکی می‌فروشد و به دیگران نیز رحمی ندارد و مکین تاش و حتی پدر و مادر تامی، ارجاعات این استعاره‌اند. لسینگ به خوبی در این رمان نشان می‌دهد که مرز میان استعمارکننده و استعمارشونده آنچنان دور از هم نیست؛ کسی که دیگران را استعمار می‌کند به خویشتن خویش نیز چندان مهربان نیست.

در آفریقا، تاثیر زیادی در نگاه واقع‌گرایانه‌اش داشته است. او مسائل و زندگی دشوار آفریقا را با آنچه که در اروپا می‌گذشت مقایسه می‌کرد و تفاوت‌های این دو نوع زندگی در کارواندیشه‌ها و تاثیر می‌گذاشت. ترابی نگاه ویژه لسینگ به زن‌ها را از خصوصیات دوره دوم کار این نویسنده می‌داند و می‌گوید: «او در همین دوره مشهور شد. او بارها به فمینیست‌ها انتقاد کرده و گفته است که ایشان گمان می‌کنند مشکلات را به سادگی حل کرده‌اند.» ترابی معتقد است لسینگ در طول دوره سوم نویسندگی‌اش که از حدود دو دهه پیش آغاز شده، به عرفان‌گراییش پیدا کرده است.

ضیاءالدین ترابی در بخشی از صحبت‌هایش به برخی از جملات دشوار و گاه مبهم لسینگ اشاره می‌کند. از او می‌پرسیم که این جملات و به طور کلی ترجمه رمان کوتاه این نویسنده برنده نوبل، چه دشواری‌هایی را برای مترجم به همراه داشته است، چرا که گاهی ترجمه جملات ساده نیز به دلیل رعایت لحن نویسنده با دشواری‌هایی همراه هستند. وی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «این رمان زبان بسیار ساده‌ای داشت، چرا که لسینگ در آن از زبانی گزارش‌گونه استفاده کرده بود. وی می‌افزاید: «با این همه ترجمه شروع داستان با دشواری‌هایی برای من همراه بود. لسینگ از لحن و نشر خاصی در این داستان سود می‌جوید که برگردان آن به فارسی با سختی‌هایی همراه است. من از سویی نمی‌خواستم ترجمه لغت به لغت داشته باشم و از سویی نیز می‌خواستم ضمن امانتداری، لحن و سبک نویسنده را منتقل کنم. این بود که کمی دچار اشکال شدم تا بیانی متناسب با متن اصلی را انتخاب کنم.» این مترجم در مورد انتخاب عنوان «چال مورچه» می‌گوید: «از همان شروع داستان این سوال برای من پیش آمد که او چرا به معدن می‌گوید چال مورچه. اما زمانی که داستان را با دقت خواندم که دید ایشان به معدن طلا و آدم‌هایی که از ارتفاع بالا شبیه مورچه به نظر می‌رسند سبب شده او از این استعاره بهره بگیرد. طبیعتاً برای پیدا کردن همین معادل نیز من مدتی وقت گذاشتم تا به جای برگزیدن لانه مورچه یا هر چیز دیگری به «چال مورچه» رسیدم.»

مجموعه پنج جلدی شعر پایداری ملل جهان را ترجمه کرده است. به باور این مترجم، لسینگ در کارهایش بیش از هر چیز به روایت داستانی و موضوعاتی که می‌خواهد بیان کند، می‌اندیشد. وی با بیان این نکته که خود لسینگ هم به نگارش داستان‌هایش در سبک‌های مختلف اعتراف کرده می‌افزاید: «با این همه او در بعضی از قسمت‌های نشرش از پیچیدگی‌های خاصی بهره می‌برد که می‌توان آن را از ویژگی‌های کارش برشمرد.» به گفته این مترجم، لسینگ در بیشتر قسمت‌های داستانش، از نثری ساده و روان سود می‌جوید و در قید مسائل فرمی نیست. این مترجم درباره نداشتن سبک توسط لسینگ می‌گوید: «وی در طول پنجاه سال فعالیت نویسندگی و انتشار کتاب، می‌توانسته سبک واحدی را برای کارش برگزیند، اما او ترجیح داده که با توجه به موضوعات داستان‌هایش، سبک و فرم داستان را در کارهای مختلفش تغییر دهد. او در برخی از کارهایش واقعاً نوآوری‌هایی ارائه می‌کند که قابل توجه است.»

ترابی سپس به داستان کوتاهی از لسینگ اشاره می‌کند که تحت عنوان «مرد بی‌زن» آن را ترجمه کرده و به زودی در یکی از نشریات به چاپ می‌رسد. وی پایان‌بندی این داستان را پایان‌بندی جالبی می‌داند و از آن به عنوان پایان‌بندی شبیه پایان‌بندی داستان‌های پست‌مدرنیستی یاد می‌کند: «داستان به نوعی دارای سه نوع پایان‌بندی است که خواننده را در سه فضا رها می‌کند تا او هر کدام را که دوست داشت، انتخاب کند. این داستان که چهل سال پیش منتشر شده نشان می‌دهد که او نویسنده‌ای نوآور است و آن گونه نیست که به تقلید از دیگران بپردازد.»

مترجم «چال مورچه» آثار دوریس لسینگ را از نظر محتوایی به سه دوره تقسیم می‌کند. به گفته وی لسینگ در دوره اول نویسندگی‌اش که از سی سالگی آغاز می‌شود، نویسنده‌ای واقع‌گراست و با تاثیر از واقعیت عینی جامعه داستانی می‌نویسد: «زندگی او



با قاسمعلی فراست درباره رمان «آوازه‌های ممنوع»

جوانی دو نسل متفاوت

و سیر داستانی به هم برسند. بنای من در این رمان آن بوده که برای رسیدن این دو آدم به همدیگر، هیچ گونه شعاری ندهم، هیچ رد پایی نگذارم و اجازه بدهم که این دو شخصیت سیر طبیعی خود را طی کنند تا به واقعیت برسند. واقعیت به نظر بنده خورشیدی است که هر چند ممکن است مانعی جلوی آن را بگیرد، اما به محض آن که ابر کنار رود، خود را به نمایش می‌گذارد. نمی‌دانم تا چه اندازه موفق بوده‌ام که بدون دادن شعار و افتادن به دام کلیشه به این نیت برسم.

نکته دیگری که مطرح است، تفاوتی است که بین شخصیت‌های یک نسل وجود دارد. مثلاً تفاوتی که نیما با بهروز دارد یا مثلاً تفاوتی که سرهنگ با دوست مشترک او و شهید روح‌الامینی دارد. این تفاوت‌ها از کجا آمدند؟

به گمان من، ما یک نگاه مشترک به زندگی و ارزش‌ها داریم و یک نگاه خاص که در مرام‌ها و ارزش‌ها وجود دارد. سرهنگ، شهید روح‌الامینی و دوستش در این نگاه مشترک به زندگی و ارزش‌ها کاملاً مشترکند. اما در مورد همین سه رزمنده، همین که شخصیت فردی شان مطرح می‌شود کاملاً از هم جدا می‌شوند. اتفاقاً به نظر من در داستان و آثار هنری، به نمایش گذاشتن همین اختلاف‌ها به کار کمک می‌کند.

رسیدن به فردیت؟

بله. وگرنه ما در داستان با یک سری تیپ مواجه می‌شویم. اگر شما به داستان‌های اوایل جنگ نگاه کنید، بیشتر شخصیت‌های داستانی، تیپ هستند. رزمندگانی که مثل هم راه می‌روند، حرف می‌زنند، گریه می‌کنند و در نهایت مثل هم می‌جنگند به هر حال با گذر زمان نویسندگان به شخصیت‌پردازی توجه بیشتری کردند. از همین روست که سرهنگ باید با دوستش فرق داشته باشد، به دلیل آن که شما هیچ دو نفری را نمی‌توانید پیدا کنید که در یک شرایط کاملاً شبیه هم باشند. زن، نگاه، سلیقه و نحوه عملکرد آدم‌ها با هم فرق می‌کند.

اگر تمایل داشته باشید، در مورد شخصیت لیلا حرف بزنیم. او دختر سرهنگ است و بار قسمتی از داستان را به دوش می‌کشد. آیا وجود این دختر برای نشان دادن فضای روحی و خانوادگی سرهنگ است که با وجود گرفتاری، دختری سر به راه و فهیم دارد یا لیلا نقش پیش‌برنده در داستان دارد؟

نویسنده هر چقدر که شخصیت‌های داستانی‌اش را بر مبنای تخیل خود بسازد. که باید آنها را در تخیل خود پرورد. این شخصیت‌ها باید با مسائل بیرونی در ارتباط باشند. نویسنده باید شخصیت‌ها را به شکلی پروراند که خواننده آنها را بپذیرد. دختر سرهنگ، لیلا کسی است که به دو دلیل در داستان آمده. اول آن که در تصور دوست سرهنگ، در مورد بچه‌هایشان جور دیگری بوده است. به شکلی که نرسیدن صدا و فرهنگ غنی به این بچه‌ها سبب شده تا آن گونه‌ای نشوند که پدربزرگشان در نظر داشته‌اند. حضور لیلا در این داستان نشان می‌دهد که بسیاری از این بچه‌ها، همان طور که پدرهای رزمنده‌شان می‌خواسته‌اند، پرورش پیدا کرده‌اند. لیلا نمونه یک فرزند پرورش یافته مطابق آرزوها و امیال یک رزمنده است. با این همه لیلا باورهای خودش را دارد. او در جواب بقیه بچه‌ها که می‌گویند از «چادرت باید می‌فهمیدیم که از



بادوستش، شهید روح‌الامینی داشته و تعلق خاطری که به ایشان دارد، سبب می‌شود در برخوردش با یکی از همین جوان‌هایی که ارتباط خوبی با فرهنگ جبهه نداشته‌اند، به واسطه اسم مشترک روح‌الامینی حساس شود. او با خود می‌اندیشد که ممکن است نام بزرگوار آن شهید سبب توجه به این جوان شده یا این جوان او را به یاد آن دوست انداخته است. به هر صورت او نمی‌تواند از این جوان دل بکند و رهانش کند. سرهنگ آدم واقع‌بینی است و به دل آن جوان نظر دارد. به نظر هم سرهنگ در مورد اختلاف‌هایی که وجود دارد محق است و هم نیما. سرهنگ به این دلیل حق دارد که به دنبال یک سری ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که به درستی نمی‌خواهد از آنها دست بکشد. سرهنگ به هیچ عنوان نمی‌خواهد این ارزش‌ها را نادیده بگیرد. از طرفی، نیما هم حق دارد. او فرهنگ و ارزش‌هایی را که سرهنگ در نظر دارد، نمی‌شناسد و در نتیجه آن را با متر و معیارهای خودش می‌سنجد. برخوردی هم که نیما توسط جامعه دیده، برخوردی خشک و آیین‌نامه‌ای است. این برخورد، نمی‌تواند نیما را متوجه خود کند. به همین دلیل تضاد شروع می‌شود. سعی شده نیما و سرهنگ به هیچ وجه در طول رمان شعار ندهند و هر کدام از این دو زندگی و دغدغه‌های خود را داشته باشند و بر اثر مرور زمان

چرا که با آن برخورد نداشته‌اند و ما نیز به خوبی آن را به ایشان معرفی نکرده‌ایم.

اهمیت موضوع را درک نکرده‌اند؟

بله و از نزدیک با این موضوع نه تنها زندگی نکرده‌اند که حتی لمسش هم نکرده‌اند. از طرفی نویسنده، فیلمساز، نقاش، روزنامه‌نگار و... هم ماهیت این موضوع مهم را به این نسل انتقال نداده‌اند. من یقین دارم که اگر ما با فرهنگ این مقوله کمی آشنا شویم، با آن ارتباط برقرار می‌کنیم. بخش کمی از نبود شناخت فرهنگ جبهه به این نسل برمی‌گردد و بیش از نود درصد آن به من و امثال من مربوط می‌شود. این دو نکته بود که به خلق «آوازه‌های ممنوع» انجامید.

سرهنگ مهدی خانی، شخصیت محوری داستان «آوازه‌های ممنوع» نیز همچون شما فکر می‌کند. او نیز معتقد است که اگر قصوری در نسل جوان وجود دارد، بخش عمده‌ای به گردن او و نسلی است که فرهنگ جبهه را به خوبی به نسل بعد از خود منتقل نکرده است. کمی در این مورد بگویید. سرهنگ کسی است که نه تنها فرهنگ جنگ را به خوبی درک کرده، بلکه خود او وارث این فرهنگ است. خود او موجود و موجب این فرهنگ است و بنا بر ارتباطی که با آدم‌های مختلف دارد، شناخت خوبی از نسل جوان دارد. از طرفی ارتباطی که او

اختلاف و تفاوت بین نسل‌ها، یکی از موضوعاتی است که طی چند سال اخیر بسیار مورد توجه کارشناسان مسائل فرهنگی و هنرمندان قرار گرفته است. انتشار چند نشریه مرتبط با این موضوع، ساختن چند فیلم و انتشار چند رمان، نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در نگاه هنرمندان است. قاسمعلی فراست هم در آخرین رمانش، سراخ این سوژه رفته است. او از سویی دیگر، مسئله دفاع مقدس را بستری برای رمانش قرار داده است؛ مسئله‌ای که کسی در اهمیت آن شکی ندارد. گفت‌وگوی زیر درمورد شکل‌گیری رمانی است که وی آن را «آوازه‌های ممنوع» نام نهاده است. از فراست پیش از این آثاری همچون «نخل‌های بی‌سر»، «افطار»، «بن‌بست»، «خانه جدید»، «زیارت»، «گلاب‌خانم»، «نیاز» و... را خوانده‌ایم.

شما در کتاب «آوازه‌های ممنوع» به تقابل میان دو نسل پرداخته‌اید. چطور شد این مبحث را انتخاب کردید و مسئله جنگ را پل واسطه میان این ارتباط قرار دادید؟

ما در هنرها از داستان و شعر گرفته تا سینما و موسیقی، زمانی موفق خواهیم شد که به مسئله یا مسائل مبتلا به جامعه بپردازیم و هر چقدر این مسائل در جامعه ما مهم‌تر و کاری‌تر باشد، آن کار موفق‌تر خواهد بود. البته با این پیش شرط که از نظر هنری به خوبی پرداخت شده و صیقل خورده باشد. یکی از مسائل بسیار مهم جامعه ما اختلاف بین نسل‌های مختلف است؛ اختلاف نگاه و اختلاف زندگی.

دقیقاً منظورتان تفاوت است یا اختلاف؟ راستی چرا جنگ را به عنوان بستر داستان‌تان انتخاب کردید؟

تفاوت. به نظر من این کلمه درست‌تر و نزدیک‌تر به آن چیزی است که در ذهن دارم. این تفاوت هم حاصل شرایطی است که در دنیای معاصر ایجاد شده؛ تغییراتی که در سطح زندگی، در سطح جامعه و به طور کلی در جهان پدید آمده. به تفاوت نگاه بین این دو نسل منجر شده است. ما باید به این تفاوت آگاه باشیم. همان طور که امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: کسانی که امروزشان شبیه دیروزشان باشد، عمرشان به بیهودگی سپری شده است. حال ما چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این تفاوت در یک نسل وجود نداشته باشد؟ به همین دلیل به نظر من آمد که این مسئله از مسائل مهم جامعه ماست و باید به آن پرداخته شود چرا که شما آن را در هر خانواده، مدرسه و دانشگاهی می‌بینید. اما در مورد بخش دوم سوال شما و این که چرا جنگ را به عنوان بستر روایت برگزیدیم، علت این امر را باید در آن دانست که جنگ در وجود من ریشه دوانده است. حتی اگر من نخواهم در موردش بنویسم، نمی‌توانم. چرایی این نکته به دو دلیل است: اول آن که از نزدیک با این مقوله برخورد داشته‌ام و با آن زندگی کرده‌ام. یعنی با جنگ و بچه‌های جنگ خندیده‌ام، گریه کرده‌ام و انتظار کشیده‌ام و دیگر این که این مسئله آنقدر بزرگ و با اهمیت است که انسان نمی‌تواند به سادگی از کنار آن رد شود. البته شاید بعضی از افرادی که نسبت به مقوله جنگ بی تفاوت هستند، آنقدر گناهی نداشته باشند. علت آن است که آنها اهمیت و بزرگی این مسئله را درک نکرده‌اند.

گزارشی از رمان «ینگه دنیا» نوشته جان دوس پاسوس

قصه گویی در آمبولانس



دوس پاسوس، وی در هنگام نگارش این رمان که بیش از ده سال طول کشید، همواره بر این تلاش بوده تا داستان به واقعیت نزدیک تر باشد و در عین حال بافت داستانی اش را حفظ کند. سعید باستانی، مترجم این رمان، درباره آن چنین می نویسد: «به راستی نیز در مجموعه «ینگه دنیا» مورخ و هنرمند و عصیانگر دست به دست هم داده اند چنان که محتوای این مجموعه ممکن است برای تحلیل و ارزیابی سی سال از سرمایه داری آمریکا و تاثیر مخربی که نظام این جامعه بر شخصیت و فضیلت فرد نهاده است.» به باور این مترجم، هرچند که در اندیشه دوس پاسوس خود فرد هم از مسئولیت مبری نیست، با این همه نقش اتباع را نیز نمی توان بر او نادیده گرفت. این همان چیزی است که وی در ینگه دنیا به خوبی آن را به نمایش می گذارد.

دوس پاسوس (۱۸۹۶، ۱۹۷۰) در سراسر این مجموعه ارتباط میان ذنات فرد و بحران های اجتماعی را به دقت باز نموده و نشان داده است که چگونه تجاوز اربابان زر و زور به آرمان های ملی و میراث های اخلاقی، به تزویر و ریاکاری افراد عادی منتهی می شود. از نظر این نویسنده آمریکایی منتقد، افراد و کشورها هرگز از فرصت دومی برای بهره برداری از فرصت های اجتماعی و سیاسی خود برخوردار نمی شوند. او معتقد بود که نمی توان به گذشته بازگشت و یا در زمان حال کین خود از جامعه را باز کشید: «جامعه چنان قدرت گرفته است که هیچ فردی را به تنهایی یاری درافتادن با آن نیست. احساسات شخصی و عقاید خصوصی زیر وزن سهمگین ماشین ها و ارتش ها و مجموعه های عظیم صنعتی و دیوانسالاری ها خورد می شوند. در جهانی که به سازمان ها و گروه ها تعلق یافته است و آنان همه مسلسل ها و مطبوعات را در چنگ خود قبضه کرده اند، محال است بتوان صرفاً با «کلام» و ترانه» سر به ستیز با این جامعه صنعتی زده و استعمارگر برداشت.»

توجه توامان دوس پاسوس به اخبار سیاسی روز، ترانه های عامیانه، آگهی تجاری، بریده جراید، گفت و گوهای روزمره، سخنرانی های سیاسی، ضرب الامثل ها و مواردی از این دست است که سبب جذاب شدن «ینگه دنیا» شده است. جهان داستانی او همچون فانکر و کافکا، به ظاهر ناممکن به نظر می رسد، اما این تناقض ها سبب نمی شود تا کسی کارش را باور نکند. او قصه گویی بالفطره است و انسان دوستی متعهد به ارزش های اخلاقی. همین هاست که سبب ماندگاری آثارش شده است. ۲ جلد از ۳ جلد ینگه دنیا با ترجمه سعید باستانی و به کوشش نشر هاشمی منتشر شده است.

اندرسن در مدار ۴۲ دلم می خواست پیش از زیرور شدن اروپا جنگ را ببینم.» وی می افزاید: «وقتی در سال ۱۹۱۶ از دانشگاه فارغ التحصیل شدم دوست داشتم تحصیلاتم را در رشته معماری ادامه دهم، اما در عین حال به شدت بی تاب بودم و در واحد آمبولانس ران های داوطلب اسم نوشتم. ولی پدرم به شدت با این کار مخالف بود. این بود که با هم کنار آمدیم و من پذیرفتم که صرفاً برای تحصیل در رشته معماری به اسپانیا بروم و به مادرید رفتم.» دوس پاسوس شرح می دهد که پس از مرگ پدرش در سال ۱۹۱۷ به واحد آمبولانس ران ها پیوسته و از طرفی این رادرس بزرگی برای خود عنوان می کند.» دوس پاسوس پرداختن به مسائل سیاسی روز را هیچ دلیلی برای لطمه دیدن آثار هنری نمی داند. او با بیان این نکته که نوشته های ارزنده فراوانی هستند که با سیاست سروکار دارند، می گوید: «سیاست همواره قلمرو خطرناکی است برای برخی از نویسندگان بهتر آن است که وارد این قلمرو نشوند مگر آن که ابتدا راه و رسم دیدن را آموخته باشند. نویسنده ای که وارد این قلمرو می شود، هم باید متعهد باشد و هم نباشد. به گفته دوس پاسوس، نویسنده باید دچار شور و خشم و احساس شود و در عین حال احساساتش را هنگام نوشتن دور از خویش نگاه دارد، و گرنه هنرش به تبلیغات تبدیل می شود و آنچه در چپته اش می ماند، یک مشت موعظه اخلاقی است و بس.» وی در نهایت هدف خود را از نوشتن رمان سه جلدی «ینگه دنیا» چنین عنوان می کند: «در مورد نگارش این کتاب هدفم این بود که مانند نویسندگانی چون هنری فیلدینگ و گوستاو فلوربر از موضوع کارم فاصله بگیرم و برای دست یافتن به این مقصود دوربین عکاسی را اختراع کردم و احساساتم را در آن ریختم و بدین ترتیب آسان تر توانستم احساسات شخصی ام را از بخش های دیگر کتاب دور نگاه دارم.» به گفته

توجه دوس پاسوس به اخبار سیاسی روز، ترانه های عامیانه، آگهی تجاری، بریده جراید، ضرب الامثل ها و مواردی از این دست است که سبب جذاب شدن «ینگه دنیا» شده است

علیرضا سعیدی پور: رمان سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم، توجه بسیاری از نویسندگان جهان را به خود معطوف کرد. آثاری همچون ۱۹۸۴، «وداع با اسلحه»، «سلاخ خانه شماره پنج»، «قطار به موقع رسید» و بسیاری دیگر از آثار موفق قرن بیستم، به خوبی نشان دهنده وضعیت این سال هاست. دو جنگ جهانی، خفقان ناشی از حکومت های کمونیستی، وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی حاصل از حکومت های غربی و بسیاری از موارد و مسائلی از این دست، از سوی نویسندگان مطرح جهان مورد بررسی قرار گرفتند. دوس پاسوس نیز همگام با این جریان جهانی، به طرح مسائل سیاسی در رمان ها و نوشته هایش پرداخت. او که پس از اتمام تحصیلاتش برای تحصیل معماری به اسپانیا رفت، نتوانست از مشارکت در جنگ جهانی اول چشم ببوشد. او راننده آمبولانس شد و کمی بعد به بیمارستان های نظامی رفت تا کمی از زخم های عمیق جنگ را درمان کند. تجربه این سال های دوس پاسوس در رمان «دست شما» و «سه سرباز» به خوبی نمود یافت. او در مقدمه این رمان که چند سال بعد با عنوان «نخستین برخورد» مجدداً منتشر شد، آورد: «اولی که جنگ و خودکامگی را مستثنی کننده یافته بود به آسانی باور کرد که طبقات کارگر جهان از طریق یک رشته انقلاب مانند انقلاب روسیه به دوران فرمانروایی صلح و عدالت تحقق خواهند بخشید!» و سپس نتیجه گیری می کند که نسل بعدی که جنگ دوم را تجربه کرده، هیچ گونه امیدی به آینده خویش ندارد، چراکه دریافتند که همه آن ایدئولوژی ها بی پایه و بی ارزش بوده اند. دوس پاسوس در رمان «سه سرباز» به انحطاط ارتش می پردازد و نشان می دهد که ارتش نهادی از جامعه آمریکاست، جامعه ای که بر بنیاد سرکوب استوار است و با اصالت فرد، در تضاد است. مترجم در مقدمه ای که بر کتاب نوشته در این مورد آورده است: «در رمان دوم پیام سیاسی دوس پاسوس آن است که عامل انحطاط نظام ارتش است و نه نبرد در جنگ، و می گوید که نظام جامعه آمریکا نیز مانند این ارتش بر بنیاد سرکوب استوار است و با اصالت فرد، چه سر به شورش بردارد و چه تن به تسلیم دردهد، ناسازگار است.»

با این که برخی از نشریات چپ، نوشته های دوس پاسوس را همگام با نظرات خویش یافتند و آنها را ستودند، وی هیچ وقت به حزب و گروهی نزدیک نشد و علاوه بر آن، همیشه از آنها فاصله می گرفت، آنچنان که محال است تذکره نویسی وی را از زمره نویسندگان چپ به حساب آورد. نفرت و انتقاد او از احزاب چپگرای روسی و راست گرای آمریکایی را می توان در آرای بسیاری مشاهده کرد: «سرمایه داری آمریکا محکوم به زوال است و نویسنده آمریکایی باید جانب زحمتکشان را بگیرد بی آن که به عضویت حزب کمونیست درآید. نویسنده باید بی اعتنا به فلسفه و تجویزات حزب، آنچه را خود احساس می کند بنویسد. (والتر) ویتمن از همه شاعرهای اتحاد جماهیر شوروی انقلابی تر است، و نوشته های خوب در هر نظامی، نوشته ای خوب است...»

وی این سبک خوب نگارش را در رمان سه جلدی «ینگه دنیا» نیز به خوبی نشان می دهد. این سه رمان به هم پیوسته که مدار ۴۲، ۱۹۱۹ و پول کلان نام دارند، در عین استقلال به یکدیگر پیوسته اند. دوس پاسوس در مورد چگونگی پیدایی این رمان می گوید: «هنگامی که جنگ جهانی اول در گرفت من در سال دوم دانشگاه هاوارد درس می خواندم. دلم می خواست جنگ را ببینم، هرچند آن جنگ را فعالیت ناپسندی برای بشر می دانستم. مثل چارلی

این نوع موسیقی خوشت نیاید» می گوید که چادر انتخاب اوست و حتی اگر آنها هم بخواهند، آن را از سرش بر نمی دارد. جنبه دوم حضور لیلا، همان نقشی است که در داستان ایفا می کند. شما به نثران توجه ویژه داشته اید به ویژه این که دیالوگ های آن را به دقت نوشته اید. این دیالوگ ها را چگونه نوشتید؟

من هنگام نوشتن داستان، می نویسم و پیش می روم آنقدر که بتوانم منظورم را برسانم و پس از آن برمی گردم و ویرایش می کنم. دیالوگ های شما به لحن جوان های امروزی بسیار نزدیک است.

خیلی سعی کرده ام این گونه باشد. اول داستان را می نویسم و به بن مایه شخصیت هایم می پردازم، این که فلان شخصیت چگونه لباس می پوشد، چگونه فکر می کند، چگونه با مسائل برخورد می کند آرمان هایش چیست، ویژگی های فیزیکی اش چگونه است و... بعد برمی گردم و هنگام ویرایش، به مسائلی همچون دیالوگ هایم می پردازم. قبل از این، البته رفته ام و با آدم های مشابه این شخصیت ها در جامعه حرف زده ام و زندگی کرده ام. با وجود این یک بار دیگر می روم تا با آنها روبه رو شوم، چراکه می خواهم آن تکیه کلام ها را در بیاورم. نکته ای که ما باید به دقت به آن توجه کنیم، نحوه حرف زدن جوان هاست. ما نمی توانیم جوانان را وادار کنیم که این گونه حرف زنند. آنها در مکان های رسمی، این نوع حرف زدن خود را به کار نمی برند. اما این نوع حرف زدن، نوعی از شخصیت آنهاست. نوعی از برخورد است که زمان و مکان مسبب آن بوده است. ویژگی این نسل است و اصلاً کسی نمی تواند بگوید که این خصوصیت هابدهستند. کاریک داستان نویس هم این است که این خصوصیت ها و ویژگی ها را به خوبی منتقل کند و تا زمانی که شناختی نسبت به این موضوع نداشته باشد نمی تواند آنها را به خوبی بازتاب دهد.

در مورد مادر نیما حرف بزنیم. او حضور کمرنگی در داستان دارد. علت چیست؟

به نظر شما حضور بیشتر او ضروری بود؟ او همسر رزمنده ای است و شوهرش با سرهنگ رابطه بسیار نزدیکی داشته. نا آشنا بودن سرهنگ و مادر نیما شاید خواننده را متعجب کند که چطور همسر دوست صمیمی یک نفر، او را نمی شناسد. از یک جهت فرمایش شما درست است. اما از جهت دیگر ما افراد بسیاری را داشته ایم که رفیق منطقه ای و جبهه ای بوده اند، ولی لزوماً با افراد خانواده هم آشنا نشده اند. ضمن این که یادمان باشد شهید روح الامینی هر جایی که می رفته تا آن که شناخته می شده، فرار می کرده. او نمی خواسته کسی او را بشناسد. او می خواسته در گمنامی زندگی کند، بجنگد و فداکاری کند...

شخصیت جالبی دارد. شب ها به طور پنهانی جوواب بچه ها را می شوید...

بله. ما شخصیت هایی از این دست در جبهه کم نداشته ایم. اما دلیل آن که مادر کمتر در این رمان دیده شده، آن است که نیاز چندانی به این مسئله ندیده ام و از طرفی می خواستم که هنگام حضور، بسیار پررنگ و موثر ظاهر شود. یعنی به لحاظ کمی ممکن است کم در داستان حضور داشته باشد، اما به لحاظ کیفی حضورش موثر است.

و آخرین سوال. داستان شما پایانی اخلاق گرایانه دارد، اما شروعش چندان مطابق عرف جامعه نیست. کمی در این مورد بگویید.

اول از همه انتظار من از خوانندگان این است که داستان را تا پایان بخوانند. دوم آن که ما باید این نکته را بپذیریم که برای حرف زدن برای نسل جوان، باید به زبان خودشان حرف زد، من به همین دلیل سعی کردم شروع داستان با این جوان ها، این فضا و این ترانه ها همراه باشد. من خواسته ام نشان بدهم که حتی این آدم ها، اگر با واقعیت روبه رو شوند، جذب آن می شوند. و دیالوگ برقراری شود و وقتی باورپذیری و اعتماد شکل می گیرد، این افراد هم آن را می پذیرند.



علی نصرتی

«دانشنامه ادب فارسی» مجموعه‌ای پانزده جلدی در قطع رحلی است که جلد نهم آن با عنوان «ادب فارسی در جهان عرب» در هزار و شصت صفحه طی روزهای آینده از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه خواهد شد. جلد هشتم این مجموعه نیز تحت عنوان «ادب فارسی در آناطولی و بالکان» چندی پیش به بازار آمده بود. این مجموعه توسط گروهی از صاحبزنان و اهل قلم با سرپرستی حسن انوشه تالیف و تدوین می‌شود. حسن انوشه متولد ۱۳۲۳ بابل است و در زمینه مطالعات ایرانی و تاریخ ایران بیش از پانزده عنوان کتاب ترجمه و منتشر کرده است؛ آثاری مانند «ایران و تمدن اسلامی»، «ایران در سبیده‌دم تاریخ»، «تاریخ غزنویان»، «تاریخ سیستان»، «چهار جلد «تاریخ ایران» چاپ کمبریج و... وی علاوه بر تالیف در ویرایش ده‌ها کتاب و مجموعه دیگر نیز مشارکت داشته که «دایرةالمعارف تشیع» از آن جمله‌اند. وی و همکاران او هم‌اکنون در تدارک جلد یازدهم دانشنامه ادب فارسی تحت عنوان «ادب فارسی در مرزهای کنونی ایران» هستند که در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

با دکتر حسن انوشه به انگیزه تدارک جلد یازدهم دانشنامه ادب فارسی

قند پارسی در مرزهای کنونی

ما خارج از محدوده تاریخی، صرفاً با زبان فارسی کار داریم. چه زبان فارسی چه زبان دری و چه زبان تاجیکی یعنی ادب فارسی از ابتدای طلوع شعر فارسی تا امروز در این مجموعه مورد توجه ماست. مادر حقیقت بافارسی باستان و فارسی عهدساسانیان و اشکانیان و هخامنشیان کاری نداریم. حتی فارسی میانه و فارسی اوستایی هم مد نظر ما نیستند.

از تحقیقات آکادمی علوم هم استفاده کرده‌اید؟

واقعیت این است که دانشنامه ادب فارسی آنقدر توانایی ندارد که بتواند دست به چنین کارهایی بزند. یعنی لازم است یک نفر به آکادمی علوم اعزام شود، تحقیق کند و نتیجه تحقیقات را در اختیار این گروه قرار دهد که ما چنین امکاناتی نداریم. غیر از این، من فکر می‌کنم این هم نوعی تشریفات است. اصل قضیه این است که وقتی می‌شود همه این اطلاعات را از یک کتاب دوست صفحه‌ای گرفت، نیازی به مسافرت و حضور در آکادمی علوم نیست.

در این مجلداتی که منتشر شده، آیا راجع به ادبیات فارسی در اسپانیا هم کار کرده‌اید؟

ما این موضوع را گذاشتیم برای دانشنامه‌ای که قرار است تحت عنوان «فارسی پژوهان و مراکز فارسی پژوهی جهان» منتشر شود.

در مورد «دانشنامه ادب فارسی» حرفی هست که نگفته باشید؟

این دانشنامه در حوزه ادب فارسی اولین کتابی است که در این زمینه چاپ می‌شود. البته امیدوارم در آینده آثار بهتر و بیشتری منتشر شوند اما توقع ما این است که استادان زبان فارسی در هر منطقه‌ای که هستند کارنامه فرهنگی خودشان را برای ما ارسال کنند.

تاکنون چه انتقاداتی بر این مجموعه وارد شده و شما مقدر به این انتقادات عمل کرده‌اید؟

انتقاداتی از کشور پاکستان و هندوستان نسبت به دانشنامه ادب فارسی بوده که من آنها را دیده‌ام. حتی در افغانستان هم انتقاداتی بوده است. انتقادات عموماً بسیار سازنده و بسیار راهگشا بوده‌اند که ما از همه آنها استفاده کرده‌ایم. در ایران هم کسانی مثل بهاء‌الدین خرمشاهی و... بوده‌اند.

در این مجموعه آیا به نسخه‌های خطی هم پرداخته‌اید؟

بله. اگر کتاب مهمی در بین نسخه‌های خطی وجود داشته که هنوز چاپ نشده است، حتماً آن را معرفی کرده‌ایم و نوشته‌ایم که نسخه‌های خطی آن اثر در کدام کشورها و در کدام کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود و چند نسخه خطی از این اثر وجود دارد، تاریخ مکتوب شدن آن چه زمان است، چند نسخه از آن تاکنون پیدا شده و با چه شماره‌ای در کدام کتابخانه ثبت و ضبط شده است.

بازتاب این مجموعه در دانشگاه‌ها و دیگر کشورها چگونه بوده است؟

در دانشگاه‌های ایران فراوان از آن استفاده می‌کنند و استادانی هستند که دانشجویان را به این مجموعه ارجاع می‌دهند. گاهی استادان زبان فارسی در دانشگاه‌ها در ملاقات‌هایی که دست می‌دهد از من بابت چاپ این مجموعه تشکر و قدردانی می‌کنند.



به محققان و مولفان سفارش مقاله و مطلب می‌دادیم. دانشنامه ادب فارسی به چه بخش‌هایی می‌پردازد؟ مادر هر مجلد بخش‌های مختلفی را تحت پوشش قرار دادیم. مثلاً در مجلد «ادب فارسی در آسیای میانه» شاعران، نویسندگان و کتاب‌های این منطقه را معرفی می‌کنیم. البته کتاب‌های مهم و کتاب‌های مهمی که نقطه عطفی در ادبیات آن کشور محسوب می‌شوند را مد نظر و روزنامه‌ها و مجلات ادبی را مورد توجه قرار دادیم.

در چاپ جدید، این دانشنامه را روزآمد می‌کنید؟
در همه جای دنیا دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها و آثار مرجع را هر چند سال یک بار با تجدیدنظر کلی چاپ می‌کنند تا مطالب آن روزآمد باشد و قابل استفاده. ما هم همین کار را می‌کنیم چنان که جلد «ادب فارسی در آسیای میانه» که قبلاً در چاپ اول ۱۰۵۰ صفحه بود در چاپ جدید به ۱۲۵۰ صفحه افزایش یافت یعنی دوست صفحه تغییرات در این مجلد صورت گرفته است.

در بازنگری‌ها چهره‌های جدیدی هم وارد می‌شوند و به جمع نویسندگان شما اضافه می‌شوند؟

بله. چهره‌های جدیدی که شناسایی شده‌اند یا اعلام همکاری کرده‌اند در این مرحله به جمع ما می‌پیوندند. یعنی هنگام تجدیدنظر در هر یک از مجلدات دانشنامه کسانی کار می‌کنند که در چاپ‌های قبلی حضور نداشتند و ما هم هیچ شناختی از توانایی آنها نداشتیم.

هر مجلد از این دانشنامه چه رشته‌هایی از ادب فارسی را پوشش می‌دهد؟

نمایشنامه، فیلمنامه، شعر، داستان، روزنامه‌ها، مجلات ادبی از جمله حوزه‌هایی هستند که در این دانشنامه به آنها پرداخته می‌شود. ما حتی یک جلد از این مجموعه را قرار است به «فارسی پژوهان و مراکز فارسی پژوهی جهان» اختصاص دهیم. در آینده نیز مراکز فارسی پژوهی در سایر کشورها می‌پردازیم.

این دانشنامه چه محدوده تاریخی را دربرمی‌گیرد؟ یعنی از چه تاریخی آغاز شده و تا چه تاریخی ادامه دارد؟



بودند که در تالیف این مجموعه مشارکت داشتند. با چه ملاک و معیاری مطالب را بررسی و ارزیابی می‌کردید و از کجا معلوم می‌شد کسی که مدخل شعر یا داستان کشوری را می‌نوشت یک نفر دیگر بهتر از او نتواند این کار را بکند؟

من به عنوان سرپرست مجموعه، مقالات رسیده را می‌خوانم. از افغانستان مثلاً چندین نفر با ما همکاری داشتند؛ کسانی که خودشان در زمینه ادبیات افغانستان صاحب رأی و نظرند، کارشناس ادبیات این کشورند. شما اگر مجلدی که به «ادب فارسی در افغانستان» اختصاص دارد، خوانده باشید، می‌بینید پنج-شش نفر از کسانی که در این مجلد با ما همکاری داشتند، افغانی بودند. اینها کسانی بودند که ادبیات سرزمین افغانستان را خوب می‌شناختند و در این حوزه صاحب‌نظر بودند. در واقع بعد از این که این مقالات مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت ارزشیابی شد، ما آنها را وارد دانشنامه و در حوزه ادبیات آن کشور چاپ کردیم.

افرادی که با شما همکاری داشتند، بنا به ضرورت هر مجلد از این دانشنامه از کشورهای مختلف انتخاب شده‌اند. آیا این افراد در ایران سکونت دارند یا در کشور خودشان زندگی می‌کنند؟

این افراد در کشورهای مختلفی مقیم هستند. برخی در ایران سکونت دارند و برخی در آلمان، استرالیا، افغانستان و پاکستان به سر می‌برند که ما برحسب نیاز و بدون توجه به محل سکونت افراد،

ما خارج از محدوده تاریخی، صرفاً با زبان فارسی کار داریم. چه زبان فارسی چه زبان دری و چه زبان تاجیکی یعنی ادب فارسی از ابتدای طلوع شعر فارسی تا امروز

آقای انوشه! مجموعه «دانشنامه ادب فارسی» چگونه شکل گرفت؟

تدوین «دانشنامه ادب فارسی» از سال ۱۳۷۲ شکل گرفت. هم‌اکنون معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از این طرح حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

چند نفر در این مجموعه کار کرده‌اند؟

ما ده نفریم که به طور ثابت در این مجموعه کار می‌کنیم و تعداد زیادی از محققان و پژوهشگران هم به شکل موردی با این مجموعه همکاری دارند. یعنی عده زیادی از افراد هستند که برای ما بنا به سفارش مقاله می‌نویسند و تحویل می‌دهند.

از بین ۹ جلد «دانشنامه ادب فارسی» کدام یک با اقبال بیشتری روبه‌رو شده‌اند؟ و چند بار تجدید چاپ شده‌اند؟

«ادب فارسی در افغانستان»، «فرهنگنامه» و «ادب فارسی در آسیای میانه» هر کدام دو بار چاپ شده‌اند. تجدید چاپ برخی از مجلدات «دانشنامه ادب فارسی» به خاطر استقبال کشورهای همسایه و فارسی‌زبانان این کشورها نبود؟

دقیقاً همین‌گونه است که می‌گویید. به خاطر این که مجلدات دانشنامه ادب فارسی خواهان فراوانی در بین مردم کشورهای همسایه دارد. در افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و هندوستان، حتی در ترکیه بسیاری از مردم با ما تماس می‌گیرند و از ما تشکر و قدردانی می‌کنند. به خصوص در ترکیه که جلد هشتم این مجموعه آماده شده و به «ادب فارسی در آسیای صغیر و بالکان» می‌پردازد، طی کمتر از سه ماه همه نسخه‌های آن تمام شد.

از هر جلد چند نسخه به این کشورها فرستاده می‌شود؟

من اطلاع دقیقی ندارم که چند نسخه به این کشورها فرستاده می‌شود. البته قرارداد مکتوبی در میان نیست، مثلاً طبق عرف چند نسخه از هر جلد کتاب پس از چاپ در اختیار من گذاشته می‌شود تا به برخی از مولفان که در تالیف آن مشارکت و همکاری داشته‌اند ارجاع بدهم. اما من تعدادی را به کشورهای همسایه می‌فرستم؛ به گرجستان، داغستان، آذربایجان و ترکیه. حتی به مصر هم فرستاده‌ام.

برای نوشتن هر جلد از دانشنامه که به یک کشور یا یک منطقه اختصاص دارد، ادیبان و صاحبزنان همان کشورها دعوت به همکاری می‌شوند؟

کم و بیش همین‌طور است. آن مواردی که تالیف آن نیاز به تخصصی ویژه داشته باشد، از متخصصان همان حوزه استفاده می‌کنیم. مثلاً برای تالیف «ادب فارسی در جهان عرب» از نویسندگان و ادیبان عرب استفاده می‌کنیم. برای نوشتن «ادب فارسی در قفقاز» از چهره‌های برجسته ادب قفقاز استفاده کردیم. مثلاً برای نوشتن این بخش از دانشنامه از سه تن از استادان زبان فارسی در منطقه قفقاز استفاده کردیم. نوری محمدزاده از داغستان، جمشید گیونائولی که قبلاً سفیر گرجستان در ایران بود، الکساندر چلوخادزه از گرجستان و... از جمله افرادی بودند که با ما همکاری داشتند البته از ارمنستان و آذربایجان هم چهره‌هایی



دکتر سیاوش میرشهبهانی از تازه ترین آثار خود می گوید

زندگی به روایت اعداد



سیاوش میرشهبهانی متولد ۱۳۲۱ تهران، دارای مدرک دکترا در رشته ریاضیات است و تاکنون آثار مختلفی در حوزه ریاضیات تالیف و یا ترجمه کرده که چاپ و منتشر شده‌اند. «حساب دیفرانسیل و انتگرال» جدیدترین کتاب او اخیراً از سوی انتشارات فاطمی چاپ و منتشر شده است. این کتاب حاصل سال‌ها تدریس و تحقیق او در فضای دانشگاهی است. علاوه بر کتاب مذکور، آثار دیگری از این استاد دانشگاه صنعتی شریف به بازار آمده که «توپولوژی از دیدگاه حساب دیفرانسیل»، «نظریه اعداد» با همکاری دکتر ممقانی و «ریاضیات مکعب روبیک» از آن جمله است.

آقای شهبهانی! در کارنامه شما آثار متعددی اعم از تالیف و ترجمه دیده می‌شود. این آثار در چه شرایطی فراهم آمد؟

من کتاب‌های زیادی تالیف نکرده‌ام. کتاب «حساب دیفرانسیل و انتگرال» من هم که چندی پیش از سوی انتشارات فاطمی منتشر شده محصول سالیان سال تدریس من است. البته غیر از این کتاب دو سه ترجمه و یک تالیف دیگر هم دارم که در واقع این کتاب‌ها جزو کارهای مهم نبوده‌اند. این کتاب‌ها عموماً برای تشویق دوستان دیگر بوده که خیلی تصادفی به تالیف یا ترجمه آنها پرداختم.

آن زمان که تب مکعب روبیک در جامعه پیدا شد، کتابی به نام «ریاضیات مکعب روبیک» تالیف کردم. کتاب‌هایی که من در این مدت منتشر کرده‌ام همین‌ها بود. در زمینه علوم پایه و رشته‌های مهندسی، علی‌الاصول کتاب به آن صورت نوشته نمی‌شود، آن اندازه که در حوزه علوم اجتماعی و علوم انسانی کتاب نوشته و منتشر می‌شود، کار تولید استادان و صاحب‌نظران بیشتر در زمینه‌های علوم تحقیقاتی است که به صورت‌های دیگری عرضه می‌شود.

اینترنت با ریاضی چه ارتباطی دارد؟ البته امروز همه علوم به شکلی با هم در ارتباط و تعامل هستند.

رابطه اینترنت با ریاضیات را در دو سطح می‌توان مطرح کرد و مورد ارزیابی قرارداد. یکی در این سطح که اینترنت به هر حال محصول کار یک رشته عملیات مهندسی است که مهندسی هم از ریاضیات استفاده می‌کند.

اما مسائل جدی‌تری هم در این حوزه وجود دارد که این مسائل جدی‌تر، مربوط به این می‌شود که ارتباطی که اینترنت برقرار می‌کند با روش ارتباطی که تلفن از آن بهره می‌گیرد از نظر ریاضی فرق دارد و ریاضیات اینترنت، هنوز آن‌طور که باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته است. البته مطالعاتی در این مورد صورت گرفته، اما هنوز موفقیت‌چندانی نبوده در درک سیستم کلی ارتباطات اینترنتی که کاملاً از نظر ریاضی مدل‌های متفاوتی از تلفن می‌طلبد. بنابراین یک بحث خیلی خوب ریاضی است، اما من درگیر این کار نبوده‌ام. درگیری من با اینترنت به خاطر این نبوده بلکه به خاطر موقعیت اداری بوده که در مرکز تحقیقات به عنوان قائم مقام داشتم.

یکی از مشکلاتی که در به کارگیری اینترنت وجود داشت، مشکل زبان فارسی بود. فکر می‌کنید الان این مشکل...

بینید، اولاً مشکلی در به کارگیری زبان فارسی وجود ندارد. شما الان می‌توانید هر چیزی را به فارسی تایپ کنید.

فعلی در دانشکده خودم را با استادان پیشین مقایسه می‌کنم، هیچ شکی ندارم که الان افراد صالح‌تر و باسوادتری مشغول تدریس هستند.

شما کتاب «حساب دیفرانسیل و انتگرال» را برای تدریس در دانشگاه‌ها تالیف کرده‌اید یا کاربرد عمومی دارد؟

واقعیت این است که جریان شکل‌گیری تالیف این کتاب از تدریس در کلاس درس دانشگاه شروع شد. از این که درس حساب دیفرانسیل و انتگرال را که بسیاری از دانشجویان سال اول ریاضی و رشته‌های علوم پایه می‌گیرند یا دانشجویان رشته مهندسی و اقتصاد و همه رشته‌ها باید این واحد درسی را بگذرانند. یکی از شیرین‌ترین خاطرات من در دوران تدریس در دانشگاه همین تدریس دانشجویان سال اول است؛ دانشجوئیانی که تازه از دبیرستان پا به دانشگاه گذاشته‌اند. من چندین بار این درس را برای دانشجویان سال اول تدریس کردم که تجربه بسیار شیرین و منحصر به فردی بود. تجربه‌ای که من پیدا کردم مرا به سمت تالیف کتابی مبتنی بر درس‌هایی که می‌دادم سوق داد.

در این زمینه کتاب‌های دیگری هم در بازار هست یا شما مباحث و نظریه‌های تازه‌ای را مطرح کرده‌اید؟

کتاب در این زمینه زیاد است، کتاب‌هایی که در این زمینه عمدتاً طی بیست سال اخیر مورد استفاده قرار می‌گرفت، کتاب‌های ترجمه بود، کتاب‌های تالیفی بسیار معدود و کم بود. اکثر کتاب‌های تالیفی که داشتیم خیلی متأثر از کتاب‌های ترجمه بودند. البته کتاب‌های تالیفی جدی هم داشتیم که واقعاً حاصل تحقیق و پژوهش و زحمات استادان ایرانی بود بدون آن که به آثار مشابه خارجی نظر داشته باشند که من سعی کردم در این زمینه کتابی بنویسم متناسب با زمینه تحصیلی دانشجویان ایرانی باشد.

کتاب «نظریه اعداد» را که با همکاری دکتر ممقانی منتشر کرده‌اید، به چه مباحثی می‌پردازد؟

واقعیت این است که بخش عمده‌ای از زحمات ترجمه این کتاب را دکتر ممقانی کشیده‌اند. یکی از ریاضیدانان معروف و بزرگ قرن بیستم به نام آندره ویل بود که زمانی در کلاس درس دانشگاه درس کوتاهی داده بود درباره نظریه مقدماتی اعداد که در واقع مدل بسیار عالی ارائه می‌داد که چگونه باید این درس را تدریس کرد. در واقع موضوع مباحث آن پیوند بین چیزهای کلاسیک و مدرن بود. درس‌های این ریاضیدان در حقیقت گم شده بود تا یک نفر نت برداری‌های کلاس درس ایشان را پیدا کرد و آن را منتشر کرد. به خاطر ارزشی که نویسنده این کتاب در میان ریاضیدانان داشت و ذوق و سلیقه‌ای که در تدوین و تالیف آن به کار رفته بود، تصمیم گرفتیم آن را به فارسی ترجمه و منتشر کنیم تا مورد استفاده دانشجویان و استادان ریاضی قرار گیرد. مخاطبان این کتاب کم‌حجم عمدتاً دانشجویان دانشگاه‌ها هستند.

کتاب «ریاضیات مکعب روبیک» در چه شرایطی منتشر شد؟

این کتاب در واقع در ایام تعطیلی دانشگاه‌ها، در دوره انقلاب فرهنگی ترجمه و منتشر شد. اگر یادتان باشد در آن مقطع ناگهان موضوع مکعب روبیک در جامعه راه افتاد و سر‌و صدایی بین دانشجویان ایجاد کرد. مکعب روبیک، جنبه‌های متنوع و جالبی در ریاضیات دارد که من چند نکته کوچک در حل آن نوشتم و در واقع چند نکته جالب ریاضی که در آن نهفته را روشن کردم و توضیح دادم.

عمدتاً مشکلی که در این زمینه وجود داشت، مشکل نشانی بود. یعنی شما نشانی‌ها را که می‌نویسد مثلاً در آخر نشانی R یا com: تمام این نشانی‌ها به لاتین بود. کوششی که در چند سال اخیر شده این است که امکانی فراهم شود که آدرس دهی هم به خط‌های محلی انجام شود. در این زمینه اخیراً پیشرفت خیلی خوبی داشتیم و نوید این را می‌دهد که تا آخر سال ۲۰۰۷ میلادی تعدادی از زبان‌ها و در واقع در تعدادی از کشورها از جمله در ایران دامنه اینترنت به خط محلی هم قابل دسترسی باشد.

الان مشکلات فراوانی در این حوزه وجود دارد. شما به عنوان یک کارشناس چیست؟

ما الان مهم‌ترین مسئله‌ای که داریم، این است که اکثر مردم در ایران از ویندوز استفاده می‌کنند و ویندوز هم تا نسخه‌های اخیرش زبان فارسی را پشتیبانی نمی‌کرد. ولی مشکلات کوچک قابل حل است. ما یک مسئله اصلی و یک مشکل اساسی داریم و آن این است که در کشور ما هنوز تجارت الکترونیک شکل نگرفته است. برای این که توسعه بیشتر اینترنت را در سراسر کشور ببینیم، باید تجارت الکترونیک را در کشور ترویج کنیم و گسترش بدهیم.

عده‌ای معتقدند که نسل جدید در مقایسه با نسل گذشته در عرصه ریاضیات به لحاظ درک و دریافت ضعیف‌تر شده است. شما چه نظری دارید؟

من نمی‌توانم این نظر را قبول کنم. چون من مرتباً با دانشجویان مختلف در کلاس‌های دانشگاهی سروکار داشتم. هم برای نسل دیروز تدریس کردم هم برای نسل امروز تدریس می‌کنم. به خصوص دانشجویانی که تازه از دبیرستان‌ها پا به عرصه دانشگاه



خاطره نویسی از نگاه علم

گامی در راه علمی شدن خاطره نویسی / محمد قاسم فروغی جهرمی / انتشارات صریر / ۱۳۸۶. هرچه از دوران دفاع مقدس ملت ایران می گذرد، نیاز به ثبت و ضبط خاطرات آن سالها بیشتر احساس می شود؛ خاطراتی که بی تردید بر غنای فرهنگی این مرز و بوم خواهد افزود و هویت تاریخی این دیار را برجسته تر خواهد کرد. تاکنون صدها کتاب با مضمون خاطرات دفاع مقدس به چاپ رسیده است و هر ساله به طور میانگین ۱۵۰ کتاب بر حجم آثار قبلی افزوده می شود. در این بین آنچه نگران کننده است، فقدان یک رویکرد علمی و تخصصی است که بتواند قواره و ساختار فنی خاطره نویسی را مشخص و ارزش علمی آن را افزایش دهد. خاطره نگاری دفاع مقدس از یک سو، گونه ای است که علاوه بر محتوای قابل قبول، باید با سود بردن از آرایه های ادبی، قالبی زیبا و لطیف داشته باشد، اما از طرفی سری در تاریخ نویسی و دنیای اسناد دارد. خاطره نویسی در این حوزه، یک نوع تاریخ نویسی مشخصی است. از آنجا که خاطرات را اغلب کسانی می نویسند که خود در میدان نبرد حضور داشته اند، این خاطرات را می توان به عنوان متقن ترین اسناد دفاع مقدس به حساب آورد.

نیاز به تعریف مشخص، جامع و مانع و قاعده مند نگارش خاطرات و ارائه طریق روشمند برای انتشار خاطرات و تعیین جایگاه واقعی خاطره نویسی در دو حوزه تاریخ و ادبیات از جمله مسائلی است که می تواند با رویکردی تخصصی مورد بحث و بررسی دقیق قرار گیرد. نخستین همایش علمی خاطره نویسی دفاع مقدس به منظور دستیابی به اهداف فوق و ارتقای سطح کیفی خاطره نویسی شکل گرفت و علاوه بر فراخوان عمومی به گروهی از استادان و متخصصان امر نیز برای نوشتن مقاله سفارش داده شد.

کتاب «گامی در راه علمی شدن خاطره نویسی» حاصل برگزاری اولین همایش علمی خاطره نویسی در مهرماه سال ۸۳ و دربرگیرنده ۹ مقاله برگزیده این همایش است که چندی پیش به همت انتشارات صریر چاپ و منتشر شده است.

محمدحسین مردانی نوکنده در مقاله خود تحت عنوان «ضرورت مکتوب کردن خاطرات دفاع مقدس و راهکارها» می نویسد: «می توان گفت من راوی و خاطره نویس جنگ، برخلاف ساختار واقعی خاطرات، بروز آشکار ندارد بلکه در سیرت و سیمای جمع و «ما»ی رزمندگان دیده می شود و نویسنده وقتی به شرح حال دیگران می پردازد، گاه و بی گاه از خود یاد می کند. لازم است که در این زمینه کارهای فرهنگی صورت گیرد که رزمندگان دفاع مقدس به راحتی بتوانند از خود بگویند و این را به حساب ریا و خودنمایی نهند.»

«دو فرمانده» عنوان مقاله دیگری است که دکتر عمادالدین فیاضی در آن کوشیده است زندگی، عملکرد و خاطرات شهید سرلشکر حسن باقری را با یکی از بزرگترین فرماندهان جنگ جهانی دوم، یعنی «فیلد مارشال مونتهگمری» مقایسه کند. او دلیل این انتخاب را شباهت مونتهگمری با شهید باقری عنوان کرده و معتقد است: «بررسی تفاوت های این دو فرمانده ما را به عظمت و استثنایی بودن شخصیت فرمانده بی نظیر ایران بیشتر واقف می سازد.» او برای این مقایسه از خاطرات آنها نیز بهره برده است.



سردار دریابان از «ظهور و سقوط صدام» می گوید

دیکتاتور زیر ذره بین



سردار نادر دریابان مدیر مرکز فرهنگی - پژوهشی دفاع مقدس و از رزمندگان دوران دفاع مقدس است. وی علاوه بر مسئولیت های مختلفی که در طول جنگ بر عهده داشته از کارهای پژوهشی، تحقیقاتی نیز غافل نشده است. دریابان از سال ۶۵ یک پروژه تحقیقاتی را به نام «مجموعه ظهور و سقوط صدام با حمایت آمریکا» آغاز کرده و هم اکنون نیز که آن را به ۶۵ جلد رسانده است، در حال اصلاح آن است. او پیش از این در زمینه های شهدای گمنام، تفحص و جست و جوی مفقودین، سقوط و فتح خرمشهر، بازسازی مناطق جنگی، جنایات شیمیایی دشمن و... پژوهش های زیادی انجام داده و در آنها نگاه های جدیدی را به دفاع مقدس تجربه کرده است. با دریابان هم کلام شده ایم و درباره مجموعه ظهور و سقوط صدام با وی گفت و گویی انجام داده ایم. این مجموعه در دو بخش، به قدرت رسیدن صدام تا جنگ تحمیلی و حمله به کویت تا سقوط وی و حوادث پس از اعدام او را بررسی می کند.

شما در این پژوهش به کدام جنبه های زندگی صدام پرداخته اید و چه نکاتی را مورد توجه قرار داده اید؟
این پژوهش در واقع ادامه کاری بود که از سطوح مختلف جنگ تحمیلی شروع شد که در آن راجع به تولد و شخصیت صدام، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق از دهه ۶۰ میلادی و پس از کودتای عبدالکریم قاسم و نیز شکل گیری عشیره صدام تحقیق شده و به بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عشیره صدام و خانواده او برای اولین بار اشاره شده است. همچنین روایت های متفاوتی که در مورد تولد وی وجود دارد، مطرح شده است. به ویژه مقطع نوجوانی صدام و روحیه خشن او مورد توجه قرار گرفته است که بنا به گفته خیلی از نزدیکان عشیره صدام - که ما از تکریت آن منابع را به دست آوردیم - صدام در زمانی که با دایی خود در بغداد زندگی می کرد در راه مدرسه حتی سگ ها را آزار می داده است. او در ایستگاه راه آهن منطقه تکریت دست فروشی می کرده اما از آنجایی که مجبور بوده درآمد خود را در اختیار خانواده قرار دهد، همیشه حسرت می خورده است.

این عقده ها، محرومیت و آزارهایی که صدام دیده بود باعث ورود او به عنوان یک گنگستر به جریان های سیاسی و شکل گیری یک ماشین ترور شد. با توجه به ناپایداری حکومت در عراق، صدام ابزار خوبی بود برای کسانی که قصد دخالت در صحنه سیاسی عراق را داشتند. این بود که از او به عنوان یکی از عوامل ترور عبدالکریم قاسم استفاده شد. در این تحقیق برای اولین بار اطلاعاتی از مصر به دست آمده است که نشان می دهد صدام ارتباط بسیار نزدیکی با سازمان اطلاعات ارتش مصر داشته است. پس از این که صدام از یک ترور ناموفق جان سالم به در برد و به مصر رفت، جذب این سازمان شد که در آنجا برخی عوامل ارتش مصر او را به جورج بوش پدر معرفی کردند. بوش در آن زمان مسئول منطقه خاور میانه در سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) بوده است.

از امتیازات این پژوهش این است که از نکات تاریک زندگی صدام از جمله همراهی وی با جورج بوش پدر و دیدارهایش با مستشاران و استراتژیست های نظامی مهم غربی زمان جنگ تحمیلی پرده برمی دارد. صدام در دو نوبت از این دیدارها با رامسفلد و یک

ژنرال نظامی فرانسه که از مشاوران ستاد مشترک ارتش فرانسه بوده است، ملاقات می کند و علاوه بر درخواست کمک و تجهیزات برای استفاده در جنگ علیه ایران، راهکارهای لازم را از آنان دریافت کرده است. ما در این راستا آماری از دیدارهای صدام ارائه کرده ایم و این که چرا وی در طول هشت سال جنگ از عراق بیرون نرفت، مگر تنها برای دو سفر ۱۰ ساعته به مراکش و عربستان.

در بخش های دیگری از این پژوهش گسترده به عوامل پنهانی مخالف صدام در ارتش عراق و نوع علایق و جنون های او اشاره شده است. همچنین به زن بارگی و خودبزرگ بینی وی، خلق و خوی ناپایدار او در اواخر حکومت و سقوط حکومت بعث و نحوه دستیابی آمریکایی ها به او نیز در قالب اسناد اشاره شده است. آسیب های فرهنگی و انسانی که صدام به منطقه و عراق تحمیل کرد، از دیگر زوایای پنهانی است که از آن یاد شده است. مثلاً در بخش فرهنگی صدمات صدام را به آثار باستانی و فرهنگی کشور عراق مورد تحقیق قرار داده ایم که با مشاهده آن می توان به بحرانی که بر این بخش از کشور - به عنوان کلکسیونری از منابع باستانی - تحمیل شده است، کاملاً پی برد.

از دیگر موارد قابل توجه در این پروژه، تلاش صدام برای از بین بردن پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی میان ایران و عراق است که از طرق مختلف از جمله با تغییر سمت و سوی کتب و منابع درسی در مقاطع مختلف تحصیلی عراق صورت می گرفت. ضمن این که ما به حمایت شدید صدام از عنصر پان عربیسم - که جمال عبدالناصر داعیه آن را داشت - نیز توجه کرده ایم.

آیا این مجموعه ۶۵ جلدی تنها دربرگیرنده اسناد نوشتاری است یا در آن از منابع و اسناد تصویری نیز بهره گرفته اید؟

البته ما در حاشیه این پژوهش بیش از ۴۰۰۰ عکس از صدام و صحنه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی عراق و نیز بیش از ۲۰۰۰ کاریکاتور از بزرگترین کاریکاتوریست های بزرگ جهان از تمام قاره هادر مورد حکومت صدام و نحوه سقوط، دستگیری، محاکمه و اعدام وی جمع آوری کرده ایم که کاریکاتورهای بسیار زیبایی است. همچنین بیش از ۳۰۰ حلقه فیلم و لوح فشرده گردآوری شده است که در مجموع بیش از ۲۷۰۰ ساعت است. در این فیلم ها تصویری از حضور

صدام و سخنان او علیه ایران، صحبت ها و موضع گیری های او درباره کویت و اشغال این کشور و نیز روزهای آخر حکومت، نحوه دستگیری و محاکمه وی به چشم می خورد.

با توجه به گستردگی حجم کار به نظر می رسد از زمان و نیروی زیادی برای انجام این پروژه بهره گرفته شده است.

اگر بخواهیم مدت جمع آوری منابع را در نظر بگیریم، این کار بیش از ۲۰ سال زمان برده است. از سال ۱۳۶۵ شروع و تا سال ۱۳۸۵ به اتمام رسیده است. در عین حال از بیش از ۴۰۰ منبع موثق موجود در این زمینه استفاده شده است. همچنین از ۱۰۰۰ سند از کشور عراق نیز بهره برداری کرده ایم و از منابع کرد، مخالفان عراق و کشورهای عربی به ویژه مصر و کویت نیز استفاده زیادی شده است.

آیا شما در جریان بیان وقایع، نظرات خود را ارائه کرده اید؟ به بیان دیگر آیا قضاوتی در این مجموعه صورت گرفته است؟

عمده دوستان اهل علم و پژوهشگری که این مجموعه را مشاهده کرده اند، ضمن این که بر متقن بودن آن تاکید می کنند، این اشکال را نیز مطرح می کنند که چرا من در مقام قضاوت ننشسته ام. اما من خودم در تاریخ نویسی و نگاه به بیوگرافی و شخصیت افراد، معتقد به این نیستم که نظرات خود را به خواننده تحمیل کنم. البته ما تجزیه و تحلیل این واقعیات را در پنج جلد به زودی آغاز خواهیم کرد و در این مرحله دست به قضاوت می زنیم که متمم و تکمیل کننده ۶۵ جلد پیشین خواهد بود.

این مجموعه چه زمانی چاپ و منتشر خواهد شد؟
سال گذشته یک نسخه از این مجموعه چاپ شد و در حال حاضر مشغول اصلاح آن هستیم. فکر می کنم اصلاحات نهایی، تحلیل و جمع بندی این مجموعه تا دو سال دیگر طول خواهد کشید و در مجموع به ۸۰ جلد خواهد رسید.

چرا ۸۰ جلد؟
زیرا علاوه بر ۶۵ جلد پژوهش و پنج عنوان تجزیه و تحلیل ۱۰ جلد دیگر خواهیم داشت که دربرگیرنده ضمامت، اسناد، عکس و... خواهد بود. ضمن این که به اعتقاد من عراق هنوز هم آستان حوادث بسیاری است و ما باید منتظر وقایع متفاوت دیگری در این کشور باشیم که به صدام ارتباط پیدا می کند که ما به آنها نیز خواهیم پرداخت.



نگاهی به کتاب «داستان گام به گام»

شگردهای نویسندگی حرفه‌ای



هر داستان نویسی در هر جای جهان، همچون هنرمندی خلاق و کارآمد غالباً در آغاز راه با نوعی خودانگیختگی متکی بر قریحه فطری و گرایش ذهنی و ذوقی با تاثیرپذیری طبیعی و فعال از آثار داستان نویسان برجسته بزرگ به نوشتن می پردازد. در این روند نویسنده نوجوان و جوان در انگیزشی غریزی و صرفاً ذوقی دست به نوشتن می زند و چه بسا که مدتی با سهولت و تحت قدرتی برآمده از شوق و تخیل خام شاعرانگی جوانی، داستان‌هایی تازه و خواندنی بنویسد. اما تجربه ثابت کرده است که «غریزی نوشتن» دوامی چندان و چنان که باید ندارد و با گذشت چند سال و به علت کاهش تخیل اولیه، داستان نویسی تازه کار به یک باره متوقف می شود و در بهترین حالت، هر چه تلاش می کند کاری از پیش نمی برد.

پرسش اساسی برای برون رفت از این حالت ایستایی، پاسخی روشن دارد؛ فراگیری صنعت و شگردهای به هم پیوسته و فنی داستان نویسی و تسلط یافتن بر کاربرد عنصرهای متعدد و مختلف که در مقوله مربوط به شکل و ساختار ادبی داستان کوتاه و رمان، نقش اساسی دارند.

حسین فتاحی در کتاب «داستان، گام به گام» که به تازگی از سوی انتشارات صریح بر چاپ رسیده، تلاش کرده است تا مجموعه‌ای از مباحث مربوط به فنون داستان نویسی و کاربرد هر عنصر داستانی را با پرهیز آگاهانه از هرگونه پیچیدگی مطرح سازد و آموزش را در وجهی کارگامی دنبال کند. ویژگی بارز و محوری این تالیف رویکرد مشخص به داستان‌ها و رمان‌های شاخص است که طی دو دهه گذشته حول موضوع‌ها و مضمون‌های جنگ و دفاع مقدس نوشته و منتشر شده‌اند. نویسنده از زبان هنری به عنوان زبان برتر یاد می کند و معتقد است که زمانی شخصی می تواند به بیان هنری برسد که سه شرط در او جمع باشد: «جوهره هنری شرط اول است، کسی که جوهره هنری در وجودش نباشد، هرچقدر هم که تلاش کند حاصل کارش کوششی است، نه جوششی و از هنر خالی خواهد بود. همان طور که می دانیم هنر را انتقال تجربه‌ها دانسته‌اند، پس شرط دوم تجربه است. منظور از تجربه همه آن چیزهایی است که نویسنده با پوست و گوش خود لمس کرده و با آنها دست و پنجه نرم کرده است.»

فتاحی در بخش دیگری از مقدمه از آموزش فنون نویسندگی و پیدا کردن مهارت در نوشتن به عنوان شرط سوم یاد می کند و بر این باور است که این مهارت با آشنایی خوب و فراگیری درست زبان فارسی و آموختن دانش نویسندگی و فراگیری اصول داستان نویسی میسر می شود.

نویسنده کتاب کوشیده است در هر فصل، اصلی از داستان نویسی را بیاورد و به چند و چون آن پردازد و نظر و نظریات اهل فن را با مثال‌هایی از داستان‌های موفق، در عمل نشان داده است. در کنار آن نیز با معرفی داستان‌های خوب و متناسب با آن مبحث، راه شناسایی و به کارگیری آن اصل را در داستان‌های دیگر نشان داده است تا خواننده خود در عمل تجربه کند و راز و رمز آن اصول را دریابد.

فتاحی پس از آن که در جریان یک گفت و گو با داستان نویسی تازه کار سعی کرده داستان را از غیرداستان متمایز سازد، به سراغ فصل دوم و پیرنگ داستان به عنوان یکی از اصول داستان نویسی رفته است. او طرح، پیرنگ، پلات، چارچوب، استخوان بندی و اسکلت داستان را تقریباً به یک معنا و ترکیب از رشته حوادث، ماجراها و رویدادهای داستان می داند و معتقد است: «این حوادث با یکدیگر

رابطه علت و معلولی دارند و هر حادثه از دل حادثه قبلی بیرون می آید. حوادث پیرنگ باید باعث شوند که شخصیت اصلی نسبت به آنها واکنش نشان دهد، یا این که شخصیت اصلی باید در پیدایش آن حوادث دخیل باشد و از این نظر بین پیرنگ و شخصیت اصلی رابطه متقابل وجود دارد و همین رابطه است که درگیری و کشمکش داستان را به نتیجه می رساند.

نویسنده پس از اشاره به نظریات ارسطو، ادوارد مورگان فوستر، یوجین ویل و... درباره پیرنگ از ویژگی یک پیرنگ خوب نام می برد: «اولین و مهم ترین ویژگی آن، این است که نویسنده با هوشمندی و زیرکی ترتیب حوادث داستان را مشخص کند به صورتی که کشش و جذابیت داستان بالا رود. ویژگی بعدی ساده و خطی نبودن داستان و به عبارتی پریچ و خم بودن آن است. ویژگی سوم طبیعی به نظر رسیدن وقایع و حوادث داستان و شاخصه آخر نیز این است که نویسنده با یک فعالیت جهت دار در پی تدارک پایانی معقول و منطقی برای داستانش باشد.» ساختمان داستان اصل دیگری است که فتاحی به آن اشاره کرده است و آن را متشکل از سه قسمت مقدمه، تنه و نتیجه دانسته است: «داستانی که به صورت هنرمندانه و فنی نوشته شده باشد، تفکیک و جداسازی این قسمت در آن مشکل است و به راحتی نمی توان این سه رکن اساسی را از هم جدا کرد. یک مقدمه خوب طوری بر جای خود می نشیند که بی آنکه خواننده متوجه شود، وارد تنه می شود و با آن پیوستگی اندام واره پیدا می کند. همین طور است پیوند تنه و نتیجه.»

او پس از آن که از تنه به عنوان قسمت اصلی و دربرگیرنده نود درصد حجم داستان یاد می کند، به صورت تفصیلی ویژگی‌ها و انواعی را که در داستان‌ها عامل کشمکش برمی شمارد.

فتاحی منظور از زاویه دید، دیدگاه یا جایگاه نویسنده را نسبت به روایت داستان، جایگاهی می داند که نویسنده از آن جایگاه و از آن زاویه به دنیای داستانی، به شخصیت‌ها و فضا و مکان می نگرد و داستان را برای ما روایت می کند و در ادامه به انواع مختلف زاویه دید اشاره می کند. او استفاده از زاویه دید «دانای کل نامحدود» را یکی از قدیمی ترین شیوه‌های روایت داستانی عنوان می کند که نویسنده در آن مثل فیلم سازی است که با چندین دوربین بر موقعیت‌های مختلف داستان اشراف دارد و از میان آن منظرها یکی را به کار می گیرد و بر اساس آن تصاویر ماجراها را می بیند و نقل می کند. اما در زاویه

دید «دانای کل محدود» برای نویسنده آن اشراف نامحدود وجود ندارد. او از «اول شخص یا من راوی»، «نمایشی»، «تک گویی درونی» و «شیوه نامه نگاری» به عنوان دیگر زوایای دید در داستان نویسی نام می برد و به انواع و مزایای آنها نیز گریزهایی می زند. نویسنده بر این باور است که شخصیت و پرداخت و نشان دادن آن در داستان، یکی از عناصر مهم داستان است، در حالی که داستان‌های قرن هجده و نوزده، پیرنگ داستان، حادثه‌ها و ماجراها اهمیت بیشتری داشت، اما با گذشت زمان اهمیت حادثه‌ها کم رنگ شد و شخصیت نقش بیشتری به عهده گرفت، تا جایی که اکنون بسیاری از داستان‌ها صرفاً داستان شخصیت است و نقطه اوج داستان مهیج، نه قتل، نه پیروزی قهرمان در میدان جنگ و نه... بلکه تحول و تکوین یک شخصیت است.

نویسنده در فصل بعدی، روایت یا پرداخت داستان را عنصر دیگر داستان عنوان و آن را به دو دسته تقسیم بندی می کند، روایت گذرای کلی نگر و روایت ریزبین یا جزئی نگر. او معتقد است: «مجموع جمله‌ها و عباراتی که برای روایت یک داستان نوشته می شود، مثل پازل‌ها یا ابزارهایی هستند که نویسنده به وسیله آنها، کار نوشتن را انجام می دهد.»

به اعتقاد فتاحی در پرداخت داستان از سه ابزار توصیف، صحنه و تلخیص استفاده می شود که استفاده از آنها، یعنی تبدیل روایت به کلمات، عبارات و جمله که همان نثر داستانی است. او اضافه می کند: «داستان با کمک نثر داستانی، سعی می کند خواننده‌اش را به فضای داستان بکشاند و با توصیفی که از محیط و آدم‌ها و اشیای می دهد، او را در محیط و فضای داستان قرار دهد تا خود فضا را ببیند و محیط را لمس کند و شخصیت داستان را مشاهده کند.»

او در توضیح «لحن» به عنوان آخرین عنصر داستان، آن را حضور نیافتن مستقیم نویسنده از نثر معرفی می کند که با اختیار کردن لحنی مناسب با فضا، موقعیت و شخصیت و موضوع داستان، به نثری تصویری دست یابد. از دیدگاه فتاحی وجود لحن در نثر داستان موجب انتقال عینی حس مورد نظر نویسنده به خواننده می شود اما متأسفانه چون بسیاری از نویسندگان نمی توانند لحن مناسب را در نثرشان ایجاد کنند، خود وارد داستان می شوند و به کمک خواننده می آیند. نویسنده در پایان کتاب نیز به توضیح ابعاد مختلف «زندگی نامه داستانی» و «رمان خاطره» پرداخته است.

نقشه عرش زمین

همزمان با حرکت راهبان نور برای بازدید از مناطق جنگی جنوب کشور، کتاب 'راهنمای زیارت کربلای ایران' منتشر شد.

این کتاب که در قطع خشتی منتشر شده است، حاوی مطالب متنوعی از ابعاد مختلف دفاع مقدس و مناطق عملیاتی است. کتاب علاوه بر ارائه خاطرات و عکس‌هایی از فرماندهان و رزمندگان دوران دفاع مقدس، به معرفی مناطق عملیاتی دوکوهه، شلمچه، فتح المبین، شرفانی، هویزه، مرصاد، اروند کنار، فکه، طلائی و نقشه مناطق عملیاتی استان خوزستان پرداخته است.

این کتاب که در ۸۰۰ هزار نسخه و توسط شبکه فرهنگی امتداد - وابسته به ستاد مرکزی راهبان نور - به چاپ رسیده است، به هر یک از زائران مناطق جنگی جنوب کشور، یک نسخه اهدا شد.

در انتهای کتاب از خوانندگان خواسته شده است که در صورت علاقه مندی به حوزه دفاع مقدس و فعالیت‌های فرهنگی این عرصه با ارائه مشخصات خود به پایگاه‌های مستقر در مناطق عملیاتی یا مراکز شهری ارتباط خود را با ستاد راهبان نور حفظ کنند و مشترک دائمی محصولات فرهنگی این ستاد در طول سال شوند.

در همین حال نرم افزار چند رسانه‌ای 'پلاک' توسط ستاد مرکزی راهبان نور تهیه و منتشر شد. این نرم افزار حاوی مطالبی چون؛ صوت‌ها و نماهنگ‌های دفاع مقدس، نسخه الکترونیکی نشریات امتداد، امکانات چند رسانه‌ای تلفن همراه اعم از صدا و تصویر، عکس، تصاویر، اشعار و روایت‌هایی از هشت سال دفاع مقدس، معرفی کتاب، نقشه مناطق عملیاتی، آموزش خاطره نویسی و... است که در شمارگان وسیع و درمبادی ورودی مناطق عملیاتی استان خوزستان از طریق شبکه سراسری توزیع محصولات فرهنگی ستاد مرکزی راهبان نور در اختیار کاروان‌های زیارتی قرار می گیرد. سایر علاقه مندان نیز برای تهیه این نرم افزار می توانند با تلفن ۰۲۱-۶۴۰۷۹ تماس گرفته و یا به شماره ۳۰۰۰۱۵ پیامک ارسال کنند.

اعزام کاروان‌های راهبان نور به شکل مردمی و سازمان یافته از دهه فجر آغاز شد و تا ۱۵ فروردین ماه ادامه داشت که در مجموع بیش از یک میلیون نفر از اقشار مختلف مردم به شکل خود جوش از مناطق مختلف عملیاتی و یادمان‌های دوران دفاع مقدس بازدید کردند.

اهدای بسته‌های فرهنگی که معرفی کننده مناطق یادمانی است، لوح فشرده جامع عملیات‌های بزرگ دفاع مقدس، کتاب‌های مختلف، مسابقات کتابخوانی در میان کاروان‌ها، توزیع و نمایش فیلم‌های مستند و توزیع هدایای فرهنگی بخشی از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی است که با هماهنگی و تلاش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و ستاد مرکزی راهبان نور صورت می گیرد.

برگزاری نمایشگاه متمرکز به همت ارتش و سپاه، توزیع کتابچه‌های تصویری، تهیه و عرضه نماهنگ‌های دفاع مقدس، پخش فیلم مستند عملیات‌ها در یادمان‌ها، گردآوری خاطرات رزمندگان، راه اندازی سایت تخصصی راویان، تشکیل ستاد خبری و پایگاه اطلاع رسانی در تهران و خوزستان و اعزام کاروان خبرنگاران به مناطق عملیاتی از جمله برنامه‌های فرهنگی دیگری است که در این ایام صورت گرفت.



یادداشت

فرید برای سده

کار سخت

مشاوره از جمله رشته‌های خدمات یاورانه و یکی از گرایش‌های تخصصی روان‌شناسی علمی است که در سال‌های اخیر با توجه به جمیع شرایط اجتماعی و فرهنگی در کشور ما، مورد اقبال قرار گرفته است. هرچند این رشته تخصصی در قیاس با نیاز اجتماعی همچنان در دوران نوزادی و حتی جنینی خود به سر می‌برد، اما با نگاه به فرایند رشد آن در دو دهه اخیر؛ افق فراوی آن در کشور وسیع و روشن است.

شوق و انگیزه ورود به رشته مذکور از یک سو و رضایت خاطر حاصل از کمک و یآوری در حل مسائل و مشکلات شخصی و بین فردی دیگران از دیگر سو و نیز جنبه‌های کاربردی آن، این رشته را به رشته‌ای پرجاذبه و پرمطرفار در بین مشتاقان فراگیری تحصیلات عالی تبدیل ساخته است. از همین روست که در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که دارای رشته‌های علوم انسانی هستند این رشته هم وجود دارد. رشته مشاوره از آنجا که با شرایط اجتماعی عجیب شده است باید استادان و دانشجویانش به منابع و کتاب‌های علمی روزآمد و جدید دسترسی داشته باشند تا بتوانند برای مقابله با مشکلات نوپدید بین فردی و شخصی هم به لحاظ نظری و هم عملی آمادگی داشته باشند. این ضرورت موجب شده تا طیفی از کتاب‌های مختلف از نوشته‌هایی که به جرئت می‌توان آنها را جزوه‌ها و سیاه‌مشق‌های ابتدایی دانست تا متون کاملاً تخصصی در بازار کتاب‌های مشاوره تولید شود.

کتاب زمینه مشاوره و راهنمایی نیز صرفاً به شکلی گذرا به مباحث نظری پرداخته است. به بیان دیگر این کتاب زمینه‌های آشنایی با مشاوره و حوزه‌های مختلف آن را فراهم می‌سازد و توصیفی از گرایش‌ها و انواع خدمات آن به دست می‌دهد. کتاب ۱۵ فصل دارد باضمایمی که خود می‌تواند فصلی یا فصولی باشند. بخشی از این ضمایم برای دانشجویان و دست‌اندرکاران مشاوره در ایران از می‌توانند جالب و در نوع خود پرثمر باشند که از جمله آنها می‌توان به نظام‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اخلاقی و استانداردهای ارائه خدمات اشاره کرد. چه خوب بود اگر مترجمان به ویژه خود ویراستار که از گذشته در انجمن‌های تخصصی مشاوره کشور دست‌اندرکار بوده و هستند؛ نظام‌نامه‌ها و استانداردهای مربوطه در ایران را - که تا آنجا که نویسنده مطلع است مدت‌ها پیش روی آن کار می‌شد و احتمالاً در حال حاضر هم در سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور این استانداردها و نظام‌نامه اخلاقی وجود دارد - در پایان کتاب می‌آوردند یا ای کاش در آغاز یا انتهای کتاب اشاره‌هایی - هرچند حداقل - به سابقه مشاوره و راهنمایی در ایران می‌کردند تا کتاب رنگ و بویی ایرانی بگیرد. اگر کتاب قصد دارد همان کاری را در مشاوره بکند که در مورد روان‌شناسی، کتاب زمینه روان‌شناسی هیلگارد به ترجمه مرحوم دکتر برهانی و همکارانش کرد و همین انتشارات رشد انتشارش را نصیب خود کرد، پس این انتظار چندانی زیادی از عده‌ای از پرسابقه‌ترین مشاوران کشور نبوده و نیست. نوشتن مطالبی درباره‌این که کدام یک از مباحث مورد اشاره در این کتاب عملاً امکان تحقق و اجرایی شدن در ایران ندارند و دلایل آن یا این که کدام قسمت‌ها بیشتر با حال و هوا و مذاق مشاوران ایرانی و مراجعانشان تطبیق داشته و هماهنگ تر است از کتابی با این حجم و چاپ و با هدفی که برایش در نظر گرفته‌اند، چندان زیاد نیست. امید که این موضوع در چاپ‌های بعدی ترجمه مورد توجه مترجمان قرار گیرد.

گفت‌وگو

لعیا درفشه



با دکتر باقر ثنائی درباره «زمینه مشاوره و راهنمایی»

درمان بر بستر فرهنگ

آن که با استاندارد کتاب مقدماتی مشاوره در آمریکا متناسب باشد، این مطالب را حذف کرده بود که من آنها را نگه داشتم. علاء و براین، کار را با همه ویرایش‌های قبلی تطبیق دادیم. من با توجه به تجربه چندین ساله‌ام در این زمینه می‌توانم بگویم این کتاب کاملاً به روز و بسیار مفید و قابل استفاده است.

آیا در این کتاب سرفصل‌هایی که پیش از این ترجمه نشده باشند هم وجود دارد؟

بله. یکی از فصل‌هایی که در این کتاب هست و در کتاب‌های دیگر مشاوره نیست، بحث مشاوره چندفرهنگی است. از دیگر فصول جدید، بحث سالم زیستی. در فصل دوازدهم است که تا پیش از این، چنین مبحثی را در ادبیات مشاوره نداشتیم. فصل یازدهم کتاب هم که درباره مشاورتگری است فصلی تازه است و همچنین مبحث مشاوره و فناوری که در فصل چهاردهم آمده، بحثی کاملاً جدید است. هیچ کدام از این بحث‌ها در ویرایش پنجم نبوده اما در ویرایش ششم آمده‌اند.

به موضوع مشاوره چند فرهنگی اشاره کردید. در بخشی از مقدمه هم از این موضوع با عنوان نیروی چهارم روان‌شناسی نام برده‌اید. منظورتان از مشاوره چند فرهنگی دقیقاً چیست؟

مشاوره چند فرهنگی در واقع به این معناست که ما وقتی به کار مشاوره با مراجعان مختلف می‌پردازیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که هر مراجعی از نظر فرهنگی اقتضانات خاص خودش را دارد، برای مثال اگر ما بخواهیم به یک مراجع عرب یا گیلک یا ترک مشاوره بدهیم باید به یاد داشته باشیم که ممکن است در فضای فرهنگی آنها مسائل و قواعدی وجود داشته باشد که آن مسائل برای یک مشاور که مثلاً فارس است غریب و نامأنوس باشد. یک مشاور باید به این تفاوت‌های فرهنگی توجه داشته باشد. این تفاوت‌های فرهنگی ابعاد متفاوتی را شامل می‌شود؛ ابعادی نظیر جنسیت، رنگ پوست، مذهب و... یک مشاور باید به ملاحظات فرهنگی توجه کند و در عین حال برخوردش به گونه‌ای نباشد که ملاحظات فرهنگی سرکوبگرانه برای یکی از آنها قائل باشد. مشاوره چند فرهنگی در واقع اوج برابری است. تفاوت‌های فرهنگی در بعد کوچک‌تر در بین خود افراد هم وجود دارد مثلاً گاهی اختلاف یک زن و شوهر به تفاوت‌های فرهنگی‌شان برمی‌گردد، همچنین درگیری‌های داخلی یک جامعه یا یک کشور هم می‌تواند مربوط به همین تفاوت‌های فرهنگی باشد.

آیا در مسیر ترجمه این کتاب با مشکلی هم مواجه شدید؟

نه. مشکل خاصی نداشتیم. از آنجا که هر سال مدتی را در کانادا می‌گذرانم به راحتی به منابع دسترسی دارم. شاید بشود گفت بیشترین مشکل، مشکل زمان بود. در حال حاضر هم مشغول کار روی یک واژه‌نامه مشاوره هستم.

مخاطبان کتاب «زمینه مشاوره و راهنمایی» چه کسانی هستند؟

این کتاب در درجه اول برای مشاوران مفید است یعنی برای هر کسی که کار مشاوره می‌کند کاربرد تخصصی دارد برای روان‌شناس بالینی، روانپزشک، مددکار اجتماعی و سایر رشته‌های روان‌شناسی و در درجه بعد برای معلم‌ها، مدیران و والدین هم کارآمد است یعنی بعضی از بخش‌های کتاب قابل استفاده برای عموم است.



فکر می‌کنم این طور بهتر است و خودم هم راضی‌ترم. وجود چهار مترجم با سلیقه‌های مختلف به یکدستی و روانی متن لطمه نزد؟

نه، برای این که کل کار را خودم ویرایش کردم و فکر می‌کنم اگر خودم می‌خواستم آن فصل‌ها را ترجمه کنم همان می‌شد که الان هست. در این کتاب هیچ واژه‌ای نیست که در یک فصل به کار برده شود و در فصل دیگر با عبارت دیگری به کار رفته باشد. کتاب کاملاً یکدست و سلیس و روان است.

اما در این کتاب به برخی اصطلاحات برمی‌خوریم که برای اولین بار است که به کار برده شده‌اند برای مثال نظریه برن تقریباً در تمام کتاب‌هایی که پیش از این ترجمه شده‌اند با عنوان «تحلیل رفتار متقابل» یا «تحلیل تقابلی» آمده است اما شما در این کتاب از آن با عنوان «تحلیل مراوده‌ای» نام برده‌اید. علت این معادل‌گزینی‌های متفاوت چه بود؟

من در سال‌های دور در کار ترجمه از واژه‌هایی استفاده کرده‌ام که خیلی از آنها جافا افتادند و همه پذیرفته‌اند و بعضی از واژه‌ها را هم برخی از استادان نپذیرفتند و مصر بودند که به کار نبرند. مثلاً از واژه‌هایی که شما در این کتاب خواهید دید واژه known directive است که پیش از این با عبارت «روش مستقیم و غیرمستقیم» ترجمه شده بود و من آن را «دستورالعملی و غیردستورالعملی» ترجمه کردم و درستش هم همین است. من از همان سال‌های دانشجویی روی این واژه‌هایی که ترجمه می‌شد اشکال داشتم، اما از آنجا که معنای عمیق این واژه‌ها را می‌دانم ترجمه‌ام متفاوت می‌شود و البته خیلی‌ها هم از آن استقبال می‌کنند. من در عین حال که به نظر خودم واژه‌ها را خوب می‌شناسم اما خیلی هم اصرار ندارم که واژه‌هایم متمایز و نامأنوس باشند. در این کتاب من نهایت سعی خودم را کرده‌ام که متن، سلیس و روان و مأنوس باشد، تیغ ترجمه‌ای نداشته باشد و در عین حال برابر نهادهای درست به کار برده شود و فکر می‌کنم نسبتاً موفق بوده است.

این کتاب از نظر منابع مورد استفاده مولفان تا چه حد به روز است؟

این کتاب ترجمه ویرایش ششم است که سال ۲۰۰۶ چاپ شده و از هر جهت به روز است و باید یادآور شوم که این کتاب حتی از کتاب گیبسون هم کامل‌تر است چرا که گیبسون بعضی از مطالب را که در ویرایش‌های قبلی آورده بود، در ویرایش‌های بعدی حذف کرد و علت حذف کردنش هم به نظر می‌رسد این بود که می‌خواست حجم کتاب را کمتر کند، یعنی با وجود این که مطالب بسیار مفید بودند اما او برای



گزارشی از کتاب‌های کاربردی روان‌شناسی

زندگی زیر نور تئوری



در میان خیلی بی شمار کتاب‌های تالیفی یا ترجمه‌ای همواره گروهی از آثار به چشم می‌خورند که با عبارت «کتاب‌های کاربردی» از آنها یاد می‌شود و این کتاب‌ها در هر رشته‌ای به فراخور نقش و کارکردی که برای آنها تعیین شده، کارکردی متفاوت می‌یابند اما شاید به جرئت بتوان گفت در حوزه علوم انسانی، رشته روان‌شناسی جزو معدود رشته‌هایی است که درصد بالایی از کتاب‌های کاربردی را - چه در بعد کتاب‌های درسی و چه غیردرسی - به خود اختصاص می‌دهد اما گذشته از این که این کتاب‌ها در کشور ما تا چه اندازه از استانداردهای مطلوب و متعارف برخوردارند به هر حال تاکنون جایگاه ویژه‌ای را در بازار نشر به خود اختصاص داده‌اند. برای آشنایی بیشتر خوانندگان با تعریف و کارکرد کتاب‌های کاربردی و همچنین تفاوت کتاب‌های کاربردی با کتاب‌های خودیاری سراغ چند نفر از نویسندگان و استادان رشته روان‌شناسی رفتیم و نظرشان را در این مقوله جویا شدیم.

دکتر اسحاق رحیمیان روان‌شناس بالینی و استاد دانشگاه تهران ارائه تعریف از کتاب‌های کاربردی را منوط به گرایش‌های مختلف در شاخه‌های متفاوت روان‌شناسی می‌داند و می‌گوید: «کتاب کاربردی برحسب گرایش تعریف می‌شود مثلاً در روان‌شناسی صنعتی - سازمانی، کتاب‌هایی کاربردی تلقی می‌شوند که بتوانند برای مثال، راهبردهایی برای ارتقای رضایت شغلی، کاهش تنش شغلی، افزایش انگیزه در کارکنان و در نهایت مدارا کردن با شرایط کاری را ارائه دهند.»

دکتر رحیمیان کتاب‌های کاربردی حوزه روان‌شناسی بالینی را نیز واجد کارکردی متفاوت می‌داند: «در حوزه بالینی، کتاب‌هایی کاربردی تلقی می‌شوند که مهارت‌هایی را به متخصص بالینی یا به دانشجوی و کارورز روان‌شناسی بالینی بدهند تا بر اساس آن مهارت‌ها بتواند مسائل را تشخیص دهد و به یک نقشه و راهکار درمانی برسد.»

وی همچنین یادآور می‌شود که در روان‌شناسی عمومی، روی مسائل کاربردی کمتر تأکید می‌شود اگر بخواهیم در این زمینه، کتاب کاربردی طراحی کنیم باید مطالب پایه‌ای روان‌شناسی را که در واقع مصداق کاربردی دارند - مثل مقوله رشد - طراحی و تدوین کنیم.

اما دکتر شهربانو قهاری که در زمره نویسندگان کتاب‌های کاربردی روان‌شناسی به‌شمار می‌رود و تاکنون آثاری نظیر «مهارت‌های زندگی ویژه زنان خوشنونت دیده» و «آموزش روانی خانواده» و نیز کتاب‌های کاربردی دیگری را از او شاهد بوده‌ایم، در تعریف کتاب‌های کاربردی روان‌شناسی تأکید زیادی بر موضوع آموزش تکنیک دارد: «کتاب‌های کاربردی کتاب‌هایی هستند که محتوایشان بیشتر حاوی تکنیک است؛ تکنیک‌هایی که عملاً بتوان آنها را به کار گرفت که به کارگیری این تکنیک بتواند در محیط درمانی مثل مطب و مراکز مشاوره‌ای و کلاس‌ها باشد یا خود افراد جامعه با مطالعه آنها، آن تکنیک‌ها را در زندگی‌شان به کار بگیرند و مسائلشان را حل کنند.»

دکتر قهاری بر این باور است که در یک کتاب کاربردی لزومی به ارائه مباحث تئوریک نیست و اشاره‌ای ساده و گذرا به تئوری موضوع مورد

بحث، نیاز مخاطب را مرتفع می‌کند.

او در مثالی درباره مفهوم دقیق کتاب کاربردی می‌گوید: «برای مثال اگر بخواهیم در یک کتاب کاربردی راهکارهایی در مورد - مثلاً - وسواس ارائه دهیم ابتدا به تعریفی مجمل از آن می‌پردازیم و به مبنا و ریشه تئوریک آن هم اشاره‌ای می‌کنیم اما کار اصلی ما در چنین کتاب‌های ارائه یک سری تکنیک درباره درمان وسواس است مثلاً به فرد وسواسی می‌گوییم از این به بعد وقتی به حمام می‌روی ساعت را کوک کن و این بار ۱۰ دقیقه زودتر از همیشه از حمام بیرون بیا و دفعات بعد هر بار ۱۰ دقیقه دیگر از زمان حمام کم کن تا جایی که به شرایط عادی و طبیعی برسی.»

دکتر رضا خاکپور روان‌شناس، مشاور و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی نیز کتاب‌های کاربردی را کتاب‌هایی می‌داند که متخصصان و دانشجویان بتوانند به صورت نظری و عملی از آنها استفاده کنند. او همچنین درباره تفاوت کتاب‌های کاربردی با کتاب‌های خودیاری می‌گوید: «کتاب‌های خودیاری یا self help در روان‌شناسی، مجموعه کتاب‌هایی هستند که خوانندگان آنها به عنوان یک روش کمکی به افرادی که مشکلات خفیف رفتاری دارند یا در شرایط سخت زندگی هستند از سوی مشاور یا درمانگر توصیه می‌شود. این کتاب‌ها عموماً در شرایطی خاص برای درمان‌جوها قابل استفاده هستند، اما کتاب‌های کاربردی کتاب‌هایی هستند که بتوانند در عمل فایده‌ای را به خواننده برسانند که در این زمینه بالطبع هر کس به فراخور علاقه و نیاز خود کتابی را انتخاب می‌کند که راهکارهای عملی مورد نیاز خود را در آن بیابد.»

دکتر رحیمیان نیز درباره تفاوت کتاب‌های کاربردی و کتاب‌های خودیاری بر این باور است: «کتاب‌های کاربردی لزوماً کتاب‌های خودیاری نیستند و جامعه هدفشان عمدتاً دانشمندان، متخصصان یا دانشجویان یک حوزه است اما کتاب‌های خودیاری جامعه هدف مشخصی ندارند و می‌توانند برای هر فردی در هر سن و جنس و شرایطی قابل استفاده باشند.»

وی تأکید می‌کند: «کتاب‌های کاربردی غالباً

وجه استنادی بیشتری دارند و مستندترند و اغلب به صورت کتاب‌های دانشگاهی موجودند به نحوی که راهکار ما در بعضی درس‌ها اساساً استفاده از کتاب‌های کاربردی است، مثلاً مادر درس مقدمات تشخیص و مقدمات درمان در دوره کارشناسی روان‌شناسی بالینی از کتاب کاربردی «راهنمای سنجش روانی» برای مشاوران، روان‌شناسان بالینی و روانپزشکان استفاده می‌کنیم، یعنی این یک متن کاربردی است که جامعه هدفش، متخصصان یا کارورزانی هستند که دارند در آن رشته تخصص می‌گیرند.»

دکتر رحیمیان در ادامه با یادآوری این نکته که کتاب‌های کاربردی و کتاب‌های خودیاری می‌توانند مخاطب عام داشته باشند، بر گسترده‌گی جامعه هدف کتاب‌های خودیاری تأکید می‌کند.

دکتر خاکپور نیز همچون دکتر رحیمیان بر این باور است که کتاب‌های خودیاری و کتاب‌های کاربردی هر دو می‌توانند مخاطب عام داشته باشند و لزوماً نمی‌توان مخاطبان آنها را به طور مشخص از هم تفکیک کرد اما در عین حال تأکید می‌کند: «کتاب‌هایی که جنبه خودیاری دارند الزاماً باید توسط محققان نوشته شده باشند چه این آثار، تالیفی باشند و چه ترجمه‌ای اما متأسفانه ما امروز شاهدیم که برخی افراد غیر متخصص با جمع‌آوری مطالبی از کتاب‌های گوناگون، کتابسازی می‌کنند و با گذاشتن عناوین جذاب روی این کتاب‌ها، کارکرد واقعی و سودمند این کتاب‌ها را مسخ می‌کنند.»

سوال دیگر این است که آیا نویسنده یک کتاب کاربردی باید لزوماً دیدگاه عمیق روان‌شناختی داشته باشد؟ دکتر رحیمیان در پاسخ این سوال می‌گوید: «فکر نمی‌کنم لزوماً این طور باشد. من این باور را دارم که وقتی یک کتاب روان‌شناسی برای عامه مردم نوشته می‌شود بهتر است بیش از همه روی مضامین کاربردی‌اش تأکید شود تا بنیادهای نظری‌اش. چنین کتابی لزوماً نباید مفاهیم بنیادی داشته باشد یا حتماً طبق اصول کلاسیک نوشته شده باشد، حتی بعضاً می‌بینیم خیلی از کتاب‌ها مثل کتاب‌هایی که آقای قراچه داغی ترجمه

چگونه کتاب کاربردی بنویسیم؟

دکتر حمید علیزاده: احتمالاً بیشتر مولفان سعی می‌کنند کتابی بنویسند که خوانندگان آنها از مطالب آن کتاب استفاده کاربردی کنند. ولی سال‌هاست می‌شنویم که استادان، دانشجویان، درمانگران و متخصصان بالینی در پی یافتن کتاب‌های کاربردی هستند. اما منظور از کتاب کاربردی چیست؟ کتاب کاربردی دارای چه ویژگی است؟ به اعتقاد نگارنده، پیش از آنکه کتاب کاربردی باشد، خواننده باید بتواند مطالبی را که می‌خواند با توجه به نیاز خود از مطالب آن استفاده کند. بنابراین شاید بتوان گفت که هر کتاب در نوع و در حد خود کاربردی است. کتابی که نظریه یا مفهومی را توضیح می‌دهد نیز قصد دارد با بالا بردن آگاهی مخاطب خود در نگرش او در نتیجه رفتار او تغییر ایجاد کند. این نوع تغییرات بسیاری اوقات نامحسوس هستند ولی نباید فراموش کنیم که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب کارکرد تغییر نگرش و باورهاست. این موضوع را می‌توان به شکل دیگری نیز مطرح کرد: کتابی بخواهیم و بتوانیم بر اساس محتوای آن و به ویژه رعایت نکات یا راهکارهای ارائه شده در آن به هدفمان برسیم. این گونه کتاب‌ها که در حوزه روان‌شناسی کتاب‌های درمانی یا راهبردی نامیده می‌شوند در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. ناشران گاهی با انتشار کتاب‌هایی با عنوان «Activity Book» یا کتاب کار به طور مستقیم چنین اهدافی را دنبال می‌کنند.

شاید بتوان گفت بهترین کتاب‌های کاربردی را در حوزه روان‌شناسی، درمانگران و متخصصانی می‌توانند تهیه کنند که خود سال‌ها در حوزه عمل کار کرده‌اند و دقیقاً می‌دانند که چه چیزی به طور مستقیم گره مشکلات را باز می‌کند. در پایان، یادآور می‌شود که بهره‌مند شدن از راهبردها یا راهکارهای عملی نیازمند دانش نظری است بنابراین دانش نظری و کاربردی دو جزء جدانشدنی از هم هستند که باید در منابع مورد توجه و تأکید قرار بگیرند.

کرده‌اند مرجعی ندارند چون هدف ما در اینجا این نیست که یک مطلب مستند شده را به خواننده انتقال بدهیم بلکه می‌خواهیم به او کمک کنیم و بگوییم که گزینه‌هایی هست که تو می‌توانی آنها را در رفتار و در شناخت و احساسات به کارگیری و آنها را به عنوان یک راه حل امتحان کنی.»

دکتر رحیمیان تعیین جامعه هدف را در نگارش یک کتاب کاربردی امری ضروری و مهم می‌داند و درباره کتاب‌هایی که با هدف خوانندگان عام نوشته می‌شوند می‌گوید: «در نگارش یک کتاب کاربردی باید دقت کنیم که کتاب چه جامعه‌ای را هدف قرار می‌دهد و برای چه گروهی قابل کاربست است برای مثال در یکی از کتاب‌های کاربردی که توسط یکی از محققان این حوزه نوشته شده، نویسنده به مسئله خطاهای شناختی یا همان باورهای غیرمنطقی پرداخته است. برای مثال یکی از این خطاها این است که: «پول و مال، شهرت می‌آورد» در ادامه نویسنده به طور شسته و رفته توضیح داده که چرا این یک باور سمی تلقی می‌شود و این که ما چه گزینه‌ای را برای جایگزین کردن این باور غلط انتخاب کنیم. این کتاب یک کتاب کاربردی برای عامه مردم است، کتابی است که می‌تواند به صورت روشن به خواننده رهنمود بدهد که چه کند تا وضعیت روانی‌اش بهتر شود و با شرایط، سازگاره‌تر برخورد کند.»

مهدی قراچه داغی، مترجم نیز کتاب‌های روان‌شناسی را به دو دسته تقسیم می‌کند و می‌گوید: «به طور کلی ما در زمینه روان‌شناسی با دو نوع مطلب روبه‌رو هستیم؛ یکی نظریه‌ای که توسط صاحب‌نظران و دانشمندان این رشته نوشته می‌شود و گروه دیگر مطالبی است که بر اساس همین نظریه‌ها با رویکرد کاربردی نوشته می‌شوند.»

قراچه داغی با تأکید بر این نکته که کسانی که این کتاب‌ها را می‌نویسند باید در زمینه‌های روان‌شناسی از پشتوانه علمی محکمی برخوردار باشند در مورد خوانندگان این کتاب‌ها معتقد است: «ممکن است خوانندگان به طور کلی اصل نظریه را ندانند و نشناسند و شاید نیازی هم نباشد که اصل نظریه را بدانند ولی وقتی کتاب به شکل کاربردی درمی‌آید هر کسی می‌تواند آن را بخواند و تمریناتش را انجام بدهد یعنی نظریه در واقع راهنمای عمل است و وقتی تبدیل به عمل شد حالت کاربردی پیدا می‌کند.»

قراچه داغی همچنین درباره کتاب‌های کاربردی در حوزه ترجمه بر این باور است که اگر مترجمی صرفاً مهارت ترجمه‌ای قوی داشته باشد، مجبور نیست به علم روان‌شناسی مسلط باشد هر چند بهتر است مترجمان در زمینه کار ترجمه، اطلاعات و علم مربوط به آن حوزه را داشته باشند.»

قراچه داغی در پایان بر لزوم دقت داشتن در گزینش کتاب‌های کاربردی از سوی مترجمان تأکید کرده و توجه به ویژگی‌های فرهنگی اثر مورد گزینش برای ترجمه را امری ضروری در کار ترجمه می‌داند.



یادداشت

پرویز فنی پور

یادداشتی بر کتاب «رنگین کمان آرزو»

تئاتر درمانی

اگوستو بوال یکی از نام آورانترین کارگردانان یا بهتر بگویم نمایش سازانی است که متاسفانه علی رغم نام و تاثیرگذاری جهانی اش در کشور ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

پس از دو کتاب «بازی هایی برای بازیگران» و «نابازیگران» (حمید گراشاسبی، انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۷) و «تئاتر مردم ستمدیده» (جواد ذوالفقاری - مریم قاسمی، انتشارات موسسه فرهنگی، هنری نوروز هنر، ۱۳۸۲) کتاب «رنگین کمان آرزو» سومین اثری است که از بوال ترجمه شده است.

اگوستو بوال در کتاب «رنگین کمان آرزو» تکنیک های تئاتری که در درمان بیماران موثر واقع می شود را مورد بررسی قرار می دهد. او طی این بررسی از تجربیات گسترده خود فراوان سود می برد.



این تجربیات از راه سفرهای مداوم به کشورهای مختلف دنیا و اجرای تئاتر برای اقشار مختلف اجتماع به دست آمده است. چنانچه خود بوال در مقدمه کتاب اشاره می کند که به همراه گروه تئاتری اش در سال های دیکتاتوری برزیل (۱۹۵۰) در بیشتر محلات فقیرنشین و روستاهای دورافتاده برزیل تئاترهایی را اجرا می کرد. این محلات در فقر عجیبی به سر می بردند به طوری که آنچه یک کارگر برزیلی در سال های دهه ۵۰ به خانه می برد از آنچس در سال های دوران بردگی به دست می آورد، کمتر بود. بوال در این شرایط شهر به شهر و روستا به روستا، برزیل را می پیمود و مردم را علیه دیکتاتوری می شوراند. به این ترتیب او گونه ای از تئاتر را پی ریزی کرد که امروزه به عنوان تئاتر ستمدیدگان از آن نام می برند. بوال طرح های تئاتر درمانی خود را هم که در کتاب «رنگین کمان آرزو» انعکاس یافته، جزئی از تئاتر ستمدیدگان می داند. چنانچه اشاره شد، نظریه ها و روش هایی که او در کتاب رنکین کمان آرزو به آنها اشاره می کند همگی برآمده از تجربیات شخصی او هستند و از دیگر سو این نظریه ها کاملاً به صورت علمی و منطقی و با چفت و بست هایی که در خور یک اثر نظری شایسته است، ارائه شده اند. اگوستو بوال برای هر نظریه روشی که برای درمان، طی کتاب مذکور بیان می شود، مثال های مشخصی می آورد که ذهن خواننده را کاملاً به مفهوم مورد بحث نزدیک می کند. بوال کتاب را به دو قسمت کلی تقسیم کرده است که دلیل تاثیرگذاری شدید و پر قدرت تئاتر را بر زمینه های دیگر سیاسی، اجتماعی و بخش های آموزش و روان درمانی به وسیله تئاتر ستمدیدگان شرح داده است. ترجمه «رنگین کمان آرزو» توسط «بهار صیرفی» صورت گرفته است. این اثر اگرچه نخستین ترجمه این مترجم است اما دارای متنی روان و گویاست که از دام دشواری نویسی و پیچیده گویی رهایی یافته. از دیگر سو ترجمه اثری با اهمیت «رنگین کمان آرزو» می تواند شروعی بسیار مبارک برای کار حرفه ای یک مترجم باشد.

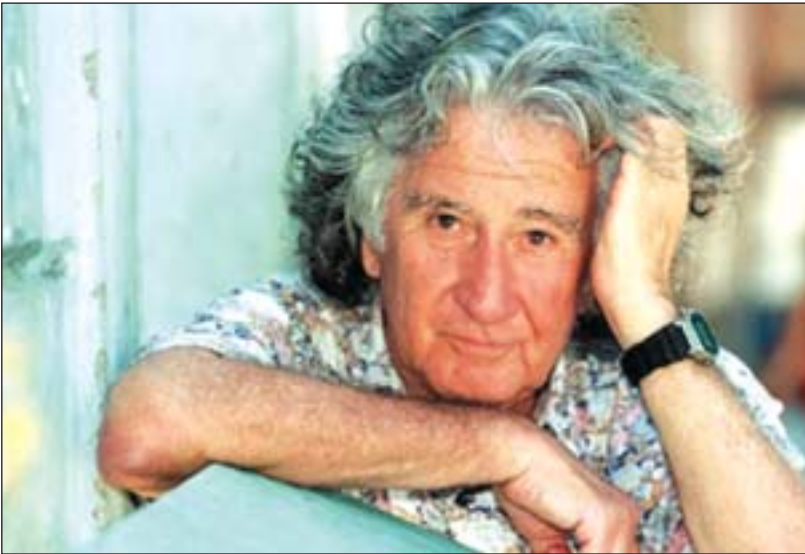
رنگین و رو

شهاب استیری



بهار صیرفی از «رنگین کمان آرزو» می گوید

بیمارستان تئاتر



«اگوستو بوال» کارگردانی برزیلی است که تئاتر را برای نجات انسان می خواهد. او که تجربیاتش را از آمریکای لاتین تا اروپا گسترانیده است، تلاش می کند تئاتری بسازد که به مشخص ترین شکل ممکن بر زندگی روزمره مردم تاثیر مثبت بگذارد. نباید از نظر دور داشت که «بوال» توانسته طی چهار دهه فعالیت هنری عملاً و نظراً نوع تئاتر خود را تثبیت کند؛ به طوری که در کنفرانس سالانه بین المللی PTO به معرفی و آموزش ویتترین تئاتر خود می پردازد. نوع تئاتری را که او به دنیای هنر معرفی کرده با عنوان «تئاتر ستمدیدگان» می شناسند. اهمیت «تئاتر ستمدیدگان» علاوه بر نگاه های محتوایی اش به خاطر شیوه اجرای آن است. بوال که گرایش های شدید اجتماعی دارد، در صدد یافتن راهی است که تماشاگران را نسبت به موقعیت اجتماعی شان آشنا سازد. به بیان دیگر او در پی آموزش از طریق تئاتر است. بوال کتاب «رنگین کمان آرزو» را به تکنیک های مقابله با بیماری های روانی به وسیله تئاتر اختصاص داده است. این کتاب اخیراً توسط «بهار صیرفی» ترجمه شده و نشر نمایش آن را در اختیار علاقه مندان تئاتر قرار داده است. «بهار صیرفی» که در رشته معماری از دانشگاه علم و صنعت دارای مدرک کارشناسی ارشد است، علاوه بر فعالیت های نظری در حوزه تئاتر، در زمینه طراحی صحنه نیز فعالیت می کند.

به طور کلی بوال در تئاتر از چه شیوه هایی استفاده می کند؟

تئاتر بوال شکل ثابتی ندارد و از شیوه های خاصی استفاده نمی کند. به دیگر سخن بوال از شیوه و شگردهای همه گونه های تئاتری دیگر برای القای مفاهیمی که می خواهد استفاده می کند. او شیوه های تئاترش را از طریق کار مستقیم با مردم - که بخشی از بازیگرانش هم هستند - استخراج می کند. تئاتر ستمدیدگان در مسیر رشد خود اکنون به روان درمانی رسیده است و از تکنیک ها و روش های روان درمانی استفاده می کند.

آیا می توان تئاتر بوال را به تئاتر برشت نزدیک دانست؟

من تصور می کنم نمی توان برای تئاتر بوال شکل یا روش ثابتی فرض کرد. تئاتر او را نمی توان برشتی دانست ولی به هر حال گونه تئاتر او قرابت ها و شباهت هایی با تئاتر برشت دارد؛ چرا که مانند تئاتر برشت قصه آموزشگری دارد، علاوه بر این تئاتر ستمدیدگان بیشتر از توجه به شخصیتی خاص به موقعیت های افراد یا موقعیت های جمعی توجه می کند، از این جنبه نیز، این گونه تئاتر به تئاتر برشتی نزدیک است.

علاوه بر این بوال اگرچه منتقد تئاتر ارسطویی است اما آن تئاتر را مبتنی بر کتاب «فن شعر» بررسی می کند و اصطلاح «کاتارسیس» را از آنجا اخذ می کند. او برای تئاتر خود «کاتارسیس» جدیدی تعریف می کند که با «کاتارسیس» ارسطویی کاملاً متفاوت است.

به نظر می رسد تئاتر ستمدیدگان با تئاترهای آیینی هم شباهت هایی دارد.

مهم ترین وجه اشتراک تئاتر ستمدیدگان با تئاترهایی که مبتنی بر آیین ها به وجود می آیند به

خاطر پیوند اساسی است که میان موضوعات این گونه تئاتری و زندگی وجود دارد.

آیین اگرچه سرچشمه نمایش است، اما جدیت و ضرورت حضور آن به خاطر پیوند عمیقش با مشکلات زندگی و افکار و عقاید یک قوم، کاملاً حس می شود. تئاتر بوال هم همین طور است؛ مسائلی که در تئاتر او طرح می شوند از نگاه جامعه کاملاً حیاتی و اساسی هستند. دیگر ویژگی تئاتر ستمدیدگان که آن را مشابه آیین جلوه می دهد، استفاده از «تماشا - بازیگر» است؛ به این معنی که در این گونه تئاتر مانند آیین ها تماشاچی منفعل نیست؛ بلکه او در پیشبرد نمایش نقش اصلی را ایفا می کند و خود بازیگری هم می کند.

این دو ویژگی را می توان به عنوان شباهت های تئاتر ستمدیدگان و آیین در نظر گرفت.

روان درمانی در تئاتر بوال چه تفاوتی با روان درمانی در تئاترهای پیش از او دارد؟

شباهت های بسیار زیادی میان روش های اگوستو بوال و تئاتر درمانی های دیگر وجود دارد. اما نقطه اختلاف اساسی تئاتر درمانی اگوستو بوال با دیگر انواع تئاتر درمانی به خاطر تجربه های فراوانی است که او با مردم داشته و همین بی واسطه بودن با مردم در مقام تماشاگر، باعث تفاوت هایی ذاتی میان تئاتر ستمدیدگان و تئاتر درمانی های دیگر شده است. از این گذشته، بوال همه جا بر این قضیه تاکید دارد که تئاتر ستمدیدگان گرچه به تئاتر درمانی بدل شده است، اما نباید جنبه های هنری و در واقع تئاتر بودنش را به فراموشی بسپارد. در واقع او تلاش می کند که این گونه هنری تئاتر باقی بماند.

به طور مشخص تکنیک رنکین کمان آرزو که در کتاب طرح شده، چیست؟

«رنگین کمان آرزو» آخرین تکنیک اگوستو بوال است. بنا به توضیح خود بوال این تکنیک آرزوهای شخص تماشاگر را. مانند رنکین کمان که از تجزیه یک نور به وجود می آید. تجزیه می کند و آنها را رودرروی او قرار می دهد و طی تمریناتی که در حین اجرا صورت می دهد، این آرزوهای تجزیه شده را در ارتباط با یکدیگر قرار می دهد و بررسی می کند. در واقع بوال آرزوی فرد را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و آن را به خود فرد نشان می دهد. او در نهایت این آرزوها و وضعیت های تجزیه شده را به حالت اول خود برمی گرداند. اما دیگر مخاطب نسبت

به آرزو و به طور کلی دنیای درون خود آگاهی یافته است. خلاصه آن که، مقصود او از رنکین کمان آرزو وضعیتی است که در آن آرزوها و موقعیت فرد تجزیه شده و به شکلی واضح مقابل دیدگان فرد قرار می گیرد. آرزوهای افراد در رنکین کمان آرزو گنگ و نامفهوم نیستند؛ بلکه بوال آنها را با تجزیه کردن و دیداری کردن قابل فهم و گویا می کند.

هدف اصلی تئاتر ستمدیدگان انتقال پیام است یا خود اثر هنری؟

بررسی این موضوع در تئاتر بوال بسیار حیاتی و مهم به نظر می رسد، چرا که از این حیث آثار بوال تغییرات بسیاری کرده است. بوال در ابتدای فعالیت هنری خود اصالت را به انتقال پیام می داد. اما پس از تجربیاتی که در زمینه اجرای تئاتر برای مردم فقیر و حاشیه نشینان داشت کم کم دیدگاهش تغییر کرد. او به این نتیجه رسید که تئاتر نباید حاوی نصیحت یا پیامی باشد که بخواد آن را به مخاطب تحمیل کند. در عوض باید تئاتر و مخاطبانش به اشتراک و با همراهی هم نتیجه ای حاصل کنند. در کارهای اخیر اگوستو بوال به هیچ وجه مسئله رساندن پیام مطرح نیست؛ بلکه او سعی می کند یک موضوع را به همراه تماشاگرانش مورد بررسی قرار دهد. در این وضعیت تماشاگران فعال هستند. آنها در شکل گیری تئاتر و پیامی که باید از آن برداشت شود، دخیل هستند.

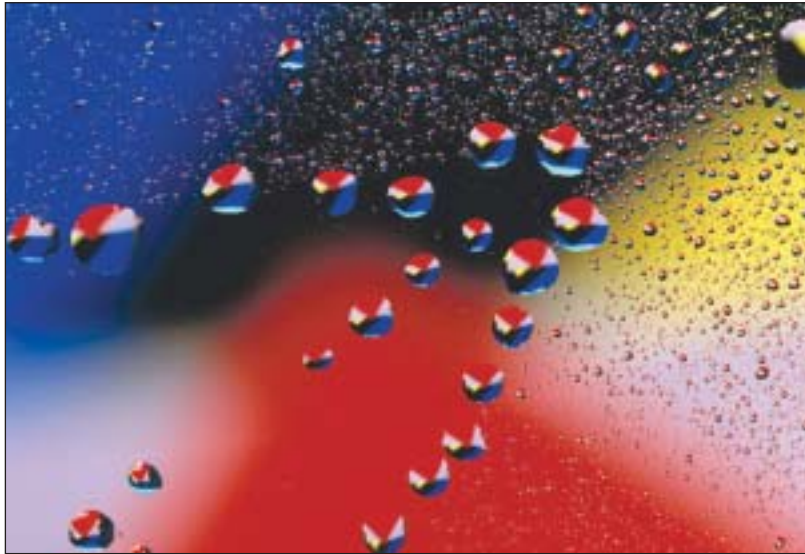
چنانچه می بینیم، اگوستو بوال مسیر متناقضی را در این زمینه طی کرده است. او ابتدا در تئاتر ستمدیدگان به انتقال پیام تاکید می کرد، اما این روند، سرانجام به شکل گیری پیام در تئاتر به جای انتقال پیام تبدیل شد. زیباشناسی در این گونه تئاتر چگونه پی ریزی می شود؟

اگوستو بوال در زمینه زیبایی شناسی حرکات در برخی از تجربیاتش تمهیداتی را اندیشیده است. مثلاً او در بعضی از اجراهایش ابتدا برنامه های مقدماتی را برای شرکت کنندگان و تماشاگران برگزار می کند که طی آنها برخی حرکات های تئاتری را آموزش می دهد؛ چرا که او با افرادی کار می کند که در زمینه تئاتر حرفه ای نیستند و با فرم های بدنی در تئاتر آشنایی ندارند. او به این وسیله تا حدودی به رفتارهای تماشا بازیگران نظم می بخشد که می تواند باعث به وجود آمدن زیبایی شناسی خاصی شود. بوال این حرکات و فرم های مقدماتی را در کتاب «بازی هایی برای بازیگران و نابازیگران» معرفی می کند.



با عنایت الله نظری نوری و «سیمای آبرنگ در ایران»

بوم نقاشی در قاب کتاب



این روزها کمتر شاهد انتشار کتاب‌هایی در حوزه نقاشی هستیم. این کتاب‌ها اغلب با هزینه‌هایی که در مرحله تهیه و چاپ دارند، با قیمت‌های بالا منتشر می‌شوند و همین نکته سبب می‌شود تا مخاطبان آن برای خرید با دشواری‌هایی روبه‌رو شوند. از سوی دیگر دایره مخاطبانی که به طور تخصصی به کتاب‌های نقاشی مراجعه می‌کنند، آنچنان وسیع نیست. در این میان کتاب «سیمای آبرنگ ایران» چنانچه از نامش برمی‌آید، به این گونه نقاشی پرداخته است. عنایت الله نظری نوری که کار جمع‌آوری نقاشی‌ها را با همکاری نشر نگار انجام داده، در مورد چگونگی پیدایش این کتاب می‌گوید: «تکنیک آبرنگ، یکی از تکنیک‌های نقاشی است که در چند سال گذشته در ایران بسیار مورد توجه بوده است. از سویی ما در این شیوه نقاشی شاهد پیشرفت‌هایی بوده‌ایم. به عنوان نمونه، شنیده‌ام که استاد سمندریان را چندی پیش برای نمایش آثارش به اسپانیا دعوت کرده بودند.» وی سپس به سابقه ۳۵ ساله خود در این عرصه اشاره می‌کند و از آشنایی خود با بزرگان آبرنگ ایران می‌گوید و معتقد است که با جمع‌آوری و انتشار این مجموعه باید به حفظ آن پرداخت. نظری نوری می‌افزاید: «ما ایرانی‌ها از هفتصد-هشتصد سال پیش از تکنیک آبرنگ در مینیاتور استفاده می‌کنیم. در بخشی از مینیاتورها از رنگ‌هایی استفاده می‌شد که با استفاده از آب آن را می‌ساختند. به همین علت عنوان رنگ‌های رومی را به آن می‌دادند.» به گفته این نقاش، حتی هنر خوشنویسی را نیز می‌توان هنر آبرنگ به حساب آورد چراکه ابزار و ماده خام آن مرکب است که با آب ساخته می‌شود. وی سپس به ساختار لطیف و دلنشین آبرنگ، تهیه آسان و حمل و نقل ساده وسایل آن و کارکرد دقیق آبرنگ اشاره می‌کند و می‌گوید: «از همین روست که بسیاری از نقاشی‌های ماندگار از این تکنیک بهره برده‌اند، مثل کارهای سهراب سپهری، وارطانیان و شهزادان. ما به دلیل همین جایگاه خاص آبرنگ در فرهنگ ایرانی، اقدام به چاپ کتاب «سیمای آبرنگ ایران» کردیم چراکه بسیاری از این نقاشی‌ها پس از فروش از دسترس خارج می‌شوند و از سویی این آثار برای نسل بعد باید باقی‌مانند.»

در کتاب «سیمای آبرنگ ایران» آثار مطرح‌بسیاری از نقاشان این سبک آمده است. با این همه خبری از تابلوهای سپهری نیست، با این که او بسیاری از آثار خود را با تکنیک آبرنگ خلق کرده است. نظری نوری به شیوه انتزاعی کارهای این شاعر و نقاش مطرح معاصر اشاره می‌کند و می‌گوید که در این کتاب، آن دسته از آثاری که به چاپ رسیده شده که نگاه واقع‌گرایانه‌تری دارد. وی می‌افزاید: «در کتابی که «سیر آبرنگ در ایران» نام دارد و امیدواریم به زودی منتشر شود، همه تکنیک‌های آبرنگ مورد توجه قرار گرفته و کارهای سهراب سپهری به طور حتم در آن کتاب خواهد بود.» از مولف و گردآورنده کتاب «سیمای آبرنگ در ایران» می‌خواهیم تا در مورد چگونگی انتخاب نقاشی‌ها و نقاش‌ها بگویید. او از ناشر به عنوان یکی از عنصرهای مهم انتخاب آثار نام می‌برد و ضمن بیان آن که ناشر به هر حال به فکر بازگشت سرمایه‌اش نیز هست می‌افزاید: «نقاشانی که آثار آنها در این کتاب آمده، استادان مسلم تکنیک آبرنگ در ایران هستند. با این همه نقاشان بسیار خوبی هم در میان جوانان و چهره‌های

کرده‌اند.» وی سپس به فعالیت‌های نقاشان اشاره می‌کند که اغلب با خون دل خوردن و کارهای جانبی دیگر کسب درآمد می‌کردند تا بتوانند هزینه خرید لوازم نقاشی خود را تهیه کنند و به ثبت طبیعت و جغرافیای ایران پردازند. وی سپس به نحوه شکل‌گیری کتاب «سمبات به روایت دیگر» نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «هم‌اکنون در حال تهیه اسلایدهای مربوط به نقاشی‌های او هستم و این با مشکلات و دشواری‌هایی همراه است، چراکه بسیاری از نقاشی‌های این نقاش بزرگ ایرانی، در موزه‌ها، گالری‌ها و مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود و دسترسی به آنها بسیار سخت است.» نظری نوری سپس به انتقاد از موزه‌های فرهنگی می‌پردازد و می‌گوید: «متأسفانه موزه‌های ما نیز کم‌خرید می‌کنند. ای کاش در طول سال‌های گذشته، موزه‌ها بعد از برگزاری هر نمایشگاه سالانه نقاشی، تعدادی از تابلوهای به نمایش درآمده را خریداری می‌کردند و آنها را به صورت کتاب منتشر می‌کردند تا علاقه‌مندان به نقاشی بتوانند با آثار بیشتری روبه‌رو شوند.» وی سپس به ناگزیری ناشران اشاره می‌کند که به آنها اجازه سرمایه‌گذاری چندانی را در عرصه انتشار کتاب‌های نقاشی نمی‌دهد. این نقاش پیشکسوت اظهار امیدواری می‌کند که با حمایت‌نهادهای فرهنگی، در طول هر سال شاهد انتشار چند کتاب از برگزیده آثار نقاشی باشیم. وی می‌افزاید: «کارهای نقاشی خوب باید در اختیار هنرآموزان باشد، چراکه آنها برای آموزش بهتر باید کارهای برگزیده را ببینند. هنرمندی مثل لئوناردو داوینچی هم در ابتدای کار خود، از روی نقاشی بزرگان کپی می‌کرد تا تکنیک‌ها را بهتر بیاموزد. به همین دلیل باید روی انتشار کتاب‌های نقاشی سرمایه‌گذاری کرد.» به گفته این نویسنده، پس از هر نمایشگاه بخشی از آثار هنری خریداری می‌شود و اگر آنها در کتابی به چاپ نرسند، دیگر کمتر ممکن است توسط علاقه‌مندان متعدد دیده شوند. این نقاش در انتها پیشنهاد می‌کند که انجمن آبرنگ کاران ایران تشکیل شود تا فعالیت‌های این انجمن به انتشار کتاب‌ها و نشریات تخصصی این حوزه کمک کند. وی می‌افزاید: «باید نهادهای فرهنگی به رصد آثار برجسته بپردازند و به انتشار آنها همت کنند چون ارائه نتیجه مادی این فعالیت‌ها می‌تواند به هنرمند فرصت خلق کارهای بیشتری را بدهد.»

معرفی کتاب

مینا کریمیان

جنگلی با سه خط

سه نکته آثار گرافیکی فرشید مثقالی اعم از پوستر و طرح جلد را به آثاری ماندگار بدل کرده‌اند. آثار او علاوه بر آن که موضوع‌های جالبی را دربرمی‌گیرد، اجرای بسیار جذابی را پیش روی مخاطب می‌گذارد و درعین حال از خطوط ساده‌ای بهره می‌برد. این گرافیست ۶۴ ساله که کار خود را از ۲۱ سالگی آغاز کرده و علاوه بر کار گرافیک و تدریس در آن رشته چند فیلم انیمیشن را نیز در کارنامه‌اش دارد، در اغلب موارد زوایای نو و تازه‌ای را برای بازتاب موضوعات انتخاب می‌کند. به عنوان نمونه چند اثر گرافیکی مثقالی در ادامه طرح می‌شود تا نگاه ویژه این هنرمند بیشتر مشخص شود. او در پوستر هفتمین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۱ طرح خطی کودکی را به تصویر کشیده است که در بالای سر او به جای مو، درختی رنگین دارد. نیمی از درخت رنگین روی سر پسرک است و نیمه دیگر آن در کادر (فریم) سینمایی. سوراخ‌های کنار فیلم (پرفراژ) و نوشته‌های بالای این کادر سینمایی (فریم)، علاوه بر آن که زیبایی‌شناسی پوستر را کامل می‌کند، اطلاعات مربوط به آن را باز می‌نمایاند. مثقالی در این تصویر (صفحه ۱۶ کتاب) پسرک را بسیار ساده کشیده است با چشمانی گرد و فانتزی و صورتی گرد که تنها با طراحی خطی به نمایش گذاشته شده است. تنها سمت رنگی این پوستر همان کادر (فریم) سینمایی آن است، درختی که ریشه در سر پسرک دارد و در میان کادر به تصویر کشیده می‌شود.

مثقالی در این طرح به خوبی نقش کودکان در سینما و بیان اندیشه‌های آنها را بیان می‌کند. اجرای این پوستر تقریباً فاقد خط‌ها و رنگ‌های اضافه است و این نکته، علاوه بر آن که نوعی زیبایی‌شناسی بدل می‌شود و برای مخاطب کودکان نیز شایسته به نظر می‌رسد. مثقالی پوستر دیگری دارد با عنوان «همه جا با کتاب» (سال ۱۳۵۶، صفحه ۳۹ کتاب) او در این پوستر تنها از چهار رنگ ساده استفاده کرده و به نمایش پنج مردمی می‌پردازد که در پنج حالت مختلف به کتابخوانی مشغولند. زمینه کادر، فضایی بنفش است که تداعی گر شب است و آدم‌های سبز رنگ در مکعبی سرخ‌رنگ در حال خواندن کتاب هستند. این آدم‌ها هر کدام کتابی در دست دارند و در حال بالا رفتن و یا پایین آمدن از پله‌ای هستند. تنه‌های سر یکی از این آدمک‌ها - که در حال بالا رفتن از پله‌ای است - درخت کوچکی روییده است. اجرای زیبا با استفاده از حداقل رنگ‌ها، موضوع قابل بررسی و درعین حال نمادین و سادگی کار را می‌توان در متنی مفصل شرح داد.

در پوستری که مثقالی برای نهمین جایزه ملی و بین‌المللی به عکس سه ساله ناشران طراحی کرده، وی فقط از یک رنگ استفاده کرده است. او عطف یک کتاب را با جوهر مشکی طراحی کرده و در کنار آن بادوخط‌لاتین و چینی اطلاعات مربوط به این جشن کتاب را به تصویر کشیده است. زیبایی تصویر مثقالی با تصویر رمز نشانه کانون پرورش کودکان و نوجوانان کامل می‌شود. او این نشانه را در بهترین نقطه تصویر گذاشته است و از سویی رنگدار بودن آن در یک محیط فاقد رنگ، به خوبی آن را به نمایش می‌گذارد. هر کدام از آثار فرشید مثقالی را می‌توان به شیوه‌های فوق‌مورد بررسی قرارداد. او با خلق این تصاویر در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و در کتاب‌های درسی مدارس، سهم عمده‌ای در گرافیک ایران دارد.

آموزش گام به گام روابط عمومی

بزرگان روابط عمومی مولفان: مهدی باقریان، ناصر رزاق منش و زهرا بابازادگان نشر کارگزار روابط عمومی اچاب اول ۱۳۸۶.

مسئله روابط عمومی یکی از مسائلی است که کمتر به صورت تئوریک مورد توجه قرار گرفته است. روابط عمومی نقطه عطفی برای رسیدن به هماهنگی و انسجام است که در هر کاری از ضروریات به شمار می آید. از این رو هر چه به آن توجه بیشتری شود، علاوه بر آن که روند کارها سرعت می گیرد، کارها به نحو بهتری پیش می رود. کتاب سه جلدی «بزرگان روابط عمومی» کوشیده است این مقوله کمتر مورد توجه واقع شده را به صورت تئوریک و علمی به مخاطبان خود بشناساند. آنچه مولفان برای بیان این مقصود خود برگزیده اند به جای پرداختن به مسائل کلی و فاقد ارجاعات عینی، به معرفی بزرگان روابط عمومی در دنیا معطوف شده است. مولفان در مقدمه کتاب نوشته اند: «یکی از مولفه های اصلی و علمی، نظریه است و نظریه ها که منشأ اندیشه های تعالی بخش و موتور تحولات جامعه هستند، معمولاً توسط افراد برجسته خلق و بسط داده می شوند. روابط عمومی هم مستثنی از این قاعده نیست و صاحب نظران و اندیشمندان روابط عمومی در دوره های مختلف با خلق اندیشه ها و نظرات مختلف، نقش بسزایی در پیشرفت جامعه بشری ایفا کرده اند.» به اعتقاد مولفان کتاب سه جلدی «بزرگان روابط عمومی» کارهایی که از این طریق صورت گرفته، در برخی از پرسش های تاریخی منجر به انقلاب های بزرگ علمی شده است و گاهی اوقات نیز، زمینه ارائه و خلق نظریه های انقلابی جدید را فراهم کرده است. مولفان آشنایی با مشاهیر و بزرگان تاثیرگذار روابط عمومی را به چهار دلیل مفید تشخیص داده اند. ایشان اولین فایده را، آشنایی و تسلط بر نظریه های روابط عمومی برای ورود به این رشته تخصصی عنوان کرده اند. آشنایی با عظمت و اهمیت نقش روابط عمومی در تحقق اهداف کلان جامعه و بستر سازی برای خلق اندیشه های جدید و ثبت و به کارگیری آن در عرصه عمل از فواید معرفی بزرگان روابط عمومی است. به همین دلیل مولفان نوشته اند: «از این رو در این کتاب، شخصیت ها و فیلسوفانی که در ارتقا و اعتلای دانش و حرفه روابط عمومی در جهان نقش محوری داشته اند و تاثیرات شگرفی از خود به جا گذاشته اند معرفی می شوند و از این منظر، در پیچه و روزنه ای جدید به روی کارگزاران روابط عمومی گشوده می شود.»

در جلد اول این کتاب به معرفی سه چهره مطرح روابط عمومی جهان پرداخته می شود که ادوارد برنیز، چستر برگر و کارل آ. بایر نام دارند. در مجلد دوم و سوم چهره های بیشتری معرفی شده اند و شیوه کاری شان شرح داده شده است. این چهره ها که اغلب آنها از پیشگامان نوگرای روابط عمومی در جهان هستند، عبارتند از: راجر اوژن آیلز، جوزف ورنی بیکر، آن اچ بارکلیو، آلیس ال بیمن، فیلیس برلو، ادوارد برنیز، بلاک سام، ادبلاک، کارل بایر، کندریس ماس، آملیا لاینز، ایوی لی، لی کی جی، کارولین هود و...

انتشار کتاب هایی از این دست می تواند به علمی شدن و تئوریک کردن مسائل به ظاهر ساده ای همچون روابط عمومی کمک کنند. مولفان در این مورد اظهار امیدواری کرده اند که با انتشار کتاب هایی از این دست، در پیچه و روزنه ای جدید به روی دست اندرکاران روابط عمومی گشوده شود.



با ساعد مشکی مدیر مجموعه «طراحان گرافیک معاصر ایران»

رنگ ها ورق می خورند



مجموعه کتاب های «طراحان گرافیک معاصر ایران»، مجموعه ای با کیفیت و صفحه آرای و چاپ قابل قبول و قیمت مناسب است. این کتاب، نه تنها شرایطی را برای دانشجویان فراهم آورده است تا با مطالعه کتابی از مجموعه آثار طراحان به نام گرافیک معاصر ایران، بخشی از نیازشان به مطالعه تصاویر را مرتفع کنند، بلکه این امکان را برای طراحان گرافیک هم ایجاد کرده است تا بتوانند مجموعه ای از آثارشان را در قالب یک کتاب جمع آوری کنند.

ساعد مشکی که مدیریت این پروژه را برای انتشارات یساولی بر عهده گرفته است و دهمین کتاب از این مجموعه هم به خود او اختصاص دارد، به کیفیت خوب این کتاب ها اشاره می کند و درباره وضعیت نه چندان مناسب برخی از کتاب های تجسمی می گوید: کیفیت چاپ در حال حاضر و به نسبت گذشته در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد. اما هنوز هم با دیدن یک کتاب خارجی که از همان اسلاید ها و همان ابزار چاپ استفاده می کنند، متوجه می شویم که کتاب های ما هنوز هم به کیفیت نرسیده اند و تصاویر به روشنی آن کتاب ها نیست.

مشکی، بخش بزرگی از مشکلات چاپ در ایران را به بخش صحافی مربوط می داند و با اشاره به این که گاهی پیش می آید که یک کتاب، تا مرحله آخر به خوبی پیش می رود، اما درست در مرحله صحافی همه چیز خراب می شود، می گوید: گاهی کتاب از صفحه بندی و طرح جلد بسیار مناسبی برخوردار است اما مثلاً تا می خواهیم کتاب را ورق بزنیم شیرازه آن از هم می پاشد. یعنی این ایراد در صحافی، کل کتاب را از اعتباری که می توانست داشته باشد انداخته است. این گرافیک مشکلات چاپ را تنها شامل کتاب های تجسمی نمی داند و با اشاره به این که هنوز برای چاپ یک کتاب داستان هم با مشکل مواجه هستیم، می گوید: می بینیم که مثلاً شماره صفحات کتاب بالا و پایین پریده است. بسیاری از مشکلات حال حاضر چاپ به سیستم های صحافی برمی گردد که در ایران بسیار قدیمی اند و لازم است این سیستم ها را تعویض و نوسازی کنیم که چون هزینه بالایی را می طلبد این اتفاق تا به حال نیفتاده است.

بسیاری از کتاب های تجسمی، کتاب هایی لوکس به حساب می آیند. به این معنا که وجه کتابخانه ای و تزئینی بودنشان بارزتر است. این کتاب ها معمولاً با قیمت های بالایی عرضه می شوند و خریداران و مخاطبان خاص خود را هم دارند. ساعد مشکی با اشاره به اینکه این کتاب ها جزو کتاب های آموزشی و کاربردی هنرهای تجسمی به حساب نمی آیند، می گوید: مدیران هنری انتشاراتی ها هم در هنگام طراحی با نگاهی کاربردی و آموزشی به آنها نگاه نمی کنند. قیمت های بسیار بالایی دارند و از کیفیت بسیار خوبی هم برخوردارند. در واقع نوع نگاه مدیران هنری به آن کتاب ها آنها را ارزشمند کرده است. مشکی مشکلات موجود در زمینه شکل ظاهری کتاب های غیر تزئینی مربوط به هنرهای تجسمی را به مدیریت چاپ مربوط می داند و با بیان این که مدیریت چاپخانه ها نگاه سنتی دارند می گوید: مدیران سنتی نمی توانند کاری جدید با نگاهی مدرن را چاپ کنند. به اعتقاد او چاپ کتاب یک فرآیند

یک نفره نیست و از طراح گرافیک و انتخاب آثار آغاز می شود و تا زمانی که کتاب از صحافی بیرون می آید ادامه پیدا می کند. به گفته او در این مسیر همه افراد و بخش های دخیل در امر چاپ می توانند بر کیفیت نهایی کتاب تاثیر بگذارند. او در این زمینه می گوید: در این میان هر کدام که کار را درست انجام ندهد، حاصل کار خراب خواهد شد و زحمات دیگران هم دیده نخواهد شد. گاهی روی جلد و صفحه آرای کتاب ها آنقدر نامناسب است که آدم خجالت می کشد کتاب را به کسی بدهد.

این هنرمند سپس به شروع کتاب های مربوط به طراحان گرافیک معاصر ایران اشاره می کند و می گوید: حدود سه سال پیش از آنجایی که می دانستم آقای یساولی هم مایل است کتاب هایی در زمینه هنرهای تجسمی چاپ کند، این پیشنهاد را به او دادم که برای هر گرافیک، یک کتاب از آثارش چاپ شود. البته پیش از آن از انتشاراتی دیگری خواسته بودم این کار را انجام دهد که به دلیل ترس از فروش نرفتن کتاب و مسائلی از این دست نپذیرفت. اما آقای یساولی به دلیل تجربه ای که داشتند این کار را لازم دانستند و استقبال کردند. این اولین بار است که یک مجموعه کتاب دنباله دار از آثار گرافیک های ایرانی بیرون می آید.

مشکی با بیان اینکه تعداد این کتاب ها به بیست جلد خواهد رسید می افزاید: در حال حاضر ۱۱ عنوان چاپ شده است. البته نشر نظر هم در قطع کوچک تر، شبیه این کار را انجام می دهد. آن کتاب ها هم مجموعه خوبی است که امیدوارم این

بسیاری از کتاب های تجسمی، کتاب هایی لوکس به حساب می آیند. به این معنا که وجه کتابخانه ای و تزئینی بودنشان بارزتر است. این کتاب ها معمولاً با قیمت های بالایی عرضه می شوند

قبیل کارها ادامه پیدا کنند. او درباره نحوه انتخاب هنرمندان و آثارشان برای این مجموعه، به آثار هنرمندان گرافیکست معاصر می کند و در توضیح بیشتر می گوید: بسته به میزان کارها و مقدار صفحاتی که می توانیم برای هر هنرمند اختصاص بدهیم آن آثار را انتخاب می کنیم. ساعد مشکی یکی از دلایل انجام این کار را، نبود یک مجموعه شکیل از آثار هنرمندان گرافیکست ایرانی می داند و با بیان این که وقتی با هنرمندان گرافیکست خارجی مواجه می شدیم، معمولاً مجموعه قابل قبولی از آثارمان را نداشتیم که به عنوان نمونه کار ارائه بدهیم، می گوید: در مقابل، آنها معمولاً یک مجموعه شسته رفته از آثارشان داشتند. او همچنین درباره اشتراکات کتاب های این مجموعه با همدیگر، به شماره گذاری ها و یونیکرم ثابت آنها اشاره می کند و می گوید: علاوه بر این که از لحاظ ظاهری یعنی صفحه بندی و طرح جلد که یونیکرم ثابتی دارد، اختصاص داشتن همه آنها به آثار طراحان گرافیک از مشترکاتشان است، کتاب ها معمولاً تعداد صفحات ثابتی دارند که از ۸۰ تا ۱۲۰ صفحه متغیر است و اگر این کتاب ها را کنار هم بگذارید متوجه مجموعه بودنشان می شوید.

مشکی با بیان اینکه معمولاً منتخبی از آثار هنرمندان در این کتاب ها چاپ می شود، توضیح می دهد: به دلیل محدودیتی که در تعداد صفحات داریم، همه کارهای هنرمندان در آن نیست. در واقع تعدادی از کارها به عنوان نمونه انتخاب و در کتاب چاپ می شود. در مورد کتاب خودم هم خیلی از کارهایم آنجانیست و فقط یک نمای کلی از کارهایم وجود دارد.

این هنرمند گرافیکست درباره کیفیت قابل قبول این کتاب ها می گوید: وقتی جنس خوب را به مردم عرضه کنی مردم آن را می خرند. مهم این است که خریدار بداند به او احترام گذاشته شده است. مردم جنس خوب را می شناسند و این را می فهمند. وقتی کتاب با کیفیت مطلوب چاپ شود مخاطب هم می داند که می تواند به راحتی، با کمی بیشتر هزینه کردن، کتاب بهتری داشته باشد و این کار را می کند.



همراه با جهانگیر نصری اشرفی و «کوچ»

سفری به آوای نی



جهانگیر نصری اشرفی صاحب پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه موسیقی است. این محقق که تاکنون دبیری چندین جشنواره موسیقی ایرانی را برعهده داشته است، اعتقاد دارد که تمامی جشنواره‌ها برای این که تاثیرگذاری پایدار و منسب پژوهشگرانه داشته باشند باید دستاوردهای خود را در قالب کتاب مدون و منتشر کنند. این پژوهشگر موسیقی که دارای مدرک کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران است از سال ۱۳۶۲ با تاسیس پژوهشگاه‌ای درباره موسیقی ایران، فعالیت‌های تحقیقی خود را به طور رسمی آغاز کرد. کتاب «کوچ» نیز از مجموعه پژوهش‌های او است که چندی پیش توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد.

موسیقی نواحی به چه نوع از موسیقی گفته می‌شود؟ می‌دانیم که موسیقی که تحت نام موسیقی نواحی شناخته می‌شود از نام‌های دیگری همچون موسیقی مناطق، موسیقی بومی، موسیقی مقامی، موسیقی فولکلور، موسیقی محلی و برخی عناوین دیگر نیز برخوردار بوده و در ایران از همه عناوین یادشده برای معرفی این موسیقی استفاده می‌شود. با این حال هیچ کدام از عناوین و نام‌های یادشده به درستی معرف این نوع موسیقی نیست، چراکه هر یک از نام‌های مذکور به لحاظ مفهومی تنها بیانگر برخی ویژگی‌های این گونه از موسیقی در ایران است. به رغم مسئله فوق با توجه به استعمال بیشتر عنوان موسیقی نواحی شاید همین نام در حال حاضر برای معرفی این نوع موسیقی مناسب‌تر باشد. از نظر ساختاری موسیقی نواحی که شامل موسیقی فرهنگ‌ها و پاره فرهنگ‌های متعدد و گوناگون در ایران است عموماً از خاستگاه قومی قبیله‌ای و نیز منطقه‌ای برخوردار بوده و بر اساس زیباشناسی قومی - منطقه‌ای شکل یافته‌اند.

فواصل، تحریر، مایگی و برخی دیگر خصیصه‌های موسیقایی به انواع این موسیقی در ایران شخصیت ویژه‌ای می‌بخشد. ضمن این که متن و ادبیات ویژه هر قوم و یا منطقه با زبان یا گویش و زیباشناسی ادبی خاص آنها همراه است. علاوه بر این موقعیت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی و نیز نحوه نگرش به جهان هستی و پیرامونی و نیز روش‌های تولیدی خاص نیز در تفکیک هویت موسیقایی در هر منطقه و در میان هر قوم دخیل است. برخی از انواع موسیقی نواحی با سازها و ادوات خاصی هویت می‌یابند یا لاقلاً بخشی از شخصیت صوتی مستقل آنها را تشکیل می‌دهد.

آیا جغرافیا بر موسیقی نواحی تاثیر گذاشته است؟ به طور طبیعی انواع موسیقی‌های قومی - بومی باید از زاویه اتنوموزیکولوژی مورد بررسی قرار گیرد، چه تا مل در این گروه از موسیقی‌ها عموماً نشان دهنده تعامل انسانی، اجتماعی، روابط معیشتی و اقتصادی، تعاملات فرهنگی و ذوق و زیباشناسی بومی است که همه این موارد به میزان‌های مختلف از جغرافیای هر منطقه تاثیر می‌گیرد.

دقت در موسیقی نواحی آشکار می‌سازد که جغرافیا با همه عوامل اصلی و مبنایی آن یکی از موارد تعیین‌کننده در مجموعه موسیقی هر منطقه است. تاثیرات موقعیت جغرافیایی نه تنها در ساختار

و فرم فنی نغمات هر منطقه و مدلاسیون آن دخیل است بلکه توجه به متن و ادبیات و در نتیجه مضامین این نوع موسیقی جایگاه ویژه و گسترده جغرافیا را به وضوح مشخص می‌سازد. از همین رو در مناطق ساحلی، دریا دریا دریا مضامین و شکل‌دهی مفاهیم موسیقی یک پایه اصلی محسوب می‌شود.

چه تفاوت‌هایی میان موسیقی ردیفی و نواحی وجود دارد؟

همان‌طور که قبلاً نیز گفته‌ام موسیقی نواحی یا آنچه که با نام‌های موسیقی بومی، موسیقی مقامی، موسیقی فولکلور و محلی شهرت دارد، با توجه به ویژگی‌های هر یک از فرهنگ‌های قومی و بومی در ایران از شخصیت مستقلی نسبت به هم برخوردارند. علاوه بر ساختار و فرم نسبتاً مستقل موسیقی هر یک از فرهنگ‌ها و پاره فرهنگ‌های ایرانی مولفه‌های دیگری همچون زبان و متن، زیباشناختی قومی و تاثیرات معیشتی نیز در شکل‌بندی و ساختمان موسیقی‌های بومی دخیل هستند.

موسیقی ردیفی اما نوع خاصی از موسیقی در ایران است که در شکل و قالب کنونی خود از سابقه‌ای چندان طولانی برخوردار نیست. این موسیقی که در حال حاضر در جایگاه موسیقی کلاسیک ایرانی قرار دارد از اواسط دوران قاجار و بر اساس هم‌اندیشی جمعی از هنرمندان، خوانندگان و نوازندگان موسیقی ایران کلاسه و طبقه‌بندی شد و فواصل و ویژگی‌های فنی این موسیقی عموماً منطبق با انواع موسیقی‌های قومی و بومی نواحی مرکزی ایران است.

به همین دلیل موسیقی ردیفی ایران از جهاتی در تمایز با انواع موسیقی‌های بومی - قومی ایران قرار دارد و از جهاتی نیز با آنها قابل مقایسه است. با این حال موسیقی ردیف لاقلاً از نظر قدمت متاخر بوده و قابل قیاس با انواع موسیقی بومی ایران نیست. در عین حال موسیقی ردیفی را می‌توان جزء بسیار کوچکی از مجموعه موسیقی نواحی دانست.

روش‌های تحقیق شما در زمینه موسیقی چیست؟ در فعالیت‌های میدانی حوزه فرهنگ قبل از هر چیز مردم‌شناسی تاریخ، روابط اقتصادی و معیشتی باید مورد توجه و دقت ویژه قرار گیرد. خاصه این که موسیقی قومی - بومی به طرز اساسی با موارد فوق پیوند دارد. در این میان زبان به عنوان اصلی‌ترین عامل انتقال مفاهیم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چراکه بخش مهمی از موسیقی بومی هر منطقه، گروه موسیقی آوازی و لحن‌هاست که عنصری اساسی در ساختار این گونه از نغمات است. بنابراین هر محقق قبل از هر چیز باید ساختارهای کلی تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه مورد تحقیق را مورد مطالعه جدی قرار دهد.

اتنوموزیکولوژی در حقیقت از چنین زوایایی به موسیقی قومی و بومی خواهد پرداخت و اطلاعات پیش‌گفته شخصیت و هویت انواع موسیقی‌های قومی را تشکیل می‌دهد. باید توجه کرد از آنجایی که بسیاری از روابط اجتماعی و اقتصادی مربوط به موضوع تحقیق یعنی موسیقی نواحی در حال منسوخ شدن است، بالطبع موسیقی نواحی نیز در معرض نابودی قرار دارد. به همین دلیل محقق میدانی برای مواجهه با انواع نغمات اصیل و با قدمت باید به راویان، مجریان و خنیاگرانی مراجعه کند که از اصالت

فرهنگی پرداختن جزء به جزء به موسیقی آن است. از این گذشته هم در جشنواره کوچ در لرستان و هم در کنگره گوسان پارسی عمدتاً منظومه‌های موسیقی خراسان مورد تحقیق و تدقیق قرار گرفته و نمونه‌هایی از آن ارائه شد، به همین دلیل در کتاب کوچ نیز به منظومه‌های موسیقایی خراسان پرداخته شد. لازم به ذکر است که منظومه‌های موسیقایی خراسان خود در بردارنده بخش مهمی از موسیقی قدیم‌ترین و اصیل‌ترین ساکنان خراسان بزرگ یعنی دری‌زبانان است. حضور ده‌ها منظومه موسیقایی در گستره جغرافیایی خراسان با مفاهیم گسترده و مضامین تاریخی، اجتماعی، سیاسی و نیز با درونمایه‌های اعتقادی، حماسی، غنایی و تغزلی علاوه بر بازتاب و تبلور سایه روشن‌های حیات اجتماعی، تجلی آرمان‌ها و حرمان‌های ساکنان این منطقه و آینه‌ای از زیباشناسی و ذوق آنان است. ساختار موسیقایی این منظومه‌ها نمونه‌های ارجمندی از مکاتب و سبک‌های مهم موسیقی خراسان است.

لازم برخوردار بوده و به لحاظ دانش هنری قابل اعتماد باشند. در تحقیقات حوزه موسیقی قومی - بومی راویان سالخورده و اصیل در صحت نتایج گردآوری و تحقیق نقشی کلیدی دارند.

چرا در کتاب «کوچ» و در بررسی موسیقی خراسان فقط به منظومه‌های موسیقایی پرداخته شده است؟ می‌دانیم که خراسان حوزه‌ای بسیار بزرگ در موسیقی نواحی ایران محسوب می‌شود. وجود اقوام مختلف همچون کرمانج‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها (اعم از ترک‌های ازبک و ترکان ایرانی) ما را در برابر گونه‌های موسیقایی مختلف و متفاوتی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر موسیقی حوزه خراسان از ساختارهای مختلف و مجزایی برخوردار است.

بررسی مکاتب و سبک‌های موسیقایی در خراسان بزرگ برای حتی یک بررسی سطحی و گذرا نیازمند چندین کتاب است. بنابراین با توجه به بضاعت مالی و امکانات محدود محققان موسیقی بهترین روش پژوهش در موسیقی این حوزه بزرگ جغرافیایی و

اطلاعیه

قابل توجه ناشران، کتاب‌فروشان، صحافان،

چاپخانه‌ها، لیتوگرافی‌ها و مراکز نشر سراسر کشور

ویرایش جدید کتاب راهنمای ناشران و کتابفروشان ایران، چاپخانه‌ها، لیتوگرافی‌ها و مراکز نشر سراسر کشور در قالب جدید و به عنوان کتاب مرجع نشر در مرحله تهیه است

موسسه خانه کتاب با همکاری کانون آویژه پویا از ناشران، کتابفروشان، صحافان، چاپخانه‌ها،

لیتوگرافی‌ها و مراکز پخش فعال که تمایل به درج

آگهی در کتاب فوق را دارند دعوت می‌نماید تا با

تلفن ۲۲۲۵۵۲۴۶ (مرکز جذب آگهی) و فکس:

۲۲۹۰۲۷۷۷ تماس حاصل نمایند



این هفته با مجید بیگری نویسنده مجموعه «بوی کاهگل»

تکیه بر باورهای مردمی

نه. نگفته‌ام که همه اینها واقعیت است. البته این را هم بگویم که در روستای زادگاه من خیلی از باورها و افسانه‌ها آنقدر در زندگی مردم رسوخ کرده که حالا دیگر جزئی از آنها شده است. اگر شما به محل تولد من بیایید در خواهید یافت که همه آنچه که ممکن است از دید یک آدم شهرنشین دور از ذهن باشد برای مردم آنجا به شدت باورکردنی است. واقعیتی که من در ابتدای کتاب به آن اشاره کرده‌ام، درست از باور مردم زادگاهم ریشه گرفته و من فقط آن را ارائه داده‌ام، البته این دو موردی که شما اشاره کردید در زمره افسانه‌های آنجاست و هر کسی می‌داند که نمی‌توانند واقعیت داشته باشند.

سطح استقبال از کتاب شما چگونه بود؟
مدت زیادی نیست که این کتاب چاپ شده و باید منتظر عکس‌العمل‌های مثبت یا منفی باشم، البته چند نفر از دوستان خوانده‌اند و ابراز لطف کرده‌اند.

شما پیوند خودتان با روند داستان‌نویسی امروز را چگونه ایجاد می‌کنید؟

همان‌طور که می‌دانید متأسفانه تمام امکانات در پایتخت جمع شده و بسیاری از استعدادها در سراسر کشور فراموش شده‌اند، بر همین اساس من و چند تن از دوستان تصمیم گرفتیم برای عقب نیفتادن از قافله جلساتی هفتگی داشته باشیم و از طریق دوستان ساکن در مرکز از آثار تازه منتشر شده مطلع شویم و در حد توان آنها را خریداری کنیم و بخوانیم.

کارهای دیگری را هم آماده چاپ دارید؟
بله، یک مجموعه دیگر دارم که در حال ویرایش آن هستم.

داستان‌های دیگران هم دارای همین حال و هوا هستند.

کمی متفاوتند اما رویکرد کلی همین است.

و حرف آخر.
حرف آخر این که اگر کسی بخواهد کار کند هیچ محدودیتی نمی‌تواند جلوش را سد کند. اعتقاد دارم اگر یک کار با علاقه صدرصد و عشق همراه باشد قطعاً موفق خواهد بود.



رویدادهایی که به داستان تبدیل شده اند واقعی هستند در حالی که نمی‌شود واقعیت داستانی چند تا از کارها را پذیرفت. کمی در این باره توضیح بدهید. مثلاً کدام مورد را می‌گویید؟

مثلاً تبدیل شدن آن پیرمرد به یک گنجشک در جلوی چشم اهالی و ادامه زندگی در میان مردم یا آن دخترکی که بعد از سه روز زنده از توی آب‌های رودخانه بیرون کشیده می‌شود.

ممکن است این اشتباه را کرده باشم. آن‌گونه که از فضای کارهای شما پیداست، پایین آوردن میزان این اشتباهات برای شما زیاد سخت نبوده.

شما این را به حساب تجربه بگذارید اگرچه بسیاری از دوستان خلاف عقیده شما را دارند اما من حرف شما را به عنوان یک خواننده می‌پذیرم. آن‌گونه که در ابتدای کتاب نوشته‌اید اغلب

مجید بیگری متولد ۱۳۵۸ روستای فتول است. این نویسنده جوان در اولین مجموعه داستانش سعی کرده باورهای بومی را با روند داستان‌نویسی امروز پیوند بزند. گفت‌وگوی کوتاه ما با او را بخوانید.

شما در اولین مجموعه داستانتان سعی کرده‌اید از روند داستان‌نویسی امروز، پیروی کنید اما خصوصیات بومی را هم در بسیاری از داستان‌ها لحاظ کرده‌اید. چرا؟

این سوال را بیشتر دوستان از من می‌پرسند و عمده دلمشغولی آنها این است که من چگونه خواسته‌ام عناصر داستان‌نویسی مدرن را با مسائل بسیار ساده یک روستا پیوند بزنم و من هم در جواب گفته‌ام که مدرنیته از دل همین باورها و اعتقادات و به قول امروزی تر خرده فرهنگ‌ها به وجود آمده است، یعنی این که این دورویکرد آن‌گونه که خیلی‌ها معتقدند زیاد با هم فاصله‌ای ندارند و حتی مکمل یکدیگر هستند.

منظور من این نیست که شما چرا این‌گونه عمل کرده‌اید. سوال من این است که چرا آنقدر در این کار افراط کرده‌اید که تا حدودی هر دورویکرد کمرنگ شده؟ به نظر خودتان شتاب‌زده عمل نکرده‌اید؟

بسمه تعالی

فراخوان



به منظور اجرای قانون برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور و برای هدمند کردن یارانه های حوزه نشر و هدایت آنها به سوی مصرف کنندگان واقعی، طرح توزیع کارت الکترونیکی خرید کتاب ویژه دانشجویان، طلاب علوم دینی، اهل قلم و دیگر واجدان شرایط با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط موسسه خانه کتاب به اجرا درمی آید.

بر اساس این طرح، کارت الکترونیک خرید کتاب جایگزین بن های کاغذی شده و افراد با در اختیار داشتن این کارت و یک شماره رمز می توانند تا سقف شارژ شده در کارت، اقدام به خرید کتاب نمایند. بر اساس محاسبات و آمارهای موجود پیش بینی می شود در سراسر کشور حدود چهار میلیون نفر مشمول این طرح شوند. بر این اساس و به منظور ایجاد زیرساخت های لازم، ضروری است کتابفروشی ها که آخرین حلقه توزیع کتاب در کشور محسوب می شوند، به سامانه دریافتی این کارت ها مجهز شوند. لذا از کلیه ناشران و کتابفروشان که دارای مجوز معتبر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا اتحادیه صنفی بوده و تاکنون موفق به استفاده از این سیستم در فروشگاه خود نشده اند، تقاضا می شود جهت نصب دستگاه کارت خوان، فرم زیر را تکمیل و به همراه تصویر مجوز مربوطه به نشانی: خیابان انقلاب- بین صبای جنوبی و فلسطین- موسسه خانه کتاب- طبقه منفی دو ارسال و یا به صورت حضوری به موسسه خانه کتاب ایران بخش کارت الکترونیکی خرید کتاب مراجعه نمایند.

فرم درخواست نصب دستگاه کارت خوان

نام واحد فروشگاهی / کتاب فروشی / انتشاراتی	نشانی:
شماره تلفن:	نشانی الکترونیکی:
سال تاسیس:	مشخصات مدیر مسئول:
نام خانوادگی:	نام:
شماره شناسنامه:	صادره از:
کد ملی:	متولد:





آسیب شناسی کتاب‌هایی با مخاطب مشترک کودک و بزرگسال

آدم بزرگ‌ها در جزیره کودکان

کتاب‌هایی سرگردان

خسرو و آقایی، سردبیر کتاب ماه کودک و نوجوان، این گونه کتاب‌ها را سرگردان و بی مخاطب می‌داند و معتقد است: «هدف اصلی از انتشار این کتاب‌ها، کتاب‌سازی و رسیدن به پاره‌ای منافع مالی است و گرنه هیچ خلاقیتی در این آثار به چشم نمی‌خورد.»

وی هر قالب از پیش تعیین شده‌ای را محدود کردن ذهن و خلاقیت کودک می‌داند و می‌گوید: «بزرگ‌ترها بر اساس ذهنیت‌ها و دغدغه‌های خود به سراغ کودکان رفته و درباره مسائل گوناگون از آنها سوال می‌کنند، بدون آن‌که بچه‌ها را آزاد بگذارند تا آن‌طور که دلشان می‌خواهد بنویسند و درونیات خود را بروز دهند.»

آقایی با اشاره به این‌که بچه‌ها به خاطر غلبه خیال، هر چیز ناممکن را ممکن می‌دانند می‌افزاید: «وقتی کودکان، ابرهای آسمان را گوسفندانی فربه می‌انگارند و از سینه آنان شیر می‌دوشند، چطور بزرگ‌ترها می‌توانند، کاغذ سفیدی در برابرشان بگذارند و از آنها بخواهند کوه و خانه و دریا بکشند؟»

وی آزادی را ماهیت وجودی انسان می‌داند و معتقد است: «بزرگ‌ترها فکر می‌کنند کودکان، ظرف‌هایی تهی هستند و آنها می‌توانند این جام‌های خالی را با هر آنچه که دوست دارند، پر کنند در صورتی که درون کودکان، آنقدر جوشان است که هر لحظه، اندیشه‌ای نو از آن بیرون می‌تراود و بزرگ‌ترها به جای محدود کردن کودکان باید دنیای کودکان را بشناسند و آزادی عمل را از آنها بگیرند.»

هرگز دروغ نکوییم

دل آرا قهرمان از جمله مترجمانی است که به ترجمه این گونه کتاب‌ها پرداخته و دو کتاب «نامه‌های بچه‌ها به خدا» و «بهترین مامان دنیا» را منتشر کرده است. او معتقد است که گاهی اوقات ما بزرگ‌ترها فکر می‌کنیم که بچه‌ها قدرت تحلیل و استدلال ندارند در صورتی که آنان همه چیز را به خوبی درمی‌یابند. اصلاً هر نوزادی که به دنیا می‌آید، انسان کاملی است و گرنه هرگز نمی‌توانست در طول یکی دو سال، زبان بیاموزد و مسیر رشد و کمال را در پیش گیرد؛ البته ویژگی‌های مثبت و کمالاتی درون هر انسان نهفته است که امید می‌رود با تربیت شکوفا شود و از بین نرود چراکه هر تربیتی محدودکننده است و بسیاری کسانیه که علاوه بر کودکان، بزرگسالان را هم هدایت می‌کنند و به آنها می‌گویند چه بگویند، چه بکنند، چطور زندگی کنند و بیندیشند؟!

مترجم کتاب «کودک، سرباز، دریا» می‌گوید: «بچه‌ها، انسان‌های کاملی هستند که هر آنچه بزرگسالان می‌فهمند و درک می‌کنند را درمی‌یابند و یک تربیت

انسان‌هایی دلخواه بسازند.

شعبانی زبان کودکانه را با زبان شکسته متفاوت می‌داند و می‌گوید: «بعضی شاعران فکر می‌کنند با شکستن زبان می‌توانند برای کودکان شعر بگویند در صورتی که دنیای کودکان و نزدیک شدن به احساس و اندیشه آنان، نه در گروی شکستن زبان که نتیجه شناخت ذهن و دنیای آنان است، به همین خاطر، حتی برخی نمونه‌های درخشان را نمی‌توان شعر کودکانه نامید، چرا که اندیشه حاکم بر آن، بزرگسالانه است اما شاعر با هنرمندی توانسته بازی‌های کلامی را به زنجیره‌ای از اصوات گره بزند و با دنیای کودکان ارتباط بگیرد.»

شاعر مجموعه «شکار دست‌های تو با من» معتقد است: «دنیای بچه‌ها ساده‌تر و صمیمی‌تر از آن چیزی است که در این کتاب‌ها تصویر می‌شود و شاعران نویسندگانی می‌توانند از این دنیای پاک و کودکانه سخن بگویند که در درجه نخست با خود صادق و صمیمی باشند.»

آغوش گرم کودکی

شهرام اقبال زاده را می‌توان در گروه دوم گنجانید، یعنی کسانی که فکر می‌کنند انتشار کتاب‌هایی چون «نامه‌های بچه‌ها به خدا»... ما را با دنیای کودکان و اندیشه آنان آشنا می‌کند و موجب می‌شود که ما جهان، ذهن، زبان و عاطفه بچه‌ها را بشناسیم.

این مترجم و منتقد ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به انتشار کتابی اینچنینی به نام «سیب‌های کابل شیرین است» می‌گوید: «این کتاب که به همت علیرضا حسن زاده گردآوری می‌شود درباره کودکان افغانی است که در ایران به دنیا آمده‌اند و بزرگ شده‌اند. خواننده با مطالعه این کتاب با رنج و درد این کودکان و نگاه آرمانی و نوستالژیک آنها به وطن آشنا می‌شود.»

اقبال زاده معتقد است: «کودکان، خدا و هستی را از طریق بزرگسالان لمس می‌کنند اما برداشت خاص خود را دارند.»

وی علاوه بر کودکان، بزرگ‌ترها را نیز خواننده این گونه کتاب‌ها می‌داند و معتقد است: «در دنیای پر از خشونت امروز که همه چیز این‌طور با شتاب پیش می‌رود، این نوع کتاب‌ها به خوانندگان فرصت می‌دهند تا دمی بیاسایند و نگاهی فارغ از سود و زیان به پیرامون خود بیفکنند.»

اقبال زاده، معنویت را گوهر گمشده انسان‌ها می‌داند و می‌گوید: «انسان‌ها در دنیای امروز، آنقدر اسیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی هستند که کمتر به سمت عرفان گرایش پیدا می‌کنند از طرفی رشد روزافزون انتشار اشعار مولانا در غرب، نشان می‌دهد که انسان‌ها معناراً گم کرده و در پی رسیدن به آن هستند.»

«نامه‌های این کتاب بیانگر آن بخش از جهان کودکی است که اختصاص به آرزوها و اندیشه‌های ویژه دارند و موضوعات آن شامل باورها، امیال، پرسش‌ها و تردیدهایی است که بین کودکان مشترک است و نیاز به پاسخ فوری دارند. بعضی از نامه‌ها خردمندانه‌اند و برخی دیگر ساده‌لوحانه، بعضی فاضلانیه و بعضی ساده؛ بعضی با رعایت حرمت فراوان و برخی دیگر نه‌چندان محترمانه نوشته شده‌اند. بعضی از نامه‌ها خیلی جدی هستند و برخی دیگر شوخ‌طبعانه... اما همه آنها با امید و ایمان کامل به خداوند نوشته شده‌اند...»

آنچه خواندید، جملاتی است که بر پیشانی کتاب «نامه‌های بچه‌ها به خدا» نقش بسته است. این سال‌ها انتشار کتاب‌هایی این چنین رواج پیدا کرده است و بزرگ‌ترها می‌کوشند پرسش‌های گوناگونی را مطرح کنند و پاسخ کودکان را درباره خدا، عشق، زندگی، مرگ و... بشنوند و گردآوری کنند. اما این کتاب‌ها تا چه اندازه کودکانه است و این گروه سنی را مخاطب قرار می‌دهد؟ تا چه اندازه از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های کودکانه سخن می‌گوید و چقدر می‌تواند بزرگسالان را با برداشت کودکان از جهان هستی و آنچه تصور می‌کنند آشنا کند؟

بعضی از نویسندگان بر این باورند که این گونه کتاب‌ها نه برای کودکان که درباره آنها نوشته شده و ذهنیت بزرگسالان را بیان می‌کند و نه کودکان را. برخی دیگر نیز معتقدند که انتشار این کتاب‌ها موجب می‌شود بزرگ‌ترها، دنیای کودکان را بشناسند و با اندیشه آنان نسبت به دنیای پیرامون خود آشنا شوند. اما گروه سومی هم وجود دارند که کتاب‌هایی اینچنینی را کتاب‌های سرگردان می‌دانند و معتقدند که این کتاب‌ها نه کودکان را جذب می‌کند و نه بزرگ‌ترها را.

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان در گروه نخست جای می‌گیرد و معتقد است این کتاب‌ها برای کودکان نوشته نمی‌شود و بچه‌ها علاوه بر چندانی به خواندن آن ندارند و این یک امر کاملاً طبیعی است زیرا بچه‌ها به دانستن دوباره آنچه می‌دانند و تجربه کرده‌اند علاقه‌ای ندارند، بلکه به دنبال کشف دنیاهای تازه و حرکت به سوی دنیای بزرگ‌ترها هستند، به عبارتی بچه‌ها می‌خواهند طعم آنچه را که تجربه نکرده‌اند، بچشند و گرنه دنیای کودکانه خود را درک و لمس کرده‌اند.

شاعر مجموعه «آواز توکا» معتقد است که این گونه کتاب‌ها حتی نمی‌توانند بزرگ‌ترها را با دنیای کودکان آشنا کنند زیرا از زبان کسانی بیان شده‌اند که دنیای کودکان را نمی‌شناسند و آرمان‌ها و آرزوهای خود را در قالب کودکانه برای بچه‌ها بازگو می‌کنند تا از آنها

معرفی کتاب

خاطرات خودمانی‌هاک



بعضی از شاهکارهای ادبی جهان، این شناس را دارند که در دوره‌های مختلف زمانی خوانده شوند و مخاطبان در هر زمان و مکان، برداشت‌های خاص خود را از آن داشته باشند.

«ماجراهای هاکلبری فین»

شاهکار بی‌مانند مارک تواین، داستان نویسنده، طنزپرداز و روزنامه‌نگار معروف نیز در ردیف چنین آثاری قرار می‌گیرد؛ داستانی که پس از آثار شاخصی چون «ماجراهای تام سایر»، «شاهزاده و گدا» و نوشته

شده است؛ ماجراهایی که اگرچه ۱۲۴ سال پیش روایت شده‌اند، اما هنوز خواندنی و جذاب هستند.

این بار محسن سلیمانی به تلخیص و ترجمه «ماجراهای هاکلبری فین» برای نوجوانان پرداخته و تلاش کرده تا آنجا که می‌تواند از جملات ساده و روان استفاده کند و با کم کردن حجم داستان، این امکان را به مخاطبان بدهد که متناسب با زمان و حوصله خود به خواندن این کتاب بپردازند.

«ماجراهای هاکلبری فین» را برخی منتقدان، جلد دوم ماجراهای تام سایر، اثر معروف او می‌دانند، اگرچه به گمان بسیاری از منتقدان طنزی زیبا در دل عبارات هاکلبری فین نهفته است و به لحاظ ادبی نیز، برتر از ماجراهای تام سایر است.

سلیمانی کوشیده داستان را به گونه‌ای خلاصه کند که به ساختار اصلی و بخش‌های کلیدی آن آسیبی وارد نیاید. به همین خاطر از پرداختن بیش از حد به جزئیات داستان پرهیز کرده و داستان طولانی



درست، می‌تواند شرایط را برای پرورش استعدادها آنها آماده کند. همچنین نقاشی و بازی موجب رشد عاطفی و هیجانی آنها شده و کودکان را در برقراری ارتباط با دیگران یاری می‌دهد اما سیستم آموزش و پرورش ما آن گونه که باید به وجوه مختلف انسان‌ها نمی‌پردازد و خلاقیت کودکان را نادیده می‌گیرد.»

شاعر مجموعه «رویای خوب» با اشاره به این‌که برای نوشتن برای کودکان بهتر است با ذهن و زبان آنها آشنا شویم و دغدغه‌هایشان را بشناسیم می‌افزاید: «برای مثال، کودکان دوست دارند بدانند چطور به دنیا آمده‌اند، برای چه باید به مدرسه بروند و درس بخوانند و شاعران و نویسندگانی که دنیا و زبان بچه‌ها را می‌شناسند باید به طرح این پرسش‌ها و سپس پاسخ به آن بپردازند و گرنه راه به جایی نمی‌برند. همچنین باید کودکان را به جست‌وجو و اندیشیدن در پدیده‌های پیرامون خود تشویق کنند چراکه یکی از مشکلات اساسی انسان معاصر، پرسشگر نبودن اوست. همه می‌گویند کودکان باید کتاب بخوانند اما کسی از خود نمی‌پرسد این بچه‌ها باید چه بخوانند. همان گونه که فریاد می‌زند تهران به ۴۰۰ سالن سینما نیاز دارد، اما کسی نمی‌گوید که در این سالن‌ها، چه چیزی را می‌خواهند به نمایش بگذارند.»

قهرمان با ابراز ناراحتی از این‌که امروزه کودکان را با عمق و معنا آشنا نمی‌کنند می‌گوید: «متأسفانه در این سال‌ها، سطح انسان را در همه جای دنیا پایین آورده‌اند و می‌گویند بچه‌ها نمی‌توانند ادبیات را دریابند. من و تمام همسالانم، ادبیات را با ادبیات آغاز کردیم. کلیله و دمنه، گلستان، شاهنامه و مثنوی خواندیم و از خواندن لذت بردیم، همان گونه که بچه‌های امروز از خواندن «شازده کوچولو» لذت می‌برند در صورتی که آنتوان سنت اگزوپری این کتاب را برای کودکان نوشته اما از آنجا که با خود صادق بوده توانسته با این گروه سنی ارتباط بگیرد، زیرا هر خلاقیت صادقانه‌ای در دل همه انسان‌ها از کوچک و بزرگ نفوذ می‌گذارد.»

بنابراین بهتر است از خود کودکان بخواهیم تا با ماز دلمشغولی‌های خود سخن بگویند و ما درباره این دغدغه‌ها بنویسیم تا به این ترتیب بتوانیم بزرگ‌ترها را با دنیای کودکان آشنا کنیم.

و پیچیده هاکلبری را - که از او ماجراجویی بی‌مانند ساخته بود - به صورت خاطرات قهرمان اصلی داستان بازگو کرده است. در واقع هاک، سرگذشت طولانی و پرفراز و نشیب زندگی خود را به صورت خلاصه برای مخاطبان تعریف می‌کند.

بعضی صاحب‌نظران ادبیات کودک و نوجوان بر این باورند که نوجوانان امروز، زمان و حوصله خواندن داستان‌های طولانی را ندارند، از طرفی دلشان می‌خواهد با شاهکارهای ادبی جهان چون «جنگ و صلح» و «بینوایان» آشنا شوند، از این رو خلاصه کردن این آثار برجسته، یکی از راه‌های خوب برای آشتی دادن مخاطبان، به ویژه نوجوانان با ادبیات کلاسیک جهان است.

همچنین مترجمان این گونه آثار می‌توانند با نگاهی امروزی به خلاصه کردن و بازنویسی این کتاب‌ها پرداخته و نوجوانان را با متونی که فکر می‌کنند با شرایط امروز هماهنگی ندارد، آشنا کنند. انتشارات افق این کتاب را در ۲۸۸ صفحه منتشر کرده است.



روایت اول شخص

گام اول دونوسه

عبدالله کوثری؛ مترجم

چندی است که اثری از خوزه دونوسه از جمله نویسندگان برجسته آمریکای لاتین را به فارسی برگردانده و برای انتشار به نشر آگه سپرده ام.

البته باید بگویم که تاکنون اثری از این نویسنده به فارسی ترجمه نشده و رمان کوتاه 'باغ همسایه' اولین اثری است که از او به فارسی منتشر خواهد شد.

این نویسنده باید زودتر از این ها به ما معرفی می شد که در این کار کوتاهی شده است، به طوری که پرده وقیح شب - اثر دیگر این نویسنده - هم ردیف کارهای کارلوس فونتنس به شمار می آید. دونوسه آثار دیگری هم دارد که از این اثر معروف ترند، اما فکر کردم با توجه به فضای فعلی، این کتاب را ترجمه کنم.

اما درباره رمان کوتاه 'باغ همسایه' همین نکته بس که این کتاب یکی از آثار مهم آمریکای لاتین است و تاکنون اثری از این نویسنده در ایران معرفی نشده است.

علاوه بر این دوباره درگیر آیزایابالین از جمله برجسته ترین نظریه پردازان سیاسی معاصر شده ام و با استقبالی که از کتاب ریشه های رمانتیسم شد، مشغول ترجمه زندگی و آثار این فیلسوف و اندیشمند روسی تبار انگلیسی هستم.

سیستم استانیسلاوسکی

قریان صابر؛ پژوهشگر و نمایشنامه نویس

آخرین کار من کتاب فرخ نامه بود که به روایت زندگی، شگردهای نمایشی و اندیشه های فرخ قاسم کارگردان و نمایشنامه نویس برجسته تاجیک می پرداخت. فرخ قاسم به دلیل نوآوری های ویژه خود در ارائه آثاری برگرفته از میراث کهن شعر و نثر فارسی در میان تاجیکان مقام و منزلتی همتراز استانیسلاوسکی و حتی شکسپیر دارد و حتی آثار او در میان غربیان نیز جایگاه ویژه ای دارد.

با انتشار این کتاب از سوی نشر عرفان چندی است که درگیر ویرایش و سامان نهایی کتابی هستم که عنوان دردهای پشت صحنه را روی جلد خواهد داشت.

در این کتاب علاوه بر بازخوانی سیستم استانیسلاوسکی و کمبودهای آسیب های ناشی از کژفهمی این سیستم تقریظ هایی بر آن نوشته ام که به زودی تحویل ناشر کار قبلی من خواهد شد.

حکایت ها و ترانه های پشت صحنه نیز عنوان کار بعدی بنده است که حاصل کتبه نوشته ها و یادداشت های پشت صحنه تئاتر در طی سی سال کار حرفه ای من است.

در این مجموعه سعی داشته ام تا علاوه بر ارائه دل نوشته های درحین کار روایتی از وضعیت هنرهای نمایشی در زیستجهان فکری خودم ارائه دهم.

کودکان در خردسالی

علی رؤوف؛ پژوهشگر علوم تربیتی

به تازگی، سه کتاب 'مبانی و اصول آموزش و پرورش امروز' (فلسفه تربیت معلم)، 'مدیریت در مدرسه' (چگونه مدرسه را اداره کنیم) و 'تربیت معلم و کارورزی' (ویپرست دوم) با قلم بنده توسط مؤسسه انتشاراتی ارسباران وارد بازار کتاب شده اند.

با فراغت از دغدغه های انتشار این کتاب ها چندی است که مشغول سامان بخشی به کتابی هستم که عنوان 'کودک امروز، زندگی فردا' روی جلد خواهد داشت و از سوی مؤسسه انتشاراتی

آیژ منتشر خواهد شد.

در این کتاب به مباحث پرورشی کودکان در دوران خردسالی و تأثیر آن در زندگی بزرگسالانه پرداخته ام.

علاوه بر این کتابی را هم در حوزه راهنمای کارورزی در کارگاه تربیت معلم در دست کار دارم، که برای تألیف آن از منابع و تجربیات سایر کشورها، بویژه کشورهای انگلیسی زبان، بهره برده ام.

سی سال زندگی در انقلاب

علیرضا مرادی نیا؛ تاریخ پژوه

چندی است که مشغول تهیه و تدوین کتابی هستم که در صورت انتشار کامل ترین سالشمار زندگی حضرت امام خمینی (ره) خواهد بود و پیش بینی می شود حجمی بالغ بر هشتصد صفحه در قطع رحلی داشته باشد.

در این کتاب که به صورت مصور و مستند در حال تهیه است مبنای تاریخی را از پیش از فوت پدر امام (ره) تا رحلت بنیادگذار انقلاب اسلامی قرار داده ام.

در مورد این کتاب هنوز با ناشر خاصی صحبت نکرده ام. کار بعدی من مدیریت و نظارت بر یک کار گروهی در مجموعه ای سی جلدی است با عنوان 'موقت سال سی' که به مناسبت و انگیزه سی امین سال پیروزی انقلاب اسلامی به سفارش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حال تهیه و تدوین است.

این کتاب ها قرار است در قطع پالتویی منتشر شوند هر کدام مقطعی از تاریخ سی ساله انقلاب اسلامی را روایت می کنند و به عبارتی هر کدام سر فصل هایی از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون را مطرح نظر دارند.

برخی از سر فصل های این مجموعه عبارتند از: فراندوم جمهوری اسلامی، واقعه طس، کودتای نوژه، انقلاب دوم، آغاز جنگ عراق علیه ایران، انقلاب فرهنگی، پایان جنگ تحمیلی و... کار بعدی بنده یک مجموعه ۳۴ جلدی با محوریت مکارم اخلاقی و قیاب اخلاقی است که از میان متون دینی، قرآن کریم و متون نظم و نثر استخراج شده اند.

این مجموعه که به احتمال قریب به یقین بیست مجلد آن تا نمایشگاه بیست و یکم از سوی نشر زیبا منتشر خواهد شد با هدف استفاده عموم مردم با نثری روان نوشته شده و موضوعاتی نظیر نیکی، صبر، ادب و... را در حوزه مکارم اخلاقی و مباحثی چون حسد، ریا، غیبت و... را در حجمی کم و قطع پالتویی مورد و اشکافی قرار می دهد.

شاعران نسل نو عرب

موسی بیدج؛ مترجم

کتاب 'صد سال شعر عرب دو وعده طلوع، دو نوازنده' با مقدمه و نمونه هایی از نسل جوانتر از نسل های دوم و سوم شعر عرب که پژوهشی در شعر امروز عرب است، از سوی انتشارات خانه شاعران ایران در حال انتشار است.

در این کتاب بیشتر به معرفی شاعران جوان عرب پرداخته ام و با توجه به این که امروز نسل اول و طلایه داران شعر معاصر عرب نظیر نزار قبانی و آدونیس و... در میان مخاطبان ایرانی شناخته شده اند قصد کرده ام تا به نسل های دوم و سوم بپردازم.

همچنین شعرهایی که در کوچه می روند عنوان سومین مجموعه شعر بنده است که از سوی نشر خورشید باران زیر چاپ است. این مجموعه دربرگیرنده کارهای اخیر بنده است که به نوعی درگیری های انسان در جهان هستی را روایت می کند.

گزیده شعرهای این چند سال خودم را نیز به زبان عربی انتخاب و ترجمه کرده ام و قرار است با عنوان 'بال هایی برای فرود به زودی' در انتشارات مرکز الهزاره بیروت منتشر شود.

بجز کتاب خودم کارهایی از زنده یاد قیصر امین پور را انتخاب و به عربی ترجمه کرده ام که عنوان 'سه شنبه سوخته' را بر جلد دارد. در این مجموعه بیشتر کارهای سپید او را انتخاب و برگردانده ام.

در همین حوزه از خانم طاهره صفارزاده نیز مجموعه ای در همان موسسه در دست انتشار دارم که عنوان 'سفر عاشقانه را بر پيشانی خواهد داشت

علاوه بر این برگردان های من از سه کتاب 'عیسی پسر انسان'، 'دیوانه' و 'موسیقی' جبران خلیل جبران نیز از سوی نشر افق در حال چاپ اند.

از سوی دیگر، ترجمه گزیده ای از آخرین کتاب شعر علی احمد سعید آدونیس با عنوان 'بالش ها سر به جنون برداشته اند' به صورت دوزبانه عربی - فارسی و با ۷۰ شعر از سوی نشر ثالث منتشر خواهد شد.



قریان صابر



عبدالله کوثری

از معنای تراژدی تا مسخ کافکا

هلن اولیایی نیا؛ مترجم ادبیات

چندی است که یک کتاب مرجع در زمینه تراژدی نوشته کلیفورد لیچ را با عنوان 'تراژدی چیست؟' به فارسی برگردانده و تحویل نشر فردا در اصفهان داده ام.

این کتاب که با موضوع تراژدی و انواع آن در تئاتر و سینما و ادبیات نوشته شده است، در حال حاضر در مرحله ویرایش نهایی قرار دارد. علاوه بر این در همین حوزه تئاتر 'ابلهان زمان' نوشته نور تروپ فرای هم اینک مراحل فنی انتشار را طی می کند. این نیز اوایل امسال توسط همان ناشر عرضه خواهد شد.

بخش 'تراژدی' از کتاب 'آنا تومی نقد' نیز ترجمه دیگری است که انجام دادم و در قالب یک کتاب نه چندان طولی منتشر خواهم کرد. این کتاب به طور کامل توسط صالح حسینی ترجمه شده است. علاوه بر این کتابی با عنوان 'مسخ کافکا' و چند مقاله دیگر را آماده انتشار دارم. 'مسخ کافکا' یکی از آثار سوررئالیستی است. از این جهت تصمیم گرفتم سه مقاله نقد و بررسی این اثر که یکی نوشته خود من و دو تای دیگر نوشته منتقدان خارجی است از این داستان ضمیمه و عرضه کنم.

دیوار، پشه، مترو

فرهاد بابایی؛ داستان نویس

سال گذشته قصد داشتم مجموعه داستان 'در اعماق' را منتشر کنم اما بنا به دلایلی موفق به انتشار کتاب نشدم. قصد دارم در سال جدید با تکمیل و اضافه کردن بخشهایی تازه به یکی از داستان های بلند این مجموعه با نام 'نوروز'، آن را به شکل کتابی مستقل منتشر کنم.

علاوه بر این چندی است که مجموعه داستان تازه خودم را با محوریت طنز اجتماعی سامان داده ام. این کتاب مشتمل بر هفت داستان. من در این مجموعه داستان با زبان کنایه و اشاره و لحنی طنز آمیز به روایت معضلات اجتماعی پرداخته ام. موضوع داستانهای این کتاب حول محور مسائل اقتصادی ایران می گردد.

همچنین دو رمان 'دیوار نویسی' و 'پدر پشه' آماده انتشار دارم که این دو رمان نیز دربرگیرنده مضامین روز اجتماعی هستند.

'برج' عنوان رمان دیگر من است. این رمان درباره دو شخصیت است که در مکانی محبوس شده و اتفاقاتی برای آنها رخ می دهد.

سرآغاز رمان فارسی

حسن میرعابدینی؛ منتقد

گرچه امسال سال مطلوبی برای ادبیات داستانی ایران نبود و به طور کلی این حیطه در رکود به سر می برد، اما مهم این است که نویسندگان به فعالیت خود ادامه دهند. بر همین اساس من هم به نوبه خود در سال جدید چون گذشته به تحقیق درباره ریشه های ادبیات داستانی ایران و تاریخچه آن خواهم پرداخت. البته تا زمانی که کاری به شکل جدی آغاز نشده، نمی توان توضیح بیشتری درباره آن داد.

'پیدایش رمان نویسی تا سال ۱۳۲۰' عنوان احتمالی این کتاب خواهد بود که به زودی منتشر خواهد شد. در این کتاب به جریانهای داستان نویسی، نویسندگان، پاتوقها و نشریات ادبی در این دوره پرداخته ام.